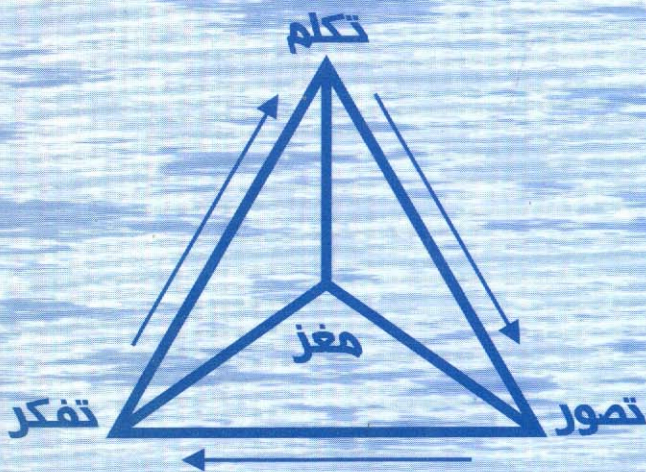
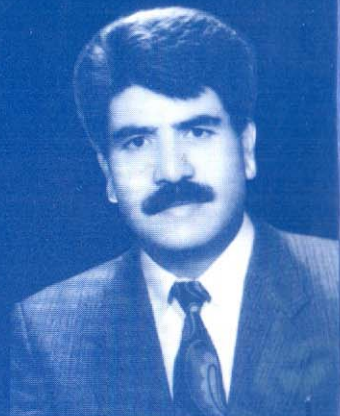


# ماهیت زبان

( فارسی - ترکی )



• زبان در میان مردم مهمترین وسیله ارتباط و یا صورت ظهور احساسات است .

• خدای بزرگ انسان ( آدم ) را آفرید و آموختن اسامی اشیای موجود در جهان را به عهده خود او گذاشت .

• در هر صورت پرندگان مکالمه میکنند .

• در سال ۱۸۰۷ زبان بابل به فرانسه ترجمه شده است .

• ... کلمه محصول تفکر نیست .

• همه عناصر و اعضای زبان در تفکر قابل مشاهده است .

• همه فعالیتها محصول و شاخ و برگ درختی است که ریشه

آن نطق و بیان میباشد .

علی داشقین

# ماهیت زبان

(فارسی - ترکی)

ارزش معنوی این بخش از کتاب را تقدیم میکنم به اولین معلم خود بعد از مادرم جناب آقای  
هوشنگ معینی

علی داشقین

حسین زاده داشقین، علی، ۱۳۴۰-  
ماهیت زبان (فارسی - ترکی) / علی داشقین-  
تبریز: اختر، ۱۳۸۰.  
۱۵۲ ص.

ISBN 964-6756-86-7: ریال ۸۰۰۰

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

فارسی - ترکی.

۱. زبان. ۲. زبان شناسی. الف. عنوان.

۴۱۰

۵م۲/ح ۱۰۶ پ

۸۰-۱۴۲۸۹

کتابخانه ملی ایران

محل نگهداری:

ماهیت زبان (فارسی-ترکی)

علی حسین زاده (داشقین)

ناشر: اختر

تعداد صفحه و قطع: ۱۵۲ ص. رقعی

تاریخ و محل چاپ: تبریز، زمستان ۱۳۸۰

نوبت چاپ و تیراژ: اول، ۵۰۰ جلد

قیمت: ۸۰۰۰ ریال

شابک: ۷-۸۶-۶۷۵۶-۹۶۴-ISBN : 964-6756-86-7

مراکز پخش:

تبریز، اول خیابان طالقانی، بازار مروارید، پلاک ۲۴، نشر اختر.

تلفن: ۵۵۳۰۱۷۶

## زبان

صدای برتری انسان بر تمامی مخلوقات، عقل، هوش و قابلیت و لیاقت او حتی به گوش خود او نیز رسیده است. از این جهت است که او سعی کرده است این برتری، هوشمندی و قابلیت را نه تنها به گوش مخلوقات جاندار بلکه به گوش کوه و دشت و بیابان نیز برساند تا بدین وسیله قله ای بالاتر از قله توانائی او بر روی کره زمین نباشد. علل برتری انسان بر جانداران دیگر، طبیعت، محیط و نیز عشق مالکیت او بر همه چیز عالم توجه خیلی از علماء، دانشمندان و اهل علم را بر خود جلب کرده آنها را به تحقیق و بررسی بصورت علمی در این راستا سوق داده است. تعدادی از دانشمندان و متخصصین برتری او را بر محیط به شعور، تفکر، فهم، نیروی درک، زرنگی و هوشمندی او نسبت داده و او را کاملترین موجود زنده عالم و نیز صاحب و مالک طبیعت دانسته اند. در کتب دینی و نگرش اخلاقی - ادبی گذشتگان خود نیز بصورت مکرر شاهد این موضوع (انسان اشرف مخلوقات است) شده و بارها شنیده و تجربه کرده ایم. ما در این بخش تنها زبان و ماهیت آنرا در مد نظر داشته و در مورد آن به گفتگو خواهیم پرداخت. بدین صورت که مالکیت و برتری او را بر طبیعت و محیط در ارتباط با زبان او دانسته و موضوع را از نظر ادبیات زبان شناسی و ارتباط آن با رشته های علوم مختلف و شناخته شده در دنیا مورد مقایسه و بررسی قرار خواهیم داد.

سعی ما بر این اساس خواهد بود که موضوع را کاملاً علمی و همراه با دلیل و منطق در میان گذاشته و از منابع و مراکز مورد اطمینان همه اهل علم و نیز اهل تحقیق در این خصوص که دارای تجربه و نظر هستند نمونه ها و مثالهای قابل توجهی ارائه

نمائیم. در اضطراب، هیجان، تلاش و فعالیت‌های اجتماعی انسان بیشتر از هر چیز دیگر زبان به میان می‌آید و بعنوان نزدیکترین یار و کمک او تظاهر میکند. همان طوریکه قبلاً نیز متذکر شدیم، در بیشتر مواقع انسان از اهمیت فهم، شعور، تفکر، درک سخن می‌گوید و بدون آنها انسان را بی اهمیت و ناقابل معرفی میکند. لکن اصل موضوع این است که همه شرایط و موارد ذکر شده و نیز پیدایش و تکامل آنها با زبان ارتباط تنگاتنگی داشته و از گسترش آن در بین مردم سرچشمه گرفته است. در صورت حذف زبان، از ابراز هرگونه تغییر و تحول در زندگی انسان نو و معاصر از قبیل قدرت شعور، درک، فهم و دریافت او عاجز می‌ماندیم. چراکه مایه شهرت و برتری او که او را بعنوان انسان زیانزد همگان کرده است زبان اوست. از زمانیکه انسان بوجود آمده است زبان او از هر نوعی و گروهی که باشد دقت همه دانشمندان، فیلسوفها، زبان شناسها و سایر علمارا به خود جلب نموده و موجب شده است که در میان آنها مناظره‌ها، مناقشه‌ها، کشمکشها و اظهار نظرهای گوناگونی بوجود آید.

سؤال "زبان چیست؟" در طول همه ادوار تاریخ سخن روز بوده و با جوابهای مختلف روبرو شده است. جوابهای داده شده نگرش، طرز تفکر، نقطه نظر و تصور آنها را در مورد زبان بیان نموده و تأثیر بسزائی در تکامل و ترقی زبان کنونی داشته است.

زبان شناسها ارتباط مستقیم و متقابل زبان و اجتماع و نیز نزدیکی غیرقابل انکار این دورا هم مورد توجه قرار داده و در این راستا موفقیتها و پیشرفتهای قابل توجهی نیز بدست آورده اند. زبان گرچه با اصول و روش مختلفی برای اجتماع تقدیم شده است لکن میتوان گفت که، "زبان سیستمی از ترکیب اشارات و پیل مستحکمی بین آنهاست".

زبان را از نظر جایگاه و ارزش آن در اجتماع نیز میتوان بصورت موضوع علمی روز تحقیق و بررسی نمود و آن را بر حسب مناسبات و ارتباطات مذکور در این بخش بدین صورت توضیح داد :

‘ زبان در میان مردم مهمترین و نیز بزرگترین وسیله ارتباط و یا صورت ظهور احساسات آنهاست ’.

این بدان معنی است که رفتار، حرکات، احساسات، جهان بینی، تأثیرات و وظایف اجتماعی انسانها هم باریبری و راهنمائی زبان ظاهر میشود. بادرک همه اینها میتوان گفت که اجتماع بدون زبان و زبان بدون اجتماع وجود ندارد و نمی توان چنین سیستمی را در جهان هستی بشر پیدا کرد. لاکن همه اینها توضیح و بررسی فلسفی زبان است. یعنی زبان از نظر فلسفه مورد ارزیابی، مذاکره و کنکاش قرار گرفته است. ماهیت زبان و ارتباط آن با تفکر، شعور و درک و جایگاه آن در سایر رشته های علوم،... نیز مورد توجه زبان شناسان واقع شده است. گفتنی است که در اینمورد زبان شناسی نظری قبل از هر چیز ماهیت زبان و علاقه آن را با علوم تاریخ، روانشناسی و غیره ارزیابی کرده و قابلیت، انحطاف و کارائی آن را البته بصورت متقابل جستجو و بررسی میکند. زبان در بعضی از موارد و از طرف برخی از دانشمندان بعنوان پدیده اجتماعی مطرح شده است لاکن زبان نسبت به هستی خود پدیده اجتماعی نیست بلکه نسبت به سایر عوامل آن را میتوان چنین تصور نمود. زبان با همه پدیده های موجود که وجود حقیقی دارند نیز ارتباط نزدیکی داشته و با رشته های گوناگون علمی و شناخته شده در جامعه و در کنار آنها در حال آموزش و فراگیری است. صرف نظر از اینکه زبان دارای چنین موقعیت های وسیع، عمیق و پربار بوده و هست ثانیمه قرن ۱۹ بطور کامل که در شأن آن باشد مورد توجه قرار نگرفته و بعنوان یک کامل جداگانه تحت بررسی و آنالیز واقع نشده است.

تقریباً یک قرن و اندی است که زبان و مکالمه (نطق) بصورت متقابل و برابر مقایسه گردیده و در این راستا موفقیت های قابل توجهی نیز بدست آمده است. میتوان گفت که حرکت فوق نیز از زمان ف. د. سسور آغاز میگردد. با اینهمه باز هم موانع و انگلهای بزرگی از کنکاش و تحقیق زبان جلوگیری نموده و در روند کار ایجاد مشکل مینماید. یکی از این مشکلات ظهور زبان و مکالمه (نطق) بعنوان دو موضوع جداگانه

است که در اینجا زبان به دوشاخه بارز یعنی زبان-نطق تجزیه شده و یک واحد علمی در دوزمان و در دو جهت مورد مطالعه و تحقیق قرار میگیرد. مشکل دیگر موضوع متون و زبان میباشد. در این خصوص سئوالاتی از قبیل 'متون و نوشته ها زبان است یا ماده؟'، 'آیا میتوان زبان را دید و یا مشاهده نمود؟'، ...به میان می آید و زمان بیشتری برای حل کلی آن می طلبد. به نظر ل. و. شیربا مجموعه آثار و متون زبان نیست، ماده و مطلب زبان است. اگر موضوع بدینصورت مطرح گردد دیگر نمیتواند بعنوان موضوع و مورد خاص و آشکار تحقیقی برای یک زبان شناس باشد.

زبان که وسیله تفکر، درک، ادراک، شعور و دیگر معلومات و اطلاعات بشر میباشد از نظر ساختار و وظیفه اجتماعی به سه دسته مختلف و با کیفیتهای جدا از هم تقسیم میشود :

۱- زبان سیستمی است که از ترکیب مفاهیم علمی، اعضاء، واحدها و دیگر عناصر خود آن تشکیل شده است.

۲- پدیده ای است تاریخی که بعداً تکامل یافته و بصورت واحد دارای ماهیت شناخته شده است.

۳- نتیجه فعالیت کسانی است که زبان و ساختار، عناصر، سیستم و واحدهای آن را برای اظهار و اثبات تفکر، شعور و نیازهای خود در شکل و قالب بیان و نطق بکار گرفته اند.

با در نظر گرفتن بخشهای مذکور و تحقیقات مورد مطالعه و مطرح شده در این بخش باز هم نمیتوان گفت که واحدها و عناصر زبان کاملاً جدا شده و انکار میشود بلکه بایستی چنین تصور کرد که همه اینها صحت و درستی هر چه بیشتر تحقیقات زبان را نشان داده و مالک بودن آن را بر یک سیستم و نظام برتر و نیز جامع اثبات میکند.

اصولاً در تحقیقات علمی همه نقطه نظرها، فرضیه ها و دیدگاهها همیشه به نتیجه صحیح و عاری از هرگونه عیب و نقصی نمی انجامد بلکه راهگشای مطلب و موضوعی میشود که دیگران نیز بسادگی و راحتی بتوانند در تجزیه و تحلیل های بعدی اقدام نمایند. بنابراین نباید در مورد هر پیشنهاد و نظریه ای بصورت عجولانه و یکجانبه قضاوت نمود. چراکه در اینصورت مسئله از محور اصلی خود که همان علم و اصول منطقی است خارج خواهد شد.

## ماهیت زبان

در این بخش و در طول بررسی، موضوع از نظر ماهیت، ظهور و چگونگی بوجود آمدن زبان (از اشاره تا گفتگو) مورد توجه قرار گرفته و حداقل امکان و در دایرهٔ مربوطه به حل مسائل موجود سعی خواهد شد. مسائل مربوط به زبان شناسی و زبان بدین ترتیب نیز پایان نمی‌رسد بلکه در موارد و بخشهای دیگری نیز به آن اشاره نموده دیدگاهها، نظرات و تبادل افکار گوناگونی را تقدیم خواهیم کرد. زبان با فعالیتهای روزانه و حضور اجتماعی - سیاسی انسان بصورتی عجین شده است که بدون آن نمیتوان زیست. اگر انسان را بدور از زبان او تصور نمائیم هستی اجتماعی او را حذف و هستی بیولوژیکی آن را زنده کرده ایم. انسانی که تنها دارای هستی بیولوژیکی است خواه ناخواه دچار فاجعه ای بس بزرگ و فلاکت غیرقابل جبرانی خواهد شد.

تصور، تقدیم، تدوین و پیشنهاد گوناگون انسان در قالبهای شعر، داستان، فرضیه و طرح با ماهیت زبان مرتبط بوده و پس از فراگیری زبان و در پی تلاش و فعالیتهای فکری او بوجود آمده است. همهٔ اینها در راستای زندگی اجتماعی انسان و در چهارچوب مناسبات زبان او با اجتماع و دیگران ظهور کرده است. گفتنی است که همهٔ مسائل مورد بحث و تلاشهای موجود براساس علم نبوده بلکه بدور از آن به میدان آمده است.

در میان پیشنهادات و فرضیه های موجود ایده آلیسم و دوآلیسم نیز دیده میشود. باتوجه به همهٔ اینها زبان ارزش و اهمیت خود را همچنان حفظ نموده و هر روز با کشفیات و پیشرفتهای تازه ای مطرح شده و میشود. زبان و ماهیت آن از زمانهای بسیار دور نه تنها مورد توجه انسانها نبوده است بلکه بیش از همه مورد

توجه ادیان و کتب آسمانی نیز بوده است. در کتابهای آسمانی از قبیل "انجیل"، "تورات" و "قرآن" در ارتباط با زبان و ارزش آن سخن رفته و آمده است:

۱- *خدای بزرگ انسان (آدم) را آفرید و اسامی همه اشیاى موجود در جهان را به او آموخت.*

۲- *خدای بزرگ انسان (آدم) را آفرید و آموختن اسامی اشیاى موجود در عالم را بعهده خود او گذاشت.*

در نگرش و ارزیابی اول انسان بیشتر بعنوان آموزنده و فراگیرنده ارزیابی شده است. در حالیکه در توضیح و معنای دوم انسان بصورت محقق و بررسی کننده و سپس آموزنده مطرح شده است. در هر صورت این موضوع دلیل محکم و مهمی است مبنی بر اینکه انسان از نخستین دقایق خلقت با زبان و اهمیت آن در ارتباط بوده و هستی او در قبال اظهارات درونی و بروز احساسات داخلی او که همانا از طرف خدای بزرگ بر او اهداء شده و توسط زبان تدائی میشود بر تمام هستی عالم مقدم بوده و برتری او را بر محیط آشکار میسازد. انتخاب و تعیین پیامبر هرملتی از سوی خداوند نیز که بازبان آنها سخن گفته و آنها را درک نموده ارزش و بهای زبان را یکبار دیگر برای همه توضیح داده و جای هیچگونه شبهه ای باقی نمی گذارد. در عصر قدیم، میانه و نیز جدید در ارتباط با پیدایش و چگونگی پیدایش زبان تصورات، تفکرات و فرضیه های مختلفی مطرح و مورد تحقیق و بررسی واقع شده است لکن تحقیق علمی و منطقی آن از صده هجده آغاز و بر اساس رشته مستقل زبان شناسی ظهور کرده است. در این میان بعضیها زبان را با نیاز و احتیاج آدمی مرتبط دانسته و آن را مولود ضرورت معرفی کرده اند. مثلاً *"ایپی کور (Epikür)* فیلسوف یونانی قبل از میلاد می گوید:

- *"زبان و پیدایش آن با نیاز مندیهای روزانه انسان در ارتباط بوده و در اثر احتیاجات آن و نیز بعلت مطرح کردن متقابل این نیاز مندیها بوجود آمده است."*

البته این، توضیح و توجیه علمی پیدایش زبان نیست بلکه راه حل مادی آن میباشد. زیرا آن را میتوان از زاویه جهت دیگری نیز توضیح داد. یک چنین تصور

ونقطه نظری نیز مطرح بوده است که انسان وزبان هر دو بطور مساوی با زحمت وتلاش ارتباط تنگاتنگی داشته وهم زمان متولد شده اند. گفتنی است که مسئله تحقیق ریشه ومنبع زبان بیشتر با موضوعات فلسفه در ارتباط بوده لکن از علم زبان شناسی عمومی نیز جدا نشده است. شاید انسان ابتدائی درمقابل دشمن گردهم آمده وجهت حفظ وحراست خود برای گفتن چیزی ومطرح کردن اندیشه ای سعی نموده واز همین نزدیکی وهمکاری و آشنائی زبان خلق شده است. گرچه اینگونه تصورات وفرضیه ها بسیار است لکن نخستین صدای نخستین انسان موضوعی است که به دوران بسیار دوری برمیگردد واحساس میشود که هنوز هم مسائل زیادی بصورت حل نشده باقی است. وجود تکنیک، تکامل وپیشرفتهای علوم متنوع در دنیای امروزی دلیل برحل همه مشکلات ومسائل مربوط به زبان، تاریخ پیدایش آن نیست بلکه جهت دستیابی به نتایج بهتر وکاملتری نیازمند رشته های مختلف علمی وگروههای متخصص آن هستیم. درصورت عدم امکان وعدم حضور همه اینها حد اقل وجود معلومات چهارگانه زیر ضروری است :

۱- زبان شناسی عمومی معاصر وبخش ویژه آن (semiotika) که در مورد علائم و اشارات بحث میکند.

۲- روانشناسی معاصر ونیز روانشناسی بیان ونطق.

۳- فیزیولوژی سیستم سیگنال دوم وسیستم معمولی پاتالوژی نطق و بیان.

۴- مورفولوژی وساختار مغز وسایر ارگانهای مربوط به نطق و بیان.<sup>۱</sup>

چهاربخش ورشته علم مذکور ومشتقات آنها با زبان وزبان شناسی چنان درارتباط هستند که بدون آنها نمیتوان کلمه ای را به زبان آورد وتفکری را ابراز نمود. بدین ترتیب که هرسخنران وگوینده ای بایستی ازطریق موارد بالا با شنونده

---

<sup>2</sup>-B.F.Porşnev.Onačale čelovečeskoj istori.M.,1974,s.125.

خود درارتباط باشد وگرنه بین او ومخاطب او جدائی عمیقی خواهد افتاد ونوعی عدم تفاهم بوجو خواهد آمد. تمایز وتفاوت موجود درمیان انسان ابتدائی، متوسط ومعاصر نیز مسئله را هم مشکل تر وهم روشن تر می نماید. زیرا ازطرفی پیشرفت وتکامل آنها از نخستین روز تولد تاکنون وبصورت مسلسل مورد بحث وبررسی ومطالعه است وازطرف دیگر وجود ثابت وهمیشگی آنها ازبدو خلقت تاکنون جلب توجه میکند. وجود سنگ افزارهای موجود نشانگر فعالیت شدید وکامل مغز انسان بوده وحاکمی از آن است که بین انسان نخستین، متوسط ومعاصر تفاوتهای فاحشی وجود دارد واین درطول تاریخ ودراثر پیشرفت اولین دست آورد بشر آشکار گردیده است ودورانهای فوق خواه ناخواه به چند دسته وتیپ تقسیم میشوند :

۱- تیپ جنوب (Rudeziya).

۲- تیپ کلاسیک (Şapel).

۳- تیپ پرسایپی بنت (Şiteyngeym-Eringsdorf).

۴- تیپ گذر (Fələstin).

با تقسیم شدن انسانها به تیپ وصورتهای مختلف نیز مسئله زبان، شعور وتکامل آنها حل شده به حساب نمی آید بلکه آنها را نسبت به حجم وبزرگی و کوچکی مغزشان نیز مورد تحقیق قرار میدهند که این موضوع در ادبیات علمی بیشتر ظاهر گشته وشایان توجه است. بدین منوال که مغز انسان نخستین وهم چنین حیوانات شبیه انسان اندازه گیری شده وبدین شرح محاسبه میشود :

اورانق- اوتانق 443 cmm، شمیپانزه 410 cmm، پارانق 650 cmm

[490-815]، قوریل 510 cmm [415-685]، سینیانت 1100-1000 cmm

آدم نناندرتال 1600-1100 cmm، آوسترالوپیتک 650 cmm وانسان معاصر

1200-1700 cmm

اندازه واعداد فوق ازنظر پیشرفت وتکامل وشباهت مورد تحقیق قرار گرفته وهر روز قابل تغییر میباشد. موضوع بسیار مهم وبا اهمیت این است که مغزهای

مورد بحث تا چه حد و چگونه با زبان و پیدایش آن در ارتباط بوده و یا هستند. محققین و کاوشگران موارد بالا ضمن اینکه جهت ارائه دلایل کافی برای نظرات و پیشنهادات خود تلاش کرده اند لکن به این هم قانع نشده کاسه سر انسان را بصورت تاق بررسی نموده و نتایج زیر را بدست آورده اند :

**در پیتکانتروپ و سینانتروپ 62,9 mm ، در شمپانزه 42,5 mm ، در انسان نئاندرتال 81,1 mm و در انسان معاصر 89 mm میباشد.**

بعضی از اینها در مقایسه با مغز انسان دارای شباهتها و تفاوتها می باشد. اگر مقیاسها و اندازه های مغزی همچنین بلندی تاق سر را در تکامل و پیشرفت زبان و شعور دخیل بدانیم باید گفت که انسان نئاندرتال بایستی در مقایسه با انسان معاصر بیشتر تکامل می یافت و پیشرفت میکرد در صورتیکه عکس آن ثابت شده است. این موضوع خود موجب بروز مشکل و مسئله جدیدی شده توجه دانشمندان را به خود جلب نموده است. محققین در پی فعالیتهای گوناگون و تحقیقات متوالی متوجه شده اند که تفاوت و تمایز فوق از تفاوت و تمایز مناسبات بین اعضای مغز بوجود آمد است. بدین صورت که بخش پیشین سر و مغز انسان نئاندرتال نسبت به انسان معاصر کمتر و کوچکتر است. بخش پیشین سر (جبین) در مخلوقات متشابه و مورد بحث هم شبیه و هم متفاوت میباشد. این موضوع در پهنی، بزرگی و نیز تکامل مغز مؤثر بوده و در نتیجه در روند زبان و مکالمه تأثیر خود را نشان میدهد. شباهت و تفاوت فوق چنین ارزیابی شده است :

**زاویه افت جبین سینانتروپ 60,5 ، انسان معاصر 90 زاویه افت جبین انسان نئاندرتال 63 درجه است.**

با توجه به همه اینها میزان تأثیر آنها آشکار شده علت تغییر نیز معلوم میشود. پس از اینهمه تحقیق، بررسی، معلومات بازهم روزانه صدها مسئله و مشکل حل

<sup>3</sup> - Cəbəlütta ruqda tapılmışdır.

نشده و تاکنون شناخته نشده ظهور کرده و از اسرار مخلوقات و نیز خلقت آن خبر میدهد.

براستی اینهمه کلمه، صدا، فهم، شعور، ترقی و تکامل، خود انسان و مغز او که مرکز کنترل معلومات و شعور اوست کسی و چگونه بوجود آمده است؟ گرچه این سؤال با جوابهای مختلفی روبرو گشته است لکن جواب کامل آن که بتواند همه را قانع و راضی نماید هنوز باقی است. با تکیه برگزیده خیلی دور میتوان گفت که ماهیت انسان و پربهاترین دارائی او یعنی زبان و نیز ارزش آن در طول سالیان دراز همچنان مورد بحث و مطالعه خواهد بود و توجه علما به ویژه زبان شناسان را به خود جلب خواهد کرد. روند و پیروسة فعالیت و زحمت که هر روز ارزش جدیدی پیدا میکند و بعضاً نیز رکود و شکست قابل توجهی را متحمل میشود خود بطور جداگانه تحقیق و کنکاش شده و علاقه و ارتباط آن با زبان مورد مذاکره و گفتگو واقع شده است.

بعد از ظهور فعالیت و زحمت، اسباب و آلات کار و فعالیت نیز مجبور به تکامل و پیشرفت شده و خود نام این اسباب و آلات فعالیت و تلاش نیز به زبان تکیه کرده و توسط آن شناخته شده اند. پیدایش و تولید اسباب و آلات فعالیت و کار و تلاش در نتیجه فعالیتهای مغزی و شعور انسان بوجود آمده و محصول دور اندیشی و نوگرایی است. از طرف دیگر زبان و شعور ارتباط ناگسستنی دارند و این علاقه و وابستگی زبان را به فعالیت و تلاش، اسباب و آلات فعالیت و بطور خلاصه به فعالیتهای روزانه انسان منتهی میسازد. بدین ترتیب حضور و ظهور زبان در تمامی جهات همانند شعور، تفکر، فهم و ادراک بصورت برجسته و زنده قابل مشاهده بوده ابراز وجود می نماید. هرگاه سخن از زبان به میان می آید ظهور و بیان همراه با کلام و صدا تصور میشود و این سیستم هستی و وجود پدران و گذشتگان و هم نژادان ماست که در زمانهای بسیار دور با اشارات و علائم صورت گرفته و در طول تاریخ بشریت حفظ گردیده، تکامل یافته و بصورت کنونی بدست ما رسیده است و ما وارث و ادامه دهنده آن هستیم.

در اینجا مسئله ای نیز مطرح میشود که اگر زبان را واسطه ، میانجی و اسباب انسیت همچنین آشنائی تصور نمائیم مکالمه، مصاحبه و گفتگوی واضح و صدادار یکی از شاخه ها و نیز آخرین نوع آن محسوب میشود. این مکالمه و مصاحبه واضح و معلوم راه تکاملی است که اجتماعات و اولاد بشر آن را بطور مدام و در طول سالیان پس طولانی سپری و طی نموده است. اگر زندگی دسته جمعی و اجتماعی انسان را در گذشته در نظر بگیریم میانجی و واسطه بودن زبان غیر قابل انکار خواهد بود. چراکه بدون زبان و آشنائی حیات اجتماعی غیر ممکن است. از اینرو وقتی سخن اجتماع و زندگی اجتماعی مطرح میشود خواه ناخواه زبان، موجودیت و اهمیت آن ظاهر میگردد. اگر اشارات و علائم را بعنوان اصل ، پایه و آغاز زبان ارزیابی میکنیم باید بگوییم که تنها انسان نیست که مصاحبه و مکالمه می کند بلکه همه موجودات زنده دارای بیان و قدرت آشنائی هستند زیرا همه آنها صرف نظر از نوع و گونه دارای تفاهم میباشد. همه ما در بسیاری از داستانها و افسانه ها خواننده و شنیده ایم که افراد دانا، دنیا دیده ، دور اندیش و باتجربه زبان پرندگان را میدانسته و با آنها در مکالمه و مصاحبه بوده اند. از اینرو است که بعضی از گفتگوها و نیز مکالمات نامفهوم را نیز *زبان پرنده* (Quş dili)، *زبان کلاغ* (Qarğa dili)، ... نامیده اند. تمامی اینها را گرچه در داستانها و افسانه ها خواننده و یا شنیده ایم لکن تفاهم و آشنائی حیوانات و پرندگان بوسیله علائم و اشارات غیر قابل انکار بوده و امروزه برهمگان معلوم است. بررسی و تحقیق زبان، مکالمه و ارتباط لفظی پرندگان و حیوانات و یا رد و عدم وجود آن بحثی است جداگانه و در اینجا تنها درک و تفهیم زبان آنها از طرف انسان مطرح است. چرا که اینگونه مسائل محتاج تحقیقات ، نتایج و جواب های گوناگونی میباشد. اینکه پرندگان و بعضی از حیوانات پستاندار دارای زبان هستند یا نه ؟ مورد توجه دانشمندان معاصر گردیده و بدنبال آن بسیاری از جاندارانی که در آب و در خشکی زندگی میکنند بعنوان حیوان دارای زبان به عالم علم تقدیم شده است. بعنوان مثال، محققین دانشگاه دولتی مسکو وجود و عدم وجود زبان بیش از ۵۰۰ حیوان

وجاندار را درخشکی و آب بررسی نموده اند. کسانیکه زبان پرندگان را مورد مطالعه و تحقیق قرار داده اند شباهت بعضی از آنها را به چیزی و نیز قدرت آن را از نظر هرتز به خواننده و علاقه مندان این رشته از علم تقدیم کرده اند. در این راستا زبان مرغ شبیه دیپازن ۲۰۰ هرتزی بوده و با آن هیچ فرقی نداشته است. مسئله بدین منوال نیز پایان نمی پذیرد. مرغها دارای موقعیتهای مختلفی بوده و زمانی که در اضطراب، تلاش و هیجان میباشند دارای سیگنالهای گوناگونی هستند.

" در هر صورت پرندگان مکالمه میکنند و بخش مکالمه آنها عبارت است از جیغ، جیک، سوت، ارتباط، بوی مخصوص، نور، ارسال سیگنال، ایست و قرار گرفتن غیر معمولی، ..."

زبان مکالمه پرندگان اشارات و علائم است و میتوان گفت که دانشمندان ۵۰ - ۴۰ سال پیش از این زبان پرندگان را مورد توجه قرار داده و آن را بررسی کرده اند. در نتیجه این فعالیتهای متمادی بیش از ۴۰۰ صدا و جیک جیک پرنده تهیه شده است. در این میان بیش از همه کلاغها بوده اند که دارای هیاهوی بیشتری بوده و بیش از ۳۰۰ نوع صدای غار غار شناخته شده است. گرچه همه این صداها و هیاهو بطور آشکار معلوم نشده لکن مفهوم و معنی بعضی از آنها قابل درک و تفهیم بوده و برای انسا آشکار گشته است. بعنوان مثال اگر کلاغ بصورت ممتد و بدون فاصله و نیز با صدای گرفته و بم غار غار نماید نشان دهنده این است که گروه و دسته بایستی در مزرعه جمع بشوند. علم زبان و زبان شناسی معاصر با تمام توان و سرعت خود به پیش می رود و در آینده نزدیک بسیاری از صداها معلوم و آشکار خواهد شد. بدین ترتیب کسانی که به زبان و اهمیت آن به شک و شبیه می نگرند چشم باز کرده حقایق را خواهند دید. در اجتماع کنونی عده ای طوری تصور میکنند که زبان چندان هم اهمیتی ندارد و هرکسی میتواند با هر زبانی به زندگی طبیعی خود ادامه دهد. در مقابل

<sup>4</sup>-Pravda qəzeti, 23 sentyabr, 1982. "quş dili, o necədir ? "

این گروه از انسانها باید گفت که اگر مقصود شما از حیات سپری کردن آن باشد حق با شماست. اما اگر مقصود و منظور از حیات چگونه و به چه بهائی گذراندن آن باشد نه!

هرکس نمیتواند حیاتی را که خالق به او بخشیده است به هر طریقی که شده و با استفاده از هر زبانی سپری کرده و هستی واقعی خود را نشان دهد. زیرا اگر چنین میشد در دنیا اینهمه نژاد، زبان، گفتار، واژه، آموزش، پرورش، تربیت، نوع، گونه، صدا، لحن و لهجه نمیشد. ماهیت و زیبایی موجود در خود زبانها در ترکیب و اتحاد و اجتماع آنها موجود نیست، بلکه آنها دارای بخش و نقاط مشترک و مشابهی هستند. در حالیکه نژادهای مختلف دارای لهجه، گویش، زبان و ناحیه زیست گوناگونی بوده و این ناحیه و محیط در پیشرفت و تکامل زبان، اندازه و ظرفیت صدا تأثیر غیرقابل انکار و بزرگی داشته و هر زبانی را مخصوص خود آن ملت، نژاد و نیز خاک و میهن آن کرده است.

پرنندگان به ویژه کلاغها که زبان آنها در بالا بصورت کوتاه مورد بحث قرار گرفت بعلت وابستگی به نژاد، مناطق و محیطهای متفاوت زبان یکدیگر را نمی فهمند. چرا که آنها سیگنالهای جداگانه و متفاوتی ارسال میدارند. بعنوان مثال، کلاغهای آمریکا به صدای کلاغهای فرانسه که بر روی نوار ضبط شده بود جواب و عکس العمل نشان ندادند. این موضوع نشان دهنده چیست؟ آیا غیر از این است که زبان هم در پرنندگان و هم در انسانها به یک اندازه، ظرفیت، نوع و موقعیت نیست؟ علاوه بر این، تحقیقات نشان میدهند که زبان کلاغهای روستائی با زبان کلاغهای شهری متفاوت است. برای اینکه آنها نمیتوانند همدیگر را بطور دقیق درک نمایند. گفتنی است که عده ای از کلاغها مهاجر هستند. این کلاغها با تغییر مکان و کوچ زبان و غار غار محلی را یاد گرفته و مفهوم آن را درک میکنند. این بدان معنی نیست که همه آنها دارای چنین قابلیت و استعدادی هستند، بلکه بعضی از کلاغها از چنین استعداد و قابلیت برخوردارند. این موضوع در مورد انسانها نیز صدق میکند. هنگام تغییر

مکان و کوچ به محلی که دارای زبان و یا لهجه دیگری است همه آنها نمیتوانند با زبان و گویش آن محل حد اقل در مدت کوتاهی انس بگیرند. بعضی از آنها حتی تا آخر عمر خود زبان محل جدید را فرا نمی گیرند، درحقیقت نمیتوانند فرا بگیرند.

صرف نظر از همه اینها زبان پرندگان تنها عبارت است از ایجاد ارتباط، ابراز تفاهم، رغبت و مناسبت. زبان آنها بدان معنی که ما تصور میکنیم نیست. این موضوع را بعضی از دانشمندان از جمله *کنراد لورنس* (Konrad Lorenz) باور کرده اند. او در مدت یکسال صداهای گوناگون، مرکب و بسیار پیچیده غازها را فرا گرفته که به نوبه خود جالب و قابل ملاحظه است.

غازها صدای اورا طبیعی شمرده، آن را درک نموده و خواسته های اورا کاملاً بجای آورده اند. مثلاً هنگامی که او خواسته است از آب خارج شده، به آب وارد شده و یا درچمنزارها می نشسته اند. دانشمندان مشغول با زبان پرندگان موضوع مهم دیگری را نیز کشف کرده اند و آن این است که جوجه پرندگان از لحظه تولد زبان مادری خود را میدانند. بطوریکه ضمن خارج شدن از تخم در حدی که بتواند پدر و مادر خود را متوجه سازد مکالمه و مذاکره میکند. در صورتیکه انسانها چنین نیستند. نوزاد انسان چند ماه پس از تولد میتواند سخن و کلام قابل درک و تفهیم به زبان آورد.

بچه انسان هنگامیکه در شکم مادر است تقریباً صداهای حجیم و اندازه آنها را یاد می گیرد لکن مدتها بعد میتواند بصورت منظم و مرتب آموخته های خود را به زبان آورد. یکی از تمایز و تفاوت های فاحش و بزرگی که دربین پرنده و انسان وجود دارد این است که پرندگان نمیتوانند زبان بیگانه را فرا بگیرند لکن انسانها در این مورد قادر هستند. در اینجا مسئله "*انسان اشرف مخلوقات است*" یکبار دیگر اثبات میشود. پرندگان گرچه نمیتوانند زبان بیگانه را فرا بگیرند لکن در زمان بچگی آواز و صداهای دیگری را دریافت کرده و آن را تقلید نیز مینمایند. چنین پرنده گانی زبان مادری خویش را از یاد برده و فراموش میکنند. بطوریکه دیگر آن را متوجه نمیشوند.

**دینس باررینگتن (Deyns Barrington)** جوجه های مرغ کتان را به پیش مرغ چمن، صحرا و جنگل برده متوجه میشود که جوجه ها مانند آنها به صدا درآمده و میخوانند. پس از اینکه آنها را پیش مادر تنی برمی گرداند متوجه میشود که زبان مادری را کاملاً فراموش کرده و چیزی از آن را نمی فهمند. این بدان معنی است که زبان پرندگان نیز کسب و کشف اجتماعی است. برای اینکه آنها در دوران بچگی هرچه یاد می گیرند براساس همان نیز رفتار میکنند. البته ثبات و صحیح بودن این موضع چندان هم معلوم نیست.

زبان انسانها و پرندگان نه تنها بصورت جداگانه بلکه بصورت متقابل نیز مورد بررسی و مقایسه گردیده است. تغییر و تعویض این زبانها به یکدیگر نیز توجه بعضی از دانشمندان را به خود جلب نموده و آنها را در این مسیر مشغول کرده است. **وتزل (Vetzel)** در سالهای ۱۸۰۰ زبان بعضی از حیوانات از جمله گربه، سگ، مرغ و غیره را تحقیق نموده حتی برای زبان آنها فرهنگ لغات نیز تدوین کرده است. به نظر او حیوانات زبان انسان را متوجه میشوند. البته تنها و تزل نیست که برای زبان پرنده فرهنگ لغات تدوین نموده و در برگرداندن آن تلاش کرده است. **دوپون (Düpon)** در سال ۱۸۰۷ ضمن تدوین و تنظیم فرهنگ لغات زبان کلاغ زبان بلبل را به زبان فرانسوی ترجمه کرده است. بدینگونه معلوم میشود که زبان و اشارات، درک و تفاهم در مورد هریک از مخلوقات که باشد بسیار مهم، با تمام شاخه و شعبه های حیات مرتبط و نشانه برتری صاحب زبان بوده آن را در همه شرایط بر محیط حاکم گردانیده است. اهمیت و جذابیت هر زبانی با پیشرفت و تکامل علم زبان شناسی بیش از پیش آشکار شده توجه همگان را جلب خواهد کرد. با پیشرفت و تکامل کسب و کار، تلاش و کوشش، نیازهای روزانه، آرزوها، تقاضاها و هوسهای انسانی نیز افزونتر و وسیعتر گردیده و گام جدید تأثیر ورد جدیدی از خود باقی خواهد گذاشت.

آثار و گامهای جدید در ادامه و تکامل زبان بسیار مفید و مؤثر خواهد شد. بعنوان مثال تا چند سال پیش در ایران و در بعضی مناطق در حال حاضر نوعی از

گوشیهای تلفن که توسط سکه دوریالی کار میکرد وجود داشت که هنگام تأخیر و دیرکرد و یا عدم پذیرش سکه از طرف دستگاه، تلفن کننده ها عصبانی و ناراحت میشدند. براین اساس کسانی را که موضوع را دیرمتوجه میشدند به تلفنهایی که سکه را نمی پذیرفتند تشبیه کرده می گفتند "دو هزاری فلانی نمی افتد یا نیفتاد". این اصطلاح در ارتباط با همان دستگاه تلفن بوجود آمده و پس از اینکه دستگاه فوق از رده خارج شد و جای خود را به دستگاه تلفن کارتی و غیره داد اصطلاح مذکور نیز از بین رفت و دیگر مورد استفاده مردم نمیشود. بنابراین پیشرفت تکنیک و ظهور ابزارآلات تکنیکی با زبان همکاری و همگامی نموده در پیشرفت، از دیاد و حذف بعضی از اصطلاحات و لغات هر زبانی مؤثر واقع میشوند.

با یک مثال دیگر بهتر و آسانتر میتوانیم به موضوع پی ببریم :

"سونی" (Sonu) نام نوعی تلویزیون است که در منزل همه موجود نیست. لاکن اکثریت مردم با این نام آشنا بوده و از کیفیت آن مطلع هستند. همه دارای اتومبیل "پراید" (Prayd) نیست اما بیشتر انسانها و درمدت کوتاهی با نام آن آشنا شده اند. بنابراین بیش از همه چیز اصل و مصالح ساختمانی زبان و کلمه منتشر میشود و پیشرفتهای تکنیکی نیز خواه-ناخواه با زبان در ارتباط هستند. بطوریکه هیچ یک از رویدادهای تکنیکی بدون استفاده از زبان قادر به انتشار و شناسائی نیست. ازاینرو اهمیت و چگونگی زبان در هریک از جهات اقتصادی، اجتماعی و غیره معلوم میشود.

## نطق و فعالیت

همانطوریکه پیش از این متذکر شدیم اهمیت، موقعیت، وظیفه، ارزش، رهبری و تأثیر زبان در زندگی بشری غیرقابل انکار است. زبان پیشاپیش همهٔ فعالیت‌های انسان در همهٔ جهات قرار دارد و به وضوح دیده می‌شود. با اینهمه از زمانهای گذشته بعضیها زبان را چنان با زندگی انسان و خود او مرتبط دانسته و تعریف کرده اند که گویا از مسیری که زبان تعیین کرده است نمیتوان خارج شد و بایستی درست در جهت و براساس طرح موجود در چهارچوب زبان به فعالیت پرداخت. براساس این تفکر انسان همان را می فهمد و درک میکند که زبان او ابراز میدارد و همهٔ رفتار، احساسات، ادراک، حرکت، آموزش ... به زبان مربوط بوده و نمیتواند در خارج از حیطهٔ آن انجام پذیرد. همچنین براساس این نگرش زبان تفکر، شعور و ادراک، معلومات قابل دریافت در ارتباط با محیط و توان مشورت را نیز تشکیل میدهد. نام این فرضیه *سپیرا و اورف (Sapir-uorf)* میباشد. بعد از پیدایش و ظهور این نگرش و فرضیه عکس العمل شدید و آتشین زبان شناسان و فیلسوفها به میدان آمد و موضوع مطرح شده با انتقاد شدیدی روبرو گردید. گرچه تعداد دانشمندان مخالف فرضیهٔ فوق زیاد بود لکن کسی نتوانست آن را با قاطعیت رد نماید. حتی بعد از مدتی فرضیهٔ یاد شده مورد توجه و رغبت عده ای نیز شد. خلاصه و نتیجهٔ موضوع مورد بحث چنین است:

*انسان بعد از اینکه به دنیای معنی دار زبان وارد میشود شروع به فهمیدن، ادراک، خلاقیت و فعالیت نموده و بدنبال آن زندگی را آغاز میکند.*

یکی از زبان شناسان که مخالف این فرضیه بوده و آنرا تحقیق و بررسی نموده لکن به عدم دستیابی به نتیجهٔ مطلوب و منطقی اعتراف کرده است و *آ. زوگینتس یف*

(V.A.Zvegintsev) میباشد. درحقیقت نمیتوان به سادگی و آسانی آن را رها نمود بلکه جهت دوری و فراموشی آن زمانی بس طولانی و تحقیق بسیار وسیعی لازم است. از جهت دیگر در این فرضیه میتوان گفت که زبان بیش از اندازه بزرگ شده و پروبال زیادی به آن داده شده است. در صورتیکه ما بیش از این زبان را بعنوان زیربنا نسبت به خود و روبنا نسبت به دیگر موارد به حساب آوریم چراکه زبان از جمله کشفیات اجتماعی است. در اینصورت باید گفت که نمیتوان همه چیز و همه فعالیتها را مدیون زبان دانست و تمامی فعالیتها و ادراک بشری را بعد از زبان تصور کرد و اثبات نمود.

قدرت و توان تأثیر زبان با گذشت زمان و پیشرفت علم بیشتر آشکار و معلوم خواهد شد. این موضوع آنقدر عمیق، وسیع، بسیط، مرکب و دارای جهات مختلفی است که نمیتوان در طول چند صد سال همه مسائل آن را حل نمود و همه گره های مربوطه را گشود. زبان در همه جا و در هر زمان همراه انسان است. تأثیرات فیزیولوژیکی و بیوشیمیایی زبان نیز مورد تحقیق و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. براساس این تحقیق و نگرش زبا میتواند در خون، ارگانها و دیگر موارد که معرفی نشده اند نیز مؤثر شود. زبان با ترکیب خون و تغییر آن نیز در ارتباط بوده و قدرت تغییر و جهت دهی خود را نشان میدهد. آن را گرچه بصورت کلاسیک تجربه کرده اند و یکی از همین اشخاص که در این راستا نظریاتی دارد ک. ای. پلاتونوف (K.İ.Platonov) میباشد.

اگرچه کلمه، سخن و نطق در تمامی فعالیتهای انسان به وضوح دیده نمی شود لکن همیشه و در همه حال قدرت رهبری و جهت دهی خود را بصورت مخفی نشان داده است. تحقیقات نشان میدهد که همیشه سیگنال اول به زبان مربوط میشود

<sup>5</sup>-V.A.Zvegintsev. Teoretičeskaya i prikladnaya

lingvistika. M., 1969, s. 19.

<sup>6</sup>-K.İ.Platonov. Slova kak Fizioloqičeskij i lečebnij fktor, M., 1962.

وسیکنالهای بعدی در مرتبه دوم و سوم قرار می گیرند. اگر این موضوع درست باشد یعنی سیگنال نخستین انعکاس زبان باشد، مسئله تغییر ترکیب خون نیز به حقیقت نزدیک میشود. پیش از این برای شناسائی متهمین و گناهکاران و نیز جهت تشخیص درستی و عدم درستی بیانات آنها دانه گندم را به زیر زبان آنها گذاشته و کمی منتظر می ماندند و سپس باز پرسى و محاکمه را آغاز میکردند. کسانی که برای دروغ گوئی و خودداری از اعتراف سعی می کردند و نیز می ترسیدند در نتیجه عدم فعالیت غدد بزاقی آب دهانشان خشک میشد و دانه گندم خیس نمی شد. در صورتیکه اشخاص بی گناه که نیازی به ترس نداشتند و ذاتاً مرتکب گناهی نشده بودند حالت طبیعی خود را حفظ کرده و ارگانهای آنها بطور معمولی فعالیت میکرد و دانه گندم خیس میشد. عمل و تجربه فوق و قدیمی در صورتیکه صحیح باشد در هندوستان صورت گرفته است و درجه تأثیر زبان و مکالمه را در ارگانها نشان میدهد. برای اینکه هر کلمه دروغ گوینده آن را در موقعیت خاصی قرار داده و انسان از نظر روانی، فیزیکی و معنوی تحت فشار واقع میشود. متخصصین و مهند سین آمریکایی در این اواخر گوشى تلفنى را اختراع کرده اند که میتواند دروغگور را شناسائی نماید. گوشیهای فوق در مقابل صدا و تغییر آن عکس العمل نشان داده و دروغگوئی کسانی را که از راه دور تلفن کرده و دروغ میگویند برای شنونده اثبات میکند. زیرا صدای شخص دروغگو تغییر کرده از تن طبیعی خارج میشود و گوشى شنونده بوسیله نورهایی که بر روی آن نصب شده است دروغ بودن مکالمه و دروغگوئی شخص تلفن کننده را نشان میدهد. در هر صورت این موضوع نیز با زبان در ارتباط بوده و نشان میدهد که هر موضوعی که توسط زبان ارسال و تفهیم میشود در ارگانهای هر شخصی تغییراتی را بوجود آورده و صدا را تغییر میدهد. سیستم سیگنال دوم نیز در هر شرایطی بر روی سیگنال اول تأثیر نموده موجب تغییراتی میشود. برای اینکه سیستم سیگنال دوم در جهت درک فعالیت سیستم مغز کمک نموده و برای اجرای آن امکاناتی را فراهم میکند. تجربیات ای. پ. پاولوف (I.P. Pavlov) نیز مؤید موضوع میباشد. محل ادراک

وتفهیم نطق و انسیت تنها درچینههای پیشانی، پوسته مغز و گیجگاه نیست بلکه بخش پیشین مغز هم به این سیستم وابسته است. این موضوع گرچه کمی مرکب و پیچیده است لکن پیشرفت و تجزیه و تحلیل آن در طول زمان بیش از پیش جالب ، نو و قابل توجه بنظر می رسد. درهمین رابطه ب. ف. پورشن اف (B.F. Porşnev) می نویسد:

*در صورت عدم وجود این حلقه اساسی بخش بزرگی از سیستم رهبری از فعالیت می افتاد و مرکز و منبع نطق نمی توانست تمامی مغز و سیستم عصب را کنترل نموده و در فعالیت آن نقش رهبری را داشته باشد.*

دهها فعالیت، تحقیق و تجربه از این قبیل نشان میدهد که نطق، بیان، زبان و فعالیت بیشتر از آنکه بعضیها تصور میکنند با یکدیگر در ارتباط بوده و در کنار رهبری قوی مغز پیشرفت نموده است. بنابراین مرکز و بخشی که بنام مرکز و منبع زبان و نطق شناخته شده است در بخش پیشانی مغز انسان جای گرفته و رهبری فعالیت‌های بسیار مرکب ، مهم و وسیعی را براساس اراده برعهده گرفته است. بدین ترتیب میتوان فهمید که این بخش سر و مغز بیش از بخشها و مراکز دیگر آن با زبان و تفکر مرتبط بوده و وظایف آن و نیز موضوعاتی که بر آن رهبری میکند بسیار مهم بوده و اگر کوچکترین نارسائی و کمبودی در این بخش روی دهد عمل مکالمه و نطق دچار اشکال خواهد شد و بدنبال همین اشکال و صدمه مهمترین و پیشرفته ترین ارزش و فعالیت انسانی یعنی زبان که او را بر همه چیز برتر می سازد از بین خواهد رفت. بخش پیشانی مغز رویهمرفته فعالیت‌های زیر را جهت داده ویر آنها رهبری مینماید :

۱- عکس العمل‌های سیگنال اول را بدون واسطه به محیط پخش میکند.

7-B.F.Porşnev. O načale čelovečeskoy istori,s.173.

۲- نطق، بیان و گویش را به رفتار مبدل میکند. رفتار آزاد شده از عکس العمل بدون واسطه را به سفارش، رهبری- فکر و به سخن دیگر به آغاز مکالمه و نطق و نیز به طرح و برنامه پیوند میدهد.

این بدان معنی نیست که در سایر مناطق مغز فعالیتی در این رابطه صورت نمی گیرد بلکه مقصود این است که تمامی تأثیرات و عکس العملها هرچه باشد بایستی با بخش مذکور یعنی بخش جلو و پیشانی مغز بعنوان مرکز و منبع در ارتباط باشد. در اینصورت هیچکدام از رفتار و حرکت انسان بدور از زبان و نیز شعور نخواهد بود و این در همه سطوح و تصاویر زندگی قابل مشاهده است. به اینصورت که رفتار به درک، ادراک به تفکر، تفکر به شعور، شعور به زبان و برعکس بستگی دارد و حیات و فعالیت بدون اینها ممکن نیست. بر اساس نظریه متخصصین بخشهای مختلف مغز به مکالمه و نطق مربوط است و اگرهم چنین نباشد حد اقل با ظهور، عمل و نتیجه سیستم رهبری و کنترل سیستم سیگنال دوم یعنی فعالیت برتر عصبی ارتباط تنگاتنگی دارد. با در نظر گرفتن هریک از این دو موضوع فعالیت و عمل مکالمه و نطق خارج از مغز و نیز فعالیت مرکب آن نیست. بدین ترتیب میتوان گفت که فعالیت مغز انسان به سه بخش و منبع تقسیم میشود :

۱- مراکز و منابع خودکار.

۲- بخش پیشانی بویژه جبین، گیجگاه و بخشهای موجود در قسمت میانی و پیشین کاسه سر.

۳- دیگر بخشهای مغز (در انسان و حیوانات پیشرفته شبیه است).<sup>۸</sup>

اینکه حجم و بزرگی کنونی مغز انسان در ارتباط با اعمال و کارهاییکه او انجام میدهد ضروری است یا نه بحثی است جداگانه و بسیار مهم. علاوه بر این سئوالهای متعددی نیز مبنی بر اینکه مغز به این حجم و بزرگی دارای دیگر مراکز و بخشهای

<sup>۸</sup>-B.F.Porşnev. O naçale çeloveçeskoy istori,s.175.

هست که فعالیت داشته باشد یا نه مطرح است. در هر صورت چه مغز و چه بخشهای مربوط به نطق، بیان، زبان و شعور که در مغز جایگزین شده اند قدرت و قابلیت رهبری خود را هر روز بیشتر نشان داده و برتری انسان را بر محیط و اطراف خود مقدور کرده است. درستی، زیبایی، قدرت و توان، معاصر و قابل درک بودن زبان قادر است تمامی تلاش و فعالیتهای موجود در حیات بشر را تغییر داده برای پیشرفت آن امکانات لازم را بوجود آورد. در این مقوله مقصد و مرام اصلی ما نیز همین است. چرا که ما در این کتاب تنها از زبان و مناسبات آن با دیگر جوانب موجود در زندگی آدمی سخن گفته و با خواننده ار تباط برقرار می کنیم. فعالیت و نمایش قدرت مغز، تفکر و بطور کلی انسان این موجود برتر هستی (اشرف مخلوقات) در جهات دیگری نیز معلوم و قابل مشاهده است و این را نه تنها ما و کتاب حاضر بلکه متخصصین و محققین مربوطه که با آن مشغول بوده و آن را تجزیه و تحلیل میکنند نیز ابراز میدارند. علاوه بر این، همه موضوعات و مسائل مورد بررسی در این کتاب و یا کتب مربوطه دیگر نمیتواند بطور صد درصد صحیح و بدون عیب و نقص باشد بلکه بعضی از این مسائل تنها بصورت پیشنهاد، فرضیه، تجربه و نتایج بدست آمده توسط بعضی از دانشمندان مطرح گردیده و جهت بررسی و مطالعه بیشتر تقدیم شده است. جای شک و شبیه نیست که تمامی این مسائل و مشکلات توسط اهل علم و دانشمندان یکی پس از دیگری حل شده، راه را برای نسلهای بعد هموار خواهد کرد.

## تلاش، جمعیت، زبان

پیش از این از چگونگی پیدایش و نیز زمان پیدایش زبان و ظهور آن سخن به میان آوردیم. ارتباط زبان را با بسیاری از جهات زندگی برشمرده و گفتیم که براساس نظریه عده ای از دانشمندان زبان مولود تلاش و زحمت است. به این معنی که تلاش و کوشش انسان زائیده نیازهای روزانه او بوده و این ظهور و زایش جهت نشان دادن و تظاهر خود زبان را آفریده است. در پی تغییر نوع و چگونگی تلاش و زحمت زبان نیز تغییر کرده و در راه تکامل حرکت نموده است. چنین نظریه ای را بعضی از دانشمندان از قبیل *ایپی کور (Epikūr)* پیش کشیده اند. اگر چنین باشد در اینجا مسئله ای پیش می آید که بایستی مورد کنکاش واقع شود و آن خود زحمت و تلاش میباشد. اگر تلاش و زحمت را بطور ساده بررسی و توجیه نمائیم میتوان گفت که تلاش و زحمت روند و پروسه غیر قابل انکاری است که بین انسان و طبیعت در جریان است. و نیز متذکر شدیم که زبان نه اینکه به یک شخص بلکه به اجتماع وابسته است. یعنی در اجتماع متولد شده و در آن تکامل یافته است. در اینصورت خود تلاش و زحمت نیز پدیده اجتماعی خواهد شد. یعنی زبان بعنوان پدیده اجتماعی مولود تلاش و زحمت اجتماعی است. بنابراین میتوان گفت که روند و پروسه موجود بین انسان و طبیعت همان تلاش و زحمت میباشد.

انسان در پی فعالیتها و تلاشهای خود طبیعت را خراب، ویران و زیرو رو کرده و آن را دوباره براساس تمایلات خود برپا میکند. در این راستا دوهستی و دو موجود در مقابل یکدیگر قرار می گیرند. اکنون ببینیم خود تلاش و زحمت چیست و تلاش و زحمت انسان را چگونه میتوان توجیه کرد ؟

بادر نظر گرفتن همه مباحثات فوق میتوان گفت که " زحمت و تلاش پیش از هر چیزی مبارزه ای است که بین انسان و طبیعت جریان دارد ". انسان در این روند در میان مواد موجود بعنوان واسطه عمل میکند و سعی دارد همه چیز را بر اساس تفکر و ادراک خود به چنگ آورد. بدنبال این تلاش و تفکر انسان هر بار که در کاری برتر و موفق میشود تلاش و زحمت ظاهر شده و این نمایش قدرت و پیروزی با استفاده از زبان به دیگران منتقل میشود. در مبادله مادی و روند فوق دستها، پاها، مغز و مراکز ادراک موجود در سر او فعالیت می نمایند. قابل ذکر است که انسان در نتیجه این تلاش و کوشش نه تنها طبیعت را بلکه طبیعت خود را نیز تغییر میدهد. چراکه خود او نیز به طبیعت وابسته بوده و رفتار، کردار و حرکت او طبیعی است. انسان هم تأثیر پذیر است و هم تأثیر گذار. بنابراین مبارزه و مناقشه بین انسان و طبیعت دارای دو جهت میباشد. انسان که از هستی موجود هستی دیگر و با جهت دیگر خلق میکند خود نیز به هستی دیگر و نو تبدیل میشود. روند و پروسه تلاش تنها در بین انسان و طبیعت نبوده بلکه در بین عنکبوت، زنبور و سایرین نیز جریان دارد لکن انسان همه تأسیسات، تشکیلات، تعمیرات، تولید و دیگر امور را که در نظر می گیرد قبلاً در مغز خود بررسی، مشورت و ارزیابی میکند سپس به اجرای آن می پردازد و قبل از اینکه در فکر و اندیشه خود نتیجه گیری نماید هرگونه توان و انرژی خود را در هر جهتی و برای هر فعالیت و یا تولیدی صرف نمیکند. زیرا او محصول کار و تلاش خود را با توان و انرژی مصرف شده مقایسه میکند. برای اینکه او معماری است برتر و استاد. او در سایه همین معماری و تفکر با دیگر جانداران متفاوت بوده و برتری خود را در هر کاری به نمایش می گذارد. بدین ترتیب تلاش و زحمت موجود بین حیوانات و انسانها از یکدیگر جدا شده و علم جهت تمیز دادن و آشکار کردن این تمایز و تفاوت و ارزیابی هر دوی آنها را چنین مرز بندی میکند :

۱- وسیله سعی و تلاش چیزی است که انسان آن را مابین خود و ماده مورد نظر قرار داده و آنها تأثیر خود را بروز میدهد و در اینجا خدمت همان واسطه و یا وسیله زحمت ظاهر میشود.

۲- گرچه انسان در حین فعالیتهای خود به اسباب تلاش و زحمت تکیه میکند لکن به آن وابسته نمیشود و شخصاً اسباب فعالیت و تلاش و زحمت را ایجاد میکند.

۳- اگر انسان واسطه روند و پروسه موجود بین خود و طبیعت است اسباب و وسایل تلاش و زحمت در میان انسان و تلاش بعنوان یک پل عمل میکند.

بنابراین اجتماعی که در نتیجه زحمت و تلاش اداره شده و تکامل پیدا میکند بوسیله زبان توجیه و توصیف میشود و پلی که دارای دوسر و یک ستون میانی و مشترک میباشد نداعی میگردد (تلاش- اجتماع- زبان). اینکه کدام سر و طرف این پل دارای سه اصل اساسی قبلاً تأسیس شده و به ستون میانی متصل گردیده است مسئله دیگری است. شاید هم از وسط و یا از هر دو طرف و در یک زمان آغاز شده است. در این خصوص نظرات و فرضیه های گوناگونی موجود است و هر روز موضوع تازه ای متظاهر میشود. تاریخ و نقطه شروع زحمت و تلاش و نیز زاویه توجیه و توضیح آن هر چه باشد به دو دسته تقسیم خواهد شد :

۱- تلاش و فعالیت مادرزادی و طبیعی (Instintiv) : در این نوع تلاش و زحمت نتیجه کار معلوم نیست و هر جاندارى آن را بصورت داخلی و مادرزادى کسب نموده است.

۲- براساس شعور : در این نوع زحمت و تلاش شعور، ادراک، ارزیابی، نتیجه گیری، فهم و صلاح و مشورت دخالت دارد.

ما در اینجا با زحمت و تلاش حیوان سروکار نداریم بلکه فعالیت و سعی انسان مورد نظر است. بنابراین بخش اول رفتاری است که بیشتر در حیوانات دیده میشود و اگر در انسانهای اولیه مشاهده شده است آنهم رفتار حیوانی بوده و به زمانهای خیلی

دور برمی گردد. ولی تلاش وزحمت براساس شعور از درک و فهم انسان سرچشمه گرفته و به او متعلق است.

اگر زبان مولود تلاش وزحمت است، اسباب و آلات تلاش و فعالیت نیز مولود تفکر و شعور انسانی است و انسا توسط اسباب و آلاتی که خود او خالق آن است طبیعت را دگرگون کرده آن را درجهتی که براساس تمایلات او بوده سوق میدهد. اگرچنین فرض کنیم که این روند و حرکت درگذشته بدور از فهم و شعور بوده است امروزه شاهد پیشرفت و تکامل آن هستیم که مایه آن همان تفکر و شعور انسان است. انسان امروزی هر عملی و طرحی را که در سر می پروراند ابتدا همه جوانب آنرا مطالعه نموده و سپس وارد عمل میشود. یعنی او آرزوها و تمایلات دیرین خود را باتکیه بر درک و شعور عملی نموده و بر آن افتخار میکند. تلاش وزحمت آدمی با تلاش وزحمت دیگر جانداران کاملاً متفاوت بوده است. چراکه او میتواند حیوانات را از طریق اهلی نمودن به خدمت گرفته و از آن در راستای نیازهای گوناگون خود استفاده نماید. در صورتی که تاکنون هیچ حیوانی نتوانسته است جاندار دیگری را اهلی نماید و از آن استفاده نماید. صرف نظر از اینکه زنبور عسل، عنکبوت و غیره شخصاً تلاش و فعالیت میکند و صاحب زحمت و پیشه هستند.

تمامی محصولات، تولیدات و پس اندازهای ارزشمند در سایه و نتیجه همه جانبه انسان بدست آمده و این تولید و پرورش موجب ظهور اجتماع شده است. درکنار پیشرفت و تکامل روند و پروسه تلاش تجمع انسانی انسجام بیشتری پیدا کرده و نیازهای انسانی از قبیل دیدار، ملاقات، مکالمات و ایجاد انسیت بیش از پیش ظهور کرده است. در این میان زبان نیز جای خود را پیدا نموده و نیاز مذکور را به نظم و انتظام درآورده و جهت از بین بردن نارسائیهها، کمبودها و معایب کار و وظیفه خود را انجام داده و خود نیز بوجود آمده است. بدنبال خلق شدن زبان زحمت و تلاش آدمی ارزش و بهای خود را بدست آورده، بیش از پیش شناخته شده و در اجتماعات بشری که نیازمند ارزش و بهاء بوده است بعنوان یک اصل و واقعیت وارد میدان شده است.

امروزه ارتباط و علاقه زبان و ماده و نیز دادوستد بیشتر از آنچه قابل تصور بوده است محکم و منسجم می‌باشد. بیش از این نیز یادآوری کردیم که، زبان در شناخته شدن زحمت و تلاش انسان مقام اول را داراست. بنظر میرسد که نمونه، مثالها و نیز درجه بندیهای گذشته موجب اثبات امر شده و دیگر نیازی به بحث مجدد و توضیح دیگر احساس نمیشود.

## کلمه - شیء

در آغاز مطالب کتاب متذکر شدیم که اسامی اشیای موجود در طبیعت یا از طرف خداوند به آدم آموخته شده و یا خود آدم با قوه ادراک و شعور خود برای آنها نامی انتخاب کرده است. همچنین یادآوری کردیم که کلمه از ترکیب صدا، جمله از ترکیب کلمات بوجود می آید و انسان که دارای قوه مکالمه، بیان، اظهار نظر میباشد تقاضاهای داخلی، آرزوها و تفکرات خود را به دیگران انتقال داده بادیگر اعضای جامعه ارتباط برقرار میکند و دراین راستا برای هرچیزی نامگذاری نموده و از زبان بهره مند میشود.

دربخش دیگری نیز گفتیم که "تلاش و زحمت منبع همه چیز از جمله منبع زبان، واجتماع است". چراکه برای هرارتباط کوچک از قبیل ملاقات، دیدار، شراکت، دادوستد و غیره وجود حداقل دوفرد درکنارهم ضروری است. اگرچه این دیدار و ملاقات بین دوفرد صورت می گیرد لکن نمونه بارز تجمع، تشکیل جامعه و ارتباط میباشد. چنین دیدارهایی گرچه خشت اول بنای اجتماع کنونی است اما دراین میان وجود و لزوم واسطه ای نیز درمد نظر بوده و نمیتوان از آن چشم پوشی نمود و آن زبان است. زیرا زبان آرمانها و آرزوها را هرچه بهتر و مستند تر ارائه میکند. اکنون برای هیچ کس پوشیده نیست که این واسطه مهم و غیرقابل انکار همان "زبان" است که انسان را بر همه چیز برتر می نماید. صرف نظر از اینکه درمورد ظهور و وجود زبان نظریه ها، پیشنهادات و فرضیه های گوناگونی به میان آمده و مطرح شده است خلق و پیدایش زبان مصوت و نیز تاریخ پیدایش آن موضوع مباحثات و مناقشات علمی روز شده و نگرش و دیدگاه دانشمندان مربوطه متفاوت، مجزا و بعضاً شبیه بوده

واین تشابه موجب نزدیکی و همکاری آنها در این زمینه گردیده و نتایج بسیار جالب و جذابی را تحویل جامعه علمی و ادبی داده است. بعنوان مثال، *ن. ی. مار* (N.Y.Marr) نخستین زبان مصوت را دارای چهار صدای ترکیبی معرفی میکند. در صورتیکه *ب. ف. پورشن اف* (B.F.Porşnev) اظهار میدارد که نخستین زبان مصوت دارای دو صدای ترکیبی مختلف بوده است. او می نویسد:

*ترکیب و ساختار هر صدائی نسبت به دیگری وظیفه جانشینی و جای گزینی را بعهد می گیرد.*

صرف نظر از همه اینها نمیتوان بطور قطعی اظهار نمود که نخستین زبان انسان دارای چند صدای ترکیبی بوده است و یا اظهار آن بسیار مشکل بنظر می رسد. زبان نخستین از دو، چهار و شاید بیشتر صدای ترکیبی بوجود آمده است. در این مورد تجربیات دانشمندان دیگری نیز جلب توجه میکند:

*ن. ن. لادی گینا-کوتس* (N.N.Ladigina Kots) نشان میدهد که میمونها

از جمله شمپانزه ها برای ایجاد ۹۵ صدای ترکیبی قادر هستند. این موضوع نشان دهنده این است که نخستین زبان انسان و کلمات، جملات، صداها و ترکیب صداهای موجود در آن نمیتوانست به اندازه کنونی پیشرفته، مکمل و قابل درک و فهم باشد بلکه بعد از طی مسیرهای پرفراز و نشیب تکامل به مرحله کنونی رسیده و در دسترس ما قرار گرفته است. از طرفی، تعداد صداهای ترکیبی نیز چندان مهم نبوده است. مسئله مهم و قابل توجه این است که این زبان چگونه خلق شده و چگونه به مرحله امروزی راه یافته است. تعداد اشیای موجود در اجتماع کنونی آنقدر زیاد و متنوع است که غیر از یک زبان پیشرفته، کامل و غنی هیچ چیز دیگری نمیتوانست آن را به نظم و انتظام درآورده و در اختیار اجتماع قرار دهد.

موضوع از این جهت نیز قابل توجه است که صداهای ترکیبی تنها چند درصد نیازهای روزانه و ارتباطات ما را تأمین میکنند. این موضوع را تحقیقات و تجارب به حد کافی نشان داده است. بدین صورت که بوسیله صداهای ترکیب یافته میتوانیم

اصطلاحات و واژه هایی چون ترس، شادی، آرزو و تقاضا، قدغن و غیره را ابراز بداریم لکن بوسیله آنها نمیتوانیم ارتباط برقرار نموده و آن را حفظ نمائیم. اگر چنین باشد در آنصورت ارتباطات و روابط اجتماعی خود را چگونه و به کمک کدام عناصر و کلمات برقرار خواهیم کرد؟!

در این مورد گمان می رود که در زبان انسان اولیه همراه با صداهای ترکیبی طرز ایستادن، حرکت دست و بازو و غیره بسیار مهم و مفید بوده است. برای اینکه از نظر روانی و فلسفی در مرحله دوم سیستم سیگنال ادراک، فهم، شعور و درک بطور متقابل با مسائل علم و معلومات در ارتباط بوده است. قابل ذکر است که همه اینها در نتیجه تکامل دوم سیستم سیگنال مهم بوده، پیشرفت کرده و ظاهر شده است لکن از هر جهت کامل و دارای چهارچوب متحد نبوده بلکه تنها براساس شرایط موجود روی داده است. در زمان معاصر علم زیان شناسی و روان شناسی بقدری پیشرفت کرده است که میتوان جوابهای کوتاه و مقبول بدست آورد. در این مورد فرضیه های زیادی مطرح و مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته است. بعضی از آنها را تقدیم نموده مسئله را پیگیری میکنیم. **آ. والون (A. Vallon)** می گوید :

**- در دستگاه و سیستم کمیت یاب کودک زمان تکامل شعور بدون وقفه و فاصله نیست بلکه در کنار ادراک و دریافت زیان و شعور جریانهای دیگری نیز میتواند به آن راه یابد.**

این موضوع خود موجب بروز مسائل زیادی شده و برای مسائل زیادی نیز جواب داده و از این جهت ارزشمند شمرده شده است. در این زمینه درک و بررسی دو ریشه یعنی تکامل سلولی و تکامل ارگانی در ارتباط با تفکر، درک و شعور بسیار جالب بنظر می رسد. **ل. س. ویکوتسکی** می گوید :

**- " مکالمه و نطق با دوره عقل پیش از تکامل سلولی و تکامل ارگانی یعنی پیش از اتحاد با اشیای تفکر صاحب دوره قبل از تاریخ خود میباشد و رویداد تازه ای می آفریند. او کمیت نطق و شعور انسانی را از نظر روانی ظاهر میسازد."**

بدین صورت معلوم میشود که میدان تحقیق و بررسی زبان و بیان در هر جهتی و در ارتباط با هر چیزی و علمی آنقدر وسیع و بزرگ است که بدنبال هر گونه فرضیه و پیشنهادی مسائل تازه ای به میان آمده و وجود انسان از جمله زبان او بعنوان حقیقت بزرگ و هستی کامل در عین حال مرکب برای همگان روشن میشود. در این راستا و چهارچوب آ. پ. پوتسیل اوپوسکی نظر جالبی دارد که در آن خواستار درک عمیق و تحقیق دقیق موضوع شده است :

*او، نطق و مکالمه مصوت انسانی را از نظر مراحل ولایه های قدیمی آن مورد جستجو قرار داده و مراجعت انسانها را به حیوانات خانگی و اهلی از نظر ایجاد صدا جمع آوری نموده مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است.*

چنین تحقیقات علمی دانشمندان زبان شناس و روان شناس بعضاً در مقابل یکدیگر قرار گرفته و مانند رعد و برق میان ابرها که موجب بارش باران میشود زمینه را برای باران علم بر مزارع تفکر و شعور آماده نموده و هر زمان به ویژه در زمان ما مسائل زیادی را حل میکند. اگر چنین مقابله ها و مناقشه های علمی نباشد شعور انسانی ناآزاد مانده و اجتماع بشری تکامل و تازگی خود را از دست میدهد. اگر تفاوت و گوناگونی نگرش و نیز شعور چه در زمینه های زبان- اجتماع و چه در سایر موارد همراه با ظرفیت، حوصله و خونسردی پیش رود به سود اجتماع و مخلوقات از هر نوعی و نژادی که باشد خواهد بود. اصول اولیه خلقت نیز بر همین اساس برپا شده است. نگرش به اشیاء از زوایای مختلف یعنی فراگیری، نامگذاری، تعقیب و شناسائی هر یک از عناصر موجود در ترکیب آنها خود موجب اتحاد در حرکت علمی و مسیر منطقی خواهد شد.

آ. پ. پوتسیل به این نتیجه رسیده است که قدیم ترین تیپ و مرحله مکالمه و بیان مصوت از نظر فرم بصورت تجزیه ناپذیر به عناصر تشکیل دهنده یعنی 'کلمه - مونولیت' بوده است.<sup>۹</sup>

چگونگی ترکیب کلمات با اشیاء خود از جمله موضوعات خیلی جذاب و قابل ملاحظه میباشد که اکنون با کمی تأمل و کنکاش در این خصوص برخی از مسائل را حل خواهیم کرد. آیا انسان بهنگام مشاهده اشیاء کلمات را آموخته است؟ آیا انسان بعد از مشاهده اشیاء برای آنها نامی انتخاب نموده است؟ این قبیل سئوالات با بررسی نقطه نظرات و دیدگاه بعضی از دانشمندان و با بهره گیری از تجربیات بشری جوابهای مناسبی خواهد داشت. بعنوان مثال ب. ف. پورشن آف در اینمورد گفته است:

۱- اشیاء برای جدا کردن کلمات مورد استفاده قرار گرفته اند.

۲- نیاز و ضرورت برای جدا سازی ترکیب صداها رفته رفته با سرعت بیشتری از وسائط و وسایل مکالمه و نطق سبقت گرفته است.

۳- جهت ازدیاد تعداد صداهای ترکیبی خلق و نیز ظهور عناصر متضاد ضروری بوده است.

۴- جهت خلق عناصر متضاد و یا صداهای ترکیبی جدید امکاناتی که وجود داشته بسیار کم بوده است.

۵- جهت جدا کردن صداهای ترکیبی ناطق از حرکات گوناگونی بهره جسته است.

۶- اکثریت حرکات توسط اشیاء صورت می گیرد.

۷- اشیاء بتدریج به کلمات پیوسته اند.

---

<sup>9</sup>-A.P.Poseluevskiy.K voprosu o drevneyšem tipe zvukovoy reči,  
s.48-49.

بنابراین برای آموختن و آموزش دادن کلمه و کلمات اشیاء از اهمیت ویژه برخوردار بوده و با گذشت زمان امکان اتحاد آنها حاصل شده است. در اینجا باز هم واحدها و عناصر زبان بصورت صدا و کلمه و بصورت مصوت ظاهر شده و وجود خود را نشان داده است. حرکات، مقابله ها و مقایسه های فوق پیام آور چیزی نیست بلکه مناسبت، نزدیکی و هماهنگی آن است. برای اینکه سیگنالهای فرمان دهنده بر این حرکات متوقف نشده و با فرم جدید پیشرفت نموده و بعنوان نیاز و ضرورت روز به میدان می آید. ضمناً همه این حرکات مصوت و قابل رؤیت میباشند. در زمان معاصر برای آغاز هرگونه حرکتی ضمن استفاده از صداهای ترکیبی از عناصری چون مثلاً، بدین ترتیب، بنابراین، بدین صورت و نیز حرکات دست بهره مند میشوند.

این موضوع نیز امکان بسیاری از دستورات و درعین حال دستورهای متفاوت را با واسطه گری سیگنالهای صوتی محدود بوجود می آورد. در اینجا تشابهات (omonim) موجود در زبانها بهترین و مناسبترین کمکی را برای آسانتر ساختن کار می نمایند. قدیمترین کلمات موجود در زبانها با حفظ معانی مختلف نشانگر عناصر و چیزهای گوناگون هستند. چنین کلماتی نه اینکه بطور یک کلمه بلکه بصورت یک صدا ظاهر میشوند. امروزه اشیاء پیشرفت و ترقی زبان را نه بصورت دینوات (denotat) (تصادفات و اشیای دنیای خارج که واحدهای مناسب زبان میتواند نشان بدهد) بلکه بصورت علائم و نشانه های کوچک به نمایش میگذارد. بدین ترتیب متوجه میشویم که بین علامت و چیزی که توسط آن علامت مشاهده و شناخته میشد هیچگونه ارتباط و دلیل منطقی وجود ندارد. این تفاوت و عدم ارتباط نیز طبیعی است. زیرا در آن زمان و دوره امکان و شرایط بیش از این نبود. در اینجا هنوز ترکیب و اتحاد کلمه و شئی بعنوان مسئله غیرقابل ادراک روز موجود است. صرف نظر از اینکه دیدگاهها و فرضیه ها متفاوت و راهگشا بوده اند بین سیستم و تشکیلات سیگنالهای

هضم ودرک داخلی وکلی به هیچ وجه ارتباطی وجود نداشته است. بایستی بهنگام ظهور وخلق سیستم و ترکیب اشیاء بین آن و ترکیب صدا تفاوتهای فاحش و متقابل وجود میداشت. با اینحال سیستم و ترکیب اشیاء بصورت فرمانت (formant- نام عمومی پسوندها) ظاهر شده و نسبت به سیستم و ترکیب صدا با سرعت بیشتری پیش می رود. بنابراین میتوان گفت که پیش از اینکه کلمات نشانگر اشیاء باشند، اشیاء نشانگر کلمات بوده اند. این موضوع در حال حاضر نیز در بسیاری از موارد صحیح است و میتوان برای آن مثالهای زیادی ذکر کرد (گوز مونجوغو- نظر قربانی، بو- این، گومان کی- شاید که، تیکان- خار،...). اشیاء قبل از آنکه درراه تکامل و پیشرفت وارد شده و حرکت نمایند بایستی وارد سیستم سیگنال گردند و این سیگنال دوم خواهد بود. اشیایی که وارد سیستم سیگنال دوم شده و راه تکاملی خود را طی میکنند چنین مراحل را پشت سر میگذارند :

۱- همانند صداها، در این کمیت جدید و در ارتباط با اشیاء چه رخدادی مشاهده میشود؟

۲- همانند سیستم و ترکیب سیگنال، در حین ارتباط صداها و اشیاء کدام رویداد صورت می گیرد؟

۳- تغییر مکان و تعویض موقعیت آنها چگونه صورت می گیرد؟

مراحل و مسیرهای فوق بایستی جالب، جذاب و قابل تأمل بوده باشد. زیرا سیگنال هضم ودرک، ارتباط بین صداها و اشیاء تجزیه و تحلیل شده و ترکیب کلمه و شئی، جایگاه صداها و ترکیبی و چگونگی آنها مورد مطالعه قرار میگیرد مراحل و مسیرهای فوق بطور خلاصه و منسجم چنین هستند :

۱- اشیاء با تمام سادگی و گوناگونی بایستی دارای علائم مقایسه و مقابله نیز می بودند.

۲- در طول مدت ترکیب و اتحاد اشیاء و کلمات نمیتوان از ارتباط بین آن دو سخن به میان آورد. چراکه آنها بصورت ساده، تنها و مونولیت ظاهر میشوند.

زمانی میتوان از ارتباط و علاقه سخن گفت که آنها در ضدیّت "یا-یا" باشند. ضمناً بایستی در عین ضدیّت بواسطه تضاد موجود وحدت "و-و" را بوجود بیاورند. بدین ترتیب معلوم میشود که صداها و اشیاء حتی در صورت جدائی نیز در همین زمینه و موقعیت طبق شرایط قبلی در جای یکدیگر واقع شده اند و این راه را برای ارتباط جدید هموار نموده است. اگر اهمیت، کمک، رول و جایگاه چند چیز را در تکامل، پیشرفت و ترقی زبان دخیل بدانیم مسئله سینتاکم نیز (sintakm) "واحد تشکیل شده از دو عضو، گروه کلماتی که دارای معانی کامل و تمام کننده هستند] پیش خواهد آمد. بدینصورت که با حضور و ظهور سینتاکم گام بس بزرگی در راستای پیشرفت و تکامل زبان برداشته شده است.

تغییر و ترکیبهای زیادی (آداب و رسوم، کلماتی که چندان تفاوتی ندارند، کلماتی که شباهت نداشته ولی در کنار یکدیگر قرار می گیرند، قافیه ها، کلماتی که با افزودن علامت انکار و منفی از بین می روند...) که بعداً بوجود آمده است در پی همین حرکت و روند صورت گرفته است. این بدان معنی است که ظهور سینتاکم در پیشرفت و تکامل میان صداها و اشیاء در سیستم سیگنال دوم گامی بزرگ و ظهور غیرقابل انکار بوده است. با افزایش علاقه و ارتباطات فوق و نیز شدت گرفتن ترکیب صدا- کلمه شاخه دیگری از زبان قوت گرفته و میدان تازه ای برای تحقیق و تجربه بوجود آمده است.

ارتباط اشیاء موجود در کائنات با صدا، کلمه و زبان چگونگی خلق و نیز پیدایش هستی و سیستم آن را نیز از جهت ویژه ای تجزیه و تحلیل نموده و در این راستا کمک شایانی برای دانشمندان و اهل علم کرده است. مسئله سبقت اشیاء و صداها و کلمات طوری نیست که بتوان بسادگی آنرا تصور و یا تحقیق نمود بلکه نیازمند بررسیهای

---

<sup>11</sup>-Sintakm : 1- Tə'yin və tə'yinlənən iki üyənün birləşməsindən oluşan birim. 2- Anlam bitkinliyinə iyə ritotik söz qrupu.

مجدد وعمیق میباشد. اشیاء وزبان در هر شاخه ای از حیات بشری در ارتباط تنگاتنگی بوده ومیتوان گفت که مکمل یکدیگر وحتى توجیه یکدیگر میباشند.

## اهمیت، کمیت و واحدهای زبان و بیان و تغییرات آنها

سیستم، تشکیل، پخش، کاربرد و عکس العمل زبان در اجتماع از اعضای جوامع بشری و نیز از رفتار، بینش و کردار آنها جدا نبوده است. به همین دلیل بایستی در کنار درک جذابیت، هستی، زیبایی و سیمای زبان موجودیت، شکل، سیستم و سیمای اجتماع را نیز دریابیم.

*واحدهای متغیر و اجتماعی زبان در ارتباط با تشکیل، سیستم، فرم، قوانین تکامل و پیشرفت آن نیز بی تأثیر نبوده است. ...*

بدین ترتیب بایستی بطور مکرر یادآور شویم که اجتماع بدون زبان و زبان بدون اجتماع هیچوقت معنی نداشته و ندارد. این موضوع و مفهوم نیز تنها از طریق بیان و نطق صورت می گیرد چراکه تأثیر قابل مشاهده فاکتور و عناصر اجتماعی در زبان نشانگر آن است. هرگونه ارتباط، علاقه، روابط و همخوانی بدون تشکیل سیستم و ترکیب عمومی صورت پذیر نیست. ظهور، بیان و تأثیر متقابل و نیز کمک برابر بدنبال تشکیل سیستم و ترکیب عمومی بوجود می آید و نتیجه میدهد. شعور، درک و مفهوم قبل از اینکه صورت عمومی پیدا نماید نمیتواند حقایق را آشکار سازد و آن را بصورت باری سنگین با خود حمل میکند.

از اینرو بطور واضح میتوان گفت که روابط و عمومی سازی در فعالیت های انسان که همانا اعضای تشکیل دهنده جوامع هستند موجب تفاهم و اتحاد دیالکتیک

میشود. اگر چنین مسئله ای را بعنوان موضوع اساسی تصور نموده وبصورت یک حقیقت بپذیریم باید گفت که خود عکس العملهای اجتماعی زبان همان تشکیل، ترکیب و عملی شدن ارتباطات و روابط عمومی است. میتوان گفت که در ادبیات زبان شناسی زبان ومکالمه ونطق بصورت مجزا از یکدیگر مورد بحث وگفتگو قرار گرفته است لاکن این بدان معنی نیست که عکس العمل ونیز سیمای آنها بطور جداگانه به میدان آمده است. سیمای اجتماعی آنها همیشه درکنار یکدیگر وباهم تقدیم شده است. بیان ونطق بعنوان یک سند وحقیقت یک فاکتور عناصری را در خود جمع کرده واین اسناد ونیز فاکتورها بصورت واحد های آن ظاهر میشوند.

۱- فرستنده.

۲- گیرنده.

۳- کنتیکست (kontekst)- بخش تمام شده متن از نظر معنی.

۴- کد.

۵- کنتاکت.

۶- معلومات.

با درنظر گرفتن عناصر و فاکتورهای فوق ودرک وقبول آنها بصورت مدلهای

بیان ونطق میتوان به شش مورد از واحدهای زبان اشاره کرد :

۱- اِموتیو (emotiv)- نشانگر احساس وتقاضای گوینده.

۲- کَنناتیو (konnativ)- نشان دهنده مضمون بیان ونطق نسبت به همه حقایق

هستی.

۳- رِفْرِنْت (refrent)- نشان دهنده اشیاء دنیای خارج.

۴- واحدهائی که مکالمه را توسط زبان مشروط میسازد.

۵- فاتیك (fatik)- واحدهای ایجاد کنتاکت.

۶- پوئتیک (poetik) - واحدهای شاعرانه و موزون.

واحدهای زبان از طرف دانشمندان و محققین رشته های مختلف علوم از قبیل ب.آ. سیرب ردینکوف، ی.د. برشیری یف، آ.آ. لیونت یف، و.آ. آورورین بطور مکرر و مجدد مورد تحقیق قرار گرفته و به بیش از یک یعنی به دو گروه تقسیم شده است. بخش اول بعنوان اصل و پایه مورد توجه واقع شده و بخش دوم بعنوان بخشی که بعداً درک و تحصیل شده است مورد ارزیابی قرار گرفته است. خود این موضوع نیز میتواند با زبان و جهات تکامل و پیشرفت آن در ارتباط باشد. همانطوریکه قبلاً نیز متذکر شدیم زبان مانند همه زنده ها و مخلوقات خلق شده زندگی میکند، خلق میکند و راه تکاملی خود را همچنان ادامه میدهد. بعنوان مثال روان شناس آلمانی ف. کایننتس (F.Kaynts-1941) در کتاب خود بنام "واحدها ویا کمیتهای زبان" واحدها را بدو دسته یعنی "نخستین" و "مشتق شده" تقسیم نموده و گفته است:

"واحدهای نخستین از ضروریات زبان است. در صورتیکه واحدهای مشتق شده دارای بار ارزش دانشگاهی ویا آکادمیک هستند."

غیر از ادبیات زبان شناسی در ادبیات علمی نیز که با کمیتهای و واحدهای زبان در ارتباط هست مباحثاتی روی داده و فعالیتهای نطقی و بیانی انسان در هر شاخه ای از آن مورد ارزیابی و تحقیق واقع شده است. ضمن مباحثه، تحقیق و بررسی کمیتهای و واحدهای فوق ارتباط و علاقه خود آنها درمذ نظر دانشمندان بوده است. ارزیابیها و تحقیقات مذکور بطور خلاصه بدین شرح میباشد:

۱- کمیتهای و واحدهای ارتباطی زبان (kommunikativ).

۲- کمیتهای و واحدهای تنظیم کننده زبان.

<sup>13</sup>-R.Yakobson.Linguistics and poetics Style in language :

nevvYork-London,1960,s.353-357.

<sup>14</sup>-F.Kainz.Psychologie der Sprache, Bd.I, Stuttgart, 1941,s.172.

۳- کمیت و واحدهای ادراکی زبان (konstraktiv).

۴- کمیت و واحدهای مبنی بر مالکیت بر تجارب اجتماعی- تاریخی بشریت  
زبان (akkumulyativ).

۵- کمیت و واحدهای ملی- فرهنگی زبان.

۶- کمیت و واحدهای رسانه ای زبان که معلومات و آگاهیهای مربوطه را می  
رسانند (ekspressiv).

۷- کمیت و واحدهای مربوط به زیبایی زبان (estetik).

۸- کمیت و واحدهای مربوط به ایدئولوژی زبان (ideoloji).

اگر هر یک از کمیتها و واحدهای ذکر شده در بالا بطور جداگانه تحلیل و تجزیه بشود مفهوم زبان و کمیتهای آن از طرف همه ( اشخاصی که در ارتباط با زبان فعالیت میکنند) قابل درک و فهم خواهد شد. گرچه کمیتها و واحدهای فوق همیشه در ارتباط و علاقه بوده اند لکن هر کدام از آنها بایستی بصورت مجزا مورد تحقیق و کنکاش واقع شوند. زیرا همه ارتباطات و نزدیکیهای موجود در بین علم زبان شناسی و دیگر علوم به آسانی و برای همه قابل درک و فهم و هضم نمی باشد. از این جهت توضیح و تشریح هر یک از آنها حتی بصورت کوتاه و مختصر مفید خواهد بود :

۱- ارتباطی (kommunikativ) : این کمیت حامل معنی اتصال، تفاهم، علاقه، انس و نزدیکی است و این روند از طریق نطق و مکالمه به اتحاد و همکاری منتهی میشود. این کمیت و واحد کمیت اساسی و مهم زبان بوده و ماهیت و ارزش زبان را در اجتماع بوضوح نشان میدهد.

۲- تنظیمی : همانطوریکه از نام کمیت پیداست در ادبیات زبان شناسی وظیفه تنظیم را بعهده می گیرد و با کمیت ادراک زبان متحد شده و بعضاً با آن یکی میشود. فراموش نکنیم که هر یک از اینها کمیتها و واحد های جداگانه ای هستند.

۳- عقلی (konstraktiv) : هنگامی که سخن از این کمیت زبان به میان می آید بایستی ماهیت عکس العمل و دعوت به عکس العمل جدا بشوند. در این نوع کمیت

پروسه های عقلی از جایگاه بیشتری برخوردارند. زیرا زبان بیان کننده شعور آماده و خلاصه شده نیست بلکه شعور و درک را بطور مجدد خلق میکند (A.A.Potebnya). بنابراین میتوان گفت که انسان با تکیه بر این کمیت مفاهیم گفتاری و کلمه ای را بوجود می آورد.

۴- نتیجه ای ( *akkumulyativ* ) : معلوم است که هر نژاد و نسل جدیدی فعالیت‌های خود را بر اساس معلومات، محصولات، تکنیک و دیگر اطلاعات بدست آمده و کسب شده قبلی بنا میکند. از اینرو میتوان گفت که این کمیت نتیجه همه فعالیتها، تجارب و مبارزات انسان با طبیعت و کائنات در طول زمان است.

۵- ملی- فرهنگی ( *Kültürel* ) : این کمیت با کمیت حامل تجارب و مبارزات بشر با طبیعت ارتباط تنگاتنگی دارد و در کنار واحدها و اعضای اجتماعی- تاریخی و تجارب عمومی حیات بشری پیش می رود لکن در این زمینه یعنی زمینه ملی- فرهنگی اعضاء و واحدهای دیگری نیز دارد.

۶- تکثیری ( *ekspressiv* ) : این کمیت شاخه تأثیر، تکثیر، تحویل و انتشار زبان در راستای معلومات، خبر و مکالمه و مصاحبه می باشد.

۷- زیبایی ( *estetik* ) : این کمیت با کمیت ذکر شده در بالا ارتباط نزدیک داشته و در شاخه ادبیات بدیع، صنایع ظریفه و نیز زیبایی ظاهر میشود.

۸- عقیدتی ( *ideoloji* ) : یکی از کمیت‌های مهم و برجسته زبان در امور اجتماعی است که میتواند بصورت کلی و یا در کنار دیگر واحدها و اعضاء ظاهر شود. گفتنی است که کمیت فوق در زبان شناسی جامعه شناسی از طرف *ی. د. برشیری یف (Y.D.Deşeriyev)* مطرح و پیشنهاد شده است.

پس از تشریح و توضیح همه موارد بالا متوجه میشویم که زبان دارای یک سری واسطه و میانجی نیز هست که واحد و اعضای ذکر شده در بالاست که اینها بصورت میا نجیهای کمکی ظاهر میشوند. ضمن مشاهده و درک خیلی از کمیت‌های زبان اعضاء و واحدهای میانجی و واسطه آن را نیز که در اهمیت زبان بعنوان پل

مستحکم در راستای مکالمه و بیان مطرح است نمیتوان نادیده گرفت. اعضای کمی توسط زبان و زبان توسط آنها کامل شده و هر یک از واحد ها و موضوعات مطرح شده از جایگاه ویژه ای برخوردار بوده اهمیت و ارزش خود را نیز حفظ میکنند. اعضا و واحدهای کمکی و یا میانجی را میتوان بطور خلاصه و بدین شرح برشمرد :

نوشته، یادداشت، قوه تکلم، حساب انگشتی، طرح، نقشه، سیگنالها، نیروی

بیان....

پس از تشریح و فراگیری کمیتهای زبان بصورت خلاصه و مختصر که در بالا بدان اشاره گردید کمیت و واحدهای خود بیان و نطق نیز قابل ملاحظه و بررسی است. اگر کمیتهای بیان و نطق را بطور مختصر و ساده بیان نمایم میتوان بخشهای زیر را در نظر گرفت :

۱- کمیت سحرآمیز (magik) : در این نوع درک و تفکر میتوان با نیروی کلام بر همه محیط تأثیر گذاشت، آن را تغییر داد و در جهت دلخواه پیش برد. در اینگونه نگرش و تفکر باور بر این است که بادرک و فهم نام انسان میتواند همه بلاها و زیانهای دلخواه را بر او وارد کرد. قبایلی که کمیت سحرآمیز کلام در بین آنها بیشتر رایج و مهم بوده است عبارتند از هندو های آمریکا، استرالیا، آبروگنهای اقیانوسیه و قبایل اولیه آفریقا.

۲- کمیت آشکار سازی (nominativ) : در اینجا مقصد و منظور رساندن شعور و تفکر به شخص معین و ایجاد ارتباط بین انسانها نیست بلکه منظور آشکار ساختن این و یا دیگر حقایق شعور و تفکر است.

۳- کمیت اشاره (diykritik) : در اینجا بکار گرفتن بخشی از بیان که به اصل بیان و نطق مربوط نیست و تنها برای تعیین فاصله و مدت بکار می رود در نظر گرفته میشود بعنوان مثال :

'در صورت امکان برای من پنج روز وقت، سپس برای روز بعد وقتی را تعیین نمائید'. - در صورت امکان برای من پنج روز و بلافاصله وقت تعیین نمائید.

۴- **کمیت سیگنال (signal)**: این کمیت با کمیت اشاره و علامت بطور نزدیک در ارتباط است و بدین جهت میتوان آنها را بصورت کمیت واحد بکار برد.

۵- **کمیت دخیل (okkazional)**: این کمیت به هنگام داخل شدن کلمه و اصطلاحی که به مکالمه و نطق مربوط نیست ظاهر میشود. بعنوان مثال برای نشان دادن بی عقلی و احمقی کسی دست خود را باز کرده و فوت میکنیم.

۶- **کمیت ایجاد کنتاکت (fatik)**: این کمیت جهت ایجاد کنتاکت و نیز برخورد میان گوینده و شنونده مفید است.

۷- **کمیت حرکت (emotiv)**: این کمیت در کلمات و اصطلاحاتی که گوینده برای ابراز احساسات خود بکار میگیرد و یا قصد حرکت و جهت دادن شنوندگان را دارد ظاهر میشود.

۸- **کمیت تأثیر و تبلیغ (ekspressiv)**: کمیت فوق با کمیت تأثیر، خیر و انتشار زبان مرتبط بوده لکن در ادبیات زبان شناسی به روانشناسی وابسته است. این کمیت نطق و بیان بطور جزئی و ضعیف مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته است در صورتیکه شاخه مشابه زبان بطور وسیع و مفصل تجزیه و تحلیل گردیده است.

۹- **کمیت زیبایی و شاعرانه (estetik-poetik)**: این کمیت نه تنها با زبان بلکه با ادبیات و شعر نیز ارتباط نزدیکی دارد و از اینروست که میدان تحقیق و بررسی آن وسیع می باشد. این کمیت بعضاً به زبان و بعضاً نیز به نطق و بیان نزدیک میشود و این در ادبیات زبان شناسی متظاهر میشود. کمیت زیبایی و زیبایی شناسی در ادبیات معاصر بطور گسترده انتشار یافته و برای خود اصطلاحات و گویشهای مخصوصی پیدا کرده است.

۱۰- کمیت نژادی (etnik): در این گونه کمیت وابستگی ملی و نژادی گوینده و مکالمه کننده نیز مورد نظر می باشد و خود این کمیت بعضاً به زبان و بعضاً به بیان و نطق نزدیک میشود.

## زبان ، شعور ، تفکر

هنگامیکه سخن از شعور و تفکر انسان به میان است و نیز شعور و تفکر او تجزیه و تحلیل میشود خواه ناخواه به زبان روی آورده و نیاز خود را نسبت به آن یک بار دیگر و بطور عمیق متوجه میشویم. این بدان معنی است که زبان با شعور، درک و تفکر انسان ارتباط تنگاتنگی دارد. با اینحال بسیاری از زبان شناسها تا این اواخر این دورا جدا از یکدیگر تلقی نموده و موجب مباحثات و مناقشات شده اند.

گرچه زبان ، شعور و تفکر در اجتماع بشری بصورت یک کشف و پدیده ظاهر میشود لکن میتوان گفت که بایستی هر سه مورد با پیشرفت و تکامل اجتماع و زندگی اجتماعی هم آهنگ شده و دوش بدوش آن حرکت نماید. ما بهنگام خواب و در داخل تختخواب خود جهت بررسی و کنترل امور و فعالیتهای روزانه با خودمان حساب و کتاب میکنیم و درحقیقت با خودمان حرف می زنیم و تمام خرید و فروش، سود و زیان و سایر مسائل را مورد ارزیابی می نمائیم. ما در این مدت بدون اینکه لبهای خود را تکان بدهیم، صدای خود را درآوریم صحبت میکنیم و به خود گوش میدهیم و صدای خود را می شنویم.

اگرچنین است، ما چه چیزی را و کدام صدارا می شنویم ؟ در صورتیکه لب و دهان ما بی حرکت بوده است. پر واضح است که ما درحین حساب و کتاب و کنترل فعالیتهای روزانه خود حرف نمی زنیم، صحبت نمیکنیم بلکه می فهمیم، فکر میکنیم و در نتیجه شعور و درک خود را در مغز خود به تفکر تبدیل میکنیم و میتوان گفت که ما نه اینکه صدا و صحبت خود بلکه شعور و ادراک خود را می شنویم. بدین ترتیب متوجه میشویم که ما شعور و تفکر خود را بوسیله ترکیب صدا و جملات زبانی را که آموخته ایم هم به خود و هم در صورت نیاز به دیگران تحویل میدهیم.

از اینرو است که اگر زبان و شعور را بطور جدا از یکدیگر تصور نمائیم و آنها را جداگانه مورد بررسی و تحقیق قرار بدهیم یاری و کمکهای آنها را به یکدیگر چگونه درک و تصور خواهیم کرد و به آن از کدام زاویه خواهیم نگریست ؟ اگر زبان را حتی برای یک لحظه فراموش بکنیم مغز و سرما در زیر بار سنگین تفکر و شعور متحمل شرایط بسیار سنگینی خواهد شد. در صورتیکه میتوانیم با یاری و کمک زبان این بار سنگین را از طریق مکالمه و بیان به دیگران تحویل ، توجیه و منتقل نمائیم و بدینوسیله هم خود آسوده بشویم و هم دیگران را از آنچه که از ذهن و مغز ما خطور میکند مطلع سازیم. هماهنگی، مناسبت و همسوئی هر زبانی با شعور و درک موجود نیز نشانگر حرکت ، تکامل و پیشرفت دوش بدوش و برابر آنهاست.

بعنوان مثال، یک دانشمند، عالم و دارای تحصیلات عالی هیچ وقت نمیخواهد شعور و تفکر خود را با زبان و تفکر یک چوپان ساده بیان نموده و انتقال بدهد، یعنی نمیتواند این کار را انجام بدهد. همچنین هیچ دانشجویی مشکلات و سئوالات خود را در چهارچوب شعور و تفکر شاگرد و کمکی چوپان با استاد خود در میان نمی گذارد. زیرا بار تفکر و شعوری که در مغز و ذهن آنهاست با شعور و تفکر چوپان کوهستان و دشت و بیابان که بصورت ساده عمر خویش را سپری میکند کاملاً متفاوت بوده و آن مرحله را چندین سال پیش از این پشت سر گذاشته است. بعضی از دانشمندان چنین تصور می کنند که زبان نیز مانند شعور بعنوان یک حقیقت و هستی موجود بوده و مولود نیازمندیهای بشر است. بدین صورت میتوان گفت که در هر مکانی و شرایطی که ارتباط نزدیکی، ابراز عقیده و تبادل افکار و شعور وجود دارد آن شرایط و آن هستی حقیقتی است برای همه.

ناگفته نماند که در اینجا مسئله انسانها جدا از مسئله حیوانات میباشد چراکه ارتباط نزدیکی و تبادل افکار حیوانات برای دیگران بعنوان یک هستی و حقیقت تلقی نمیشود در صورتیکه در مورد انسانها عکس آن صادق است. با در نظر گرفتن همه آنها میتوان به چنین نتیجه ای رسید که شعور از نخستین دوران تاکنون بعنوان یک

حقیقت و برای همه وجود داشته است و تا زمانیکه انسانها موجود هستند شعور نیز موجود خواهد بود. این مباحثه و مذاکره تنها میان زبان و شعور ادامه دارد و ارتباط زبان و تفکر بایستی از طریق کانال و اصول دیگر و تا حدودی بصورت جداگانه مورد ارزیابی و کنکاش قرار بگیرد.

قبل از اینکه ارتباط و نزدیکی زبان و شعور و نیز زبان و تفکر و یا عدم وجود ارتباط مورد نظرا فرا بگیریم بهتر است که ماهیت زبان و تفکر، مناسبات این دو در صورت مقایسه متقابل مورد بررسی و درک و تفهیم واقع بشود. چراکه فراگیری و نیز درک آنها در تحقیقات بعدی یعنی مقایسه زبان و شعور بسیار مفید خواهد بود. ارتباط داخلی و علاقه متقابل شعور و تفکر در بسیاری از مراحل قابل مشاهده و تأمل است. این موضوع نه تنها از طریق علم و تحقیقات ادبی بلکه توسط فلسفه، منطق، ورشته های علوم روانشناسی نیز به اثبات رسیده است. معنی و مفهوم اساسی شعور از طریق عکس العملهای سر و مغز انسان و نیز عکس العملهای کلی این سیستم و ارگان در ارتباط با دیگر تحرکات و شرایط کامل میشود.

در صورتیکه تفکر نتیجه ارتباطات و تصادفات دنیای مادی است که در مغزو ذهن انسان جهت یافته و بصورت موقعیت و شرایط عمومی درآمده است.

نظر، پیشنهاد و توضیح فیلسوفها نیز در این خصوص غیر از این نبوده و در واقع توجیه و تشریح مشابهی را ارائه کرده اند. اگر در اینجا نقطه نظر و دیدگاه مشترکی موجود هست آن هم نشانگر روند عکس العمل تفکر و میدان وسیع و پرجهت شعور میباشد. ضمناً تفکر برخلاف شعور در چهار چوب منطق مطرح میشود. "شعور" و "تفکر" گرچه بطور اجمال تشریح و اینکه این دو در کدام جهت، شرایط، درجه و نیز موقعیت در ارتباط هستند معلوم گردید. یعنی "تفکر" در داخل و در چهارچوب اصلی "شعور" واقع شده است. به سخن دیگر، تفکر فعالیت شعور است و بس. لازم به تذکر

است که نه تنها تفکر بلکه شکل زیبایی، ارادی، حسی و ... دنیای مادی نیز تحت نفوذ وزیر مجموعه شعور است. بدین ترتیب چگونگی وسعت و اهمیت "شعور" یکبار دیگر آشکار میشود. از طرف دیگر تفکر که توجیه کننده دنیای مادی در چهارچوب منطق میباشد نمیتواند حامل وظایف شعور باشد لکن میتواند بعنوان یکی از زیرمجموعه های آن اظهار وجود نماید. اینگونه توضیح و تشریح در مورد شعور یگانه توجیه و توضیح آن نیست بلکه بعنوان درک، دیدگاه، نقطه نظر، باور و نظر ظاهر میشود.

"شعور" و "تفکر" در هر صورت محصول و تولید مغز انسان است و خود انسان نیز درکنار آنها هر روز پیشرفت نموده و تکامل پیدا میکند و نیز بعنوان یک موجود هستی مرکب ابراز وجود می نماید. از اینرو میتوان به یک چنین نتیجه ای رسید که اگر شعور و تفکر هر دو محصول و تولید مغز انسانی است خود انسان و مغز او محصول و تولید طبیعت بوده و با دیگر ارتباطات نه تنها در تضاد نیست بلکه موافق و مناسب آنهاست."

## مسئله تفکر پیش از زبان

مسئلهٔ زبان و شعور در علم زبانشناسی به حد کافی و لازم بررسی و تحقیق نشده است. زیرا این عمل کاملاً بصورت سطحی مد نظر بوده و خصوصاً بصورت زبان و تفکر مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار نگرفته است. لکن ما پیش از این گفتیم که، تفکر نشانگر و عکس العمل دنیای مادی در قالب منطقی میباشد و در محیط مورد اشغال و تصرف شعور قرار دارد. درست به همین دلیل در مدت زمانیکه که زبان و زبانشناسی مورد تحصیل و تحقیق قرار داشت مسئلهٔ شعور به هیچ وجه مورد نظر و توجه نبوده و آن را در هیچ یک از مراحل ورشته های علمی مشاهده نمیکنیم.

موضوع و مسئلهٔ شعور پیش از زبان در قالب زبان و تفکر مطرح بوده و از حیطة آن خارج نشده است.

درحین بررسی و تحقیق موضوع فوق مسئلهٔ جدیدی نیز بوجود آمده بود که آیا ابتدا زبان بوجود آمده است یا تفکر؟ تأثیر و عکس العمل متقابل این دو به چه نحو و صورتی ظاهر شده، و تحت شرایط کدام دلایل و منطقی بوده است؟ دراینمورد نیز بسیاری از نگرش و دیدگاهها متشابه و دارای یک جهت میباشند و اکثریت دانشمندان ظهور و وجود آنها را بطور همزمان و درکنار یکدیگر پذیرفته اند. آنها زبان و تفکر را دو عضو جدائی ناپذیر تصور نموده و هیچ زبانی را بدون تفکر و هیچ تفکری را بدون زبان احساس و ادراک نکرده اند. به نظر و. ز. پان فیلیوف (V.Z.Panfilov) شعور

نسبت به ماده در مقام دوم قرار دارد زیرا تفکر با روند وپروسه مغز ارتباط بسیار نزدیک و ناگسستگی دارد. ضمناً لازم به یادآوری است که، دیدگاه و نظریه مورد بحث و.ز. پان فیلیوف تنها از نظر مادی مطرح بوده است. مسئله اساسی و موضوع مهم این است که چه از نظر مادی - فیزیولوژی و چه عکس آن روند وپروسه موجود در مغز با استفاده از زبان عملی شده به اجتماع انتقال پیدا میکند و در اینجا برای ما آنچه که مهم است جایگاه، وظیفه و باری است که زبان برعهده دارد.

با در نظر گرفتن قالب و چهارچوب نظریه مذکور باید گفت که تفکر بدون شعور و شعور بدون تفکر غیر قابل درک بوده و موضوع بی مفهومی است. این دو ضمن حفظ ساختار و سسیتیم مربوط به خود غیر قابل تفکیک بوده و همیشه در کنار هم تصور میشوند. برای اینکه خود تفکر ضمن تکیه بر منطق قوی در محیط مربوط به شعور قرار می گیرد و پان فیلیوف نیز چنین نتیجه گیری را مورد تأیید قرار داده است.<sup>۱۸</sup>

تفکر ویژه و بطور کلی شعور انسان در کنار تکامل، پیشرفت و با زیبایی کنونی زبان پیش رفته و تکمیل شده است. هم زبان و هم تفکر در نتیجه زحمت، تلاش و نیز نیازمندیهای روز بوجود آمده اند. ترکیب و تلفیق زبان و تفکر، ظهور و ترقی آنها در نظریه دیدگاه بسیاری از زبانشناسها و دانشمندان بوضوح قابل مشاهده بوده و برای همه تفهیم است. و.ق. کولشاتسکی و ای.م. سیچن اف از این جمله اند. در طول زمانیکه شعور و تفکر روزانه انسان در جریان است زبان حتی برای یک لحظه از آنها جدا نشده و همه احساسات، زمزمه ها، مشورت های داخلی و غیره بدون حرکت لبها و تارهای صوتی بوسیله زبان و با تکیه بر آن بوقوع می پیوندند. زبان و تفکر به یکدیگر چنان نزدیک، مناسب و تنی هستند که ارتباط فرزند با مادر را تدائی میکند. "خیال" و فضای خیال هرکس در هر زمانی به وضوح قابل درک و بررسی است. رؤیاهای

<sup>18</sup>-V.Z.Panfilov. K voprosu o sootnošeni yazıka i mišleniya, sb. "Mišlenie i yazık". M., 1957, s. 118.

بدون زبان وحشتناک لاکن خیال و رؤیاهای همراه با زبان و مکالمه شیرین، غیرقابل فراموش و طبیعی است. دیدارها، ملاقاتها و مصاحبه های موجود در خوابها کم و بیش با علائم و اشاراتی که بعنوان ریشه و اصل زبان شناخته شده اند قابل درک و تفهیم بوده و دراین بخش از زبان بطور غیر ارادی طرز صحیح و واقعی هر چیزی را بیان نموده و برای بیننده و خیال کننده آن شادی آور و بسیار شیرین به نظر می رسد.

در اینجا فیزیولوگ بزرگ ای . م . سیچن اف دارای نظریات جالب، قابل تأمل

و قابل توجهی است :

" هنگامیکه شعور کودک فعال میباشد او در همان مدت و فاصله بطور قطعی صحبت میکند. در کودکان پنج ساله شعور و تفکر بوسیله کلمات و مکالمات به شکل زمزمه و یا حد اقل با حرکت زبان و لبها ظاهر میشود. این در مورد افراد مسن نیز البته با درجه بالا و مکمل نیز صادق است. حد اقل این را میدانم که فکر خود من در بیشتر موارد و زمانها بصورت مخفی و بدون حرکت یعنی بصورت مکالمه لال و در فضای خالی دهان و یا حرکت عضلات زبان راه اندازی و تشکیل میشود. در تمام موارد و موقعیت هرگونه تفکر و تصویری را که میخواهم به دیگران برسانم ابتدا آن را برای خود زمزمه میکنم. حتی تصور میکنم که من هیچوقت بدون میانجی کلمه ای را به مغز خود راه نمیدهم و همه افکار خود را به یاری عضلات زبان و یا با چنین احساسی آماده کرده و ابراز میدارم."

همانطوریکه معلوم میشود ارتباطات و علاقه های زبان و تفکر که قبلاً متذکر شدیم در نقطه نظرها، دیدگاهها و تصورات دانشمندان فعال در اینمورد نیز بارها و نیز آشکارا آمده است. موارد بالا میتواند به سراغ هرکسی برود و هرکسی چنین مراحل را طی بکند لاکن هرکس نمیتواند متوجه موضوع بوده و آن را بطور علمی و واقعی ارائه نماید برای اینکه تمیز دادن آن بسیار حساس و نقطه ظریفی است. صرف نظر از

همة اینها بعضی از دانشمندان چنین تصور میکنند که تفکر قبل از زبان خلق شده است و هر چیزی مولود زحمت و تولید نیازهای بشری است. لکن چنین به نظر می رسد که هر گونه زحمت و فعالیت خود در نتیجه تفکر به میدان آمده و حضور پیدا کرده است. ابتدا مسئله زحمت و فعالیت و سپس مکالمه و مصاحبه قابل درک و تفهیم مشابه بودن و تکامل یافتن مغز ( حیوان و انسان) را نیز مطرح و اثبات میکند.

کسانی که میگویند خود انسان نیز مولود زحمت و فعالیت است ضمن اصرار در نظریه خود با موضوع و نظریه پیشین شدیداً مخالفت نموده اند. اگر مکالمه و گفتار روشن و آشکار و زحمت و فعالیت بعنوان دو اصل و دویایه مهم مورد بحث بوده باشند پیشرفت و تکامل مغزها بصورت تدریجی و تحت تأثیر این دو اصل اساسی به حقیقت نزدیک خواهد شد. به مسئله خلق زبان قبل از تفکر نه تنها در دیگر علوم بلکه در ادبیات علمی نیز شاهد هستیم. برای اینکه زبان برای حیات ابتدائی، ساده و امرار معاش اولیه نیز ضروری بوده است در صورتیکه تفکر محصول و تولید یک شعور بسیار پیچیده، مرکب، دارای جهات مختلف میباشد. یکی از کسانی که به ظهور همچنین پیدایش زبان قبل از تفکر باور دارند ب. ف. پورشن اف (B.F.Porşnev) میباشد. او می نویسد:

“... شاید هم کلمه محصول تفکر نیست بلکه عکس آن صادق است. ما اکنون میدانیم که در مغز انسان بخش بنام فکر وجود ندارد در صورتیکه بخشهای مکالمه و مصاحبه حقیقتاً وجود دارند و در نیم کره چپ، در بخش زیرین و رویین جبین، در گیجگاه...”

معلوم میشود که در مغز انسان بخش و منطقه ای برای نطق و بیان تعیین شده و امروزه برای دانشمندان شناخته شده است. نوع سیگنالهای تولید شده و فرستاده شده از این مناطق یکی از مهمترین دلایل و علل ماهیت، تکامل و ذات زبان است. یعنی

تصاویر موجود در کائنات موجب بروز سیگنالها و عکس‌العملهای گوناگونی در مغز انسا میشوند. عکس‌العملها و سیگنالهای فوق در نهایت با استفاده از زبان و ماهیت آن به میدان آمده و ابراز وجود می نمایند.

ناگفته نماند که همه این رویدادها در قالب چهارچوب شعور صورت می گیرند. چراکه عکس‌العملها و جوابهای مربوطه با شعور و ادراک ویژه هر شخصی در ارتباط میباشد. تولید و ساخت هرگونه ابزار، اسباب و آلات مختلف و بکارگیری آنها در هر گونه فعالیت و تلاش و نیز مفید و یا غیر مفید بودن آنها بطور کلی به تفکر بستگی دارد. بدون آن درک و تفهیم هرگونه وسیله و اسباب و آلات غیرممکن به نظر می رسد و بدین ترتیب نظریه *آ. سیرب رننیک اف* کاملاً درست و بجا است. در اینصورت تهیه و ساخت ابزار آلات پیش از زبان بوقوع پیوسته است. این بدان معنی است که انسان قبل از شروع هرگونه سعی، تلاش و فعالیت نتیجه، نهایت، محصول و ضرروزیان آن را کاملاً بررسی نموده و سپس وارد عمل میشود.

بنابراین آینده و نتیجه هر عملی قبلاً در مغز انسان یعنی در شعور او مورد بررسی مشورت و ارزیابی قرار می گیرد. این موضوع را روانشناس *ای. و. کونین* نیز تأیید کرده است. نوشته و گفته او در اینمورد پرواضح است .

لازم به تذکر است که، چنین شعور و طرز ادراک نه تنها در انسانها بلکه در همه جاندارانیکه دارای مغز هستند قابل مشاهده است لکن وسعت، ظرفیت و چگونگی آن متفاوت خواهد بود. در اینصورت نتایج بدست آمده نیز به یک اندازه نخواهد بود زیرا نتایج بدست آمده به حجم و بزرگی مغز بستگی دارد. مغز همه جانداران به یک اندازه پیشرفت نکرده و بصورت یک بخش کامل نیامده است. بدین ترتیب میتوان باور کرد که نیروی درک و قوت شعور و فعالیتهای ذهنی و مغزی آنها به یک اندازه و ظرفیت نخواهد بود. بسیاری از حیوانات در مقابل فعالیتهای ذهنی و مغزی خود عکس‌العمل

<sup>21</sup>-*İ.V.Konin. Formı mişlenya i ix rol v poznanı, dokt.diss.avtoref-erati.M., 1955,s.22.*

نشان داده و طوری رفتار می کنند که بسود خودشان تمام بشود. بعنوان مثال زمانی که شاخک حشرات به چیزی و یا بجائی برخورد میکند بلافاصله شاخک و سر خود را قائم میکنند. با اینهمه نمیتوان چنین رفتارهایی را حتی تفکر ابتدائی تلقی نمود. اینگونه رفتار عکس العملی است در مقابل رویدادهای طبیعی و مربوط به محیط. بعد از اینکه چشم، گوش و دیگر اعضای بدن سیگنالهای مشروط را به مغز می رسانند جواب و عکس العملهای مختلف آنها در مغز بوجود می آید.

رفتار، عکس العمل و حرکات حیوانات و نیز حشرات در ارتباط با محیط به دو دسته تقسیم میشود :

۱- رفتارها و عکس العملهای غیر ارادی که همه آنها مادرزادی و بصورت ماشینی عمل میکنند.

۲- رفتار و عکس العملهای وابسته به محیط، حیات و منطقه زیست.

میتوان گفت که رفتار و عکس العمل دوم قابلیت، توانائی و قوه درک داخلی تمامی حشرات و حیوانات را بعد از تولد نشان داده و قدرت فراگیری و تقاضای ویژه آنها را آشکار می سازد. فرا گیری رخدادهای و اتفاقات بوجود پیوسته در محیط و نیز سایر موارد ضروری برای زندگی و ابراز عکس العمل نسبت به آنها همان فعالیت شعور، درک، عقل و مغز میباشد. در این مورد نظر ای . م . سیچن اف (I.M.Seçenov) نیز قابل تأمل و جالب است. او می نویسد :

" در حیوانات علاوه بر رفتار و عکس العملهای مادرزادی و اتوماتیک توانائی استفاده و بهره گیری آنها از امکانات موجود در محیط نیز مشاهده میشود. این را نمیتوان در خارج از شعور و عقل حیوان تصور و تحلیل کرد."

این موضوع نشان میدهد که قابلیت شعور نه تنها در انسان بلکه در حیوانات نیز موجود است. نتیجه ای که میتوان از اینگونه مثال و تجربه بدست آورد این است

که عکس العمل و رفتار حیوانات تأثیر دنیای مادی و جواب متقابل آن است و هیچگونه ارتباطی با تفکر و اندیشه ندارد. بنابراین همانطوریکه علم نیز قبلاً ثابت کرده است متوجه می‌شویم که بین انسان و حیوان در خصوص شعور تشابهاتی و نزدیکی‌هایی مشاهده می‌شود لکن بایستی توجه کرد که فعالیت شعور و عقل عین فعالیت تفکر نیست و انسان و حیوان تنها در فعالیت‌های مغزی و شعوری نقاط مشترک و نزدیکی دارند. در نتیجه یکبار دیگر به اصل و سفارش "انسان اشرف مخلوقات است" نیز پی می‌بریم.

صرف نظر از همه اینها هنوز هم مسئله بروز و ظهور تفکر و زبان و مباحثه آن با نگرش و دیدگاه‌های متضاد ادامه دارد. گرچه در بخش‌های زبان و تفکر موجود در زبان شناسی عمومی از ظهور و بروز آنها در زمان‌های متفاوت بحث می‌شود دیگران یعنی زبان شناسان تولد و ظهور همزمان آنها را مطرح کرده اند. در هر صورت زبان و تفکر و نیز ارتباط آنها بایستی بصورت متقابل بررسی و در نهایت به یک نظر و نتیجه مشترک منتهی گردد. صرف نظر از اینکه هر روز مسائل و سئوال‌های جدیدی به میان خواهد آمد و باید آن را طبیعی تلقی نمود زیرا علم و هستی در مسیر تکاملی خود بی وقفه در حرکت است. جهت بررسی و تحقیق مسائل بطور متقابل بایستی صورت مسائل ضروری معلوم و جواب سئوالها بصورت منطقی آنالیز گردد. در این راستا سئوال‌ات زیر نیز مطرح می‌باشند:

- ۱- آیا برابری مدام و کامل بین زبان و تفکر به چشم می‌خورد؟
- ۲- سیستم وجودی زبان با سیستم وجودی تفکر برابر است؟
- ۳- تفکر بدون زبان ممکن است؟
- ۴- همه عناصر و اعضای زبان در تفکر قابل مشاهده است؟
- ۵- هرچیز موجود در زبان با تفکر در ارتباط است؟
- ۶- علاقه و ارتباط میان زبان و تفکر طبیعی است یا به رفتار و حرکات کسب شده از محیط بستگی دارد؟

بارها به این موضوع اشاره شده است که تفکر بدون زبان قابل درک و فهم نمی باشد. با اینهمه هنوز هم در بعضی مواقع مسئله بطور کامل از هم تمیز داده نشده است :

آ- زبان در ظهور و پیدایش تفکر چه نقشی داشته است ؟

ب- ظهور و پیدایش فکر با کلمات مستقل در ارتباط با نطق و نزدیکی توسط

کدام عناصر بوجود پیوسته است ؟

در این خصوص اولویت را به بخش " آ " داده بخش " ب " را بعنوان ضرورت آشکار مطرح میکنند. میتوان گفت که چنین تصویری بی عدالتی و بی انصافی است. قطعی بودن اولی نباید ارزش و اهمیت دومی را زیر سؤال ببرد و از نقش اساسی آن بکاهد. در مراحل و مراجع دیگری نیز شاهد این موضوع هستیم. " روانشناسها به هنگام برخورد با موضوع از تفکر قبل از زبان سخن به میان آورده بلاواسطه از حیوانات یاد میکنند و سعی میکنند نژاد اصلی انسان را به بعضی از آنها نسبت دهند. لکن این بدان معنی نیست که همه زبان شناسها در مقابل چنین تصویری تسلیم شده و به آن رأی مثبت میدهند بلکه بسیاری از دانشمندان و اهل علم ضمن اعتقاد به رشد و تکامل خلقت انسان را بصورت انسان ( آدم ) باور نموده تکامل و پیشرفت آن را مطرح کرده اند. صرف نظر از اینکه عده ای از زبانشناسها به دلیل و منطق مذکور در بالا یعنی اظهارات روانشناسها بسنده میکنند.

رویهم رفته چنین سئوالی مطرح است که آیا اصلاً میتوان به وجود تفکر در حیوانات باور کرد و آن را درک نمود ؟ اگر بدین باور باشیم که زبان انسانها مولود " زحمت " بوده و زبان وسیله ارتباط و نزدیکی است اسباب و موجب ارتباط و نزدیکی میان حیوانات چه چیزی میتواند باشد ؟ در مورد حیوانات کدام " زحمت " و چگونه وظیفه فوق را به عهده می گیرد ؟ این بخش از موضوع تا حدی مشکل و قابل تأمل

23- Obşee yazıkoznanie. Formı suşest vo vanya, funksi, istoria yazıka, M.,1970, s. 387.



بدینصورت میتوان گفت که خود تفکر نیز از تغییر و کمیت نطق و بیان بوجود آمده است. اگر تفکر بعنوان محصول و تولید نطق و بیان تصور شود نمیتواند قبل از زبان وجود داشته باشد چراکه مکالمه و نطق خود زبان است و بوسیلهٔ زبان میتوان آن را دریافت و درک نمود. همهٔ حرکات و رفتارهای فیزیکی، روانی و ... انسان به منبع و مأخذی بنام نطق و مکالمه بستگی دارد و بدون آن هیچ چیزی را نمی توان مطرح نمود و یا از آن سخن گفت. در اینجا چیزی که بعنوان بدنه و وجود اصلی تصور میشود زبان بوده و همه چیز باقیمانده بصورت میوه، شاخ و برگ و شعبات آن اظهار وجود می نمایند. با توجه به همهٔ اینها میتوان گفت که :

۱- همهٔ فعالیتهای فیزیکی و روانی انسان که بصورت عالی صورت می گیرد **هتروژن (Heterogen)** نیست. یعنی دارای سیستمی نیست که از عناصر متشابه و زیاد تشکیل شده باشد.

۲- فعالیتهای فیزیکی- روانی انسان هموژن (Homogen) است. یعنی دارای سیستمی است که از یک نوع عناصر تشکیل یافته است.

۳- همهٔ فعالیتهای محصول و شاخ و برگ درختی است که ریشهٔ آن نطق و بیان میباشد. "

بدین ترتیب اهمیت و ارزش زبان که همهٔ جهات و شعبات زندگی بویژه زندگی بشر را دربر می گیرد برهمگان آشکار میگردد. بنظر می رسد که مثالها و نمونه های علمی و منطقی مذکور جواب مناسب و کافی برای کسانی که میگویند زبان چندان هم اهمیتی ندارد باشد. ارزش و اهمیتی را که زبان و علوم وابسته به آن در نتیجهٔ تحقیقات و زحمات زبان شناسان و فیلسوفهای چون پورشن اف و غیره کسب کرده است با گذشت زمان بیشتر آشکار گردیده و ماهیت زبان را که مارا در ادراک و دریافت هستی، باور، احساسات، عشق و نیز رنجهای خود بصورت عمیق یاری

میکنند برملا می سازد. کلیه تأثیرات دنیای مادی و نیز عکس العمل و سیگنالهای مغز در نتیجه فعالیت شعور و سلولهای مغز که حتی بر تفکر نیز برتری می یابد ظاهر می شود. یک چنین سیستم پیچیده، وسیع، مرکب لاکن منظم همه را متعجب نموده و از یک خلقت، نظام و خلاقیت منظم، صحیح، قوی، پیشرفته و طولیل المدت حکایت میکند.

انسان در مقابل اینهمه اعجاز، قدرت، لیاقت، قابلیت و توانائی چه عکس العملی میتواند از خود نشان بدهد مگر اینکه بیاموزد، درک نماید، عبرت بگیرد و برآن احسن بگوید. شاید هم ضرورت دارد که از رفتار، حرکات، شعور و درک متأثر از دنیای مادی انسان سخن به میان آید. اگر چنین باشد موضوع تفکر قبل از زبان نیز خود بخود منتفی میگردد و از بین می رود. این بدان معنی است که قبل از زبان هیچگونه تفکری وجود نداشته است. اینگونه تصورات یعنی عدم وجود تفکر قبل از زبان به همین راحتی و سادگی نیز ممکن نیست بلکه نیازمند دلایل و شرایط قانع کننده ای می باشد. دلایل و جوابهای منطقی مورد نیاز نیز از طرف علوم وابسته به زبان میتواند مطرح و پیشنهاد گردد.

در صورت بروز و ظهور بیماری روانی نه اینکه قابلیت و توانائی مکالمه و نطق انسان بلکه جهات منطقی، داوری و شعور آن از بین می رود. بنابراین زبان از بین نمی رود و به حیات خود ادامه میدهد لاکن در خدمت کدام جهت و حرکت میباشد جای سؤال و توجه است. اگر پیش از زبان تفکری وجود داشت بایستی در نتیجه بیماری فوق متلاشی میشد و در اینصورت زبان و نطق بعنوان محصول و تولید آن محکوم به نابودی و از هم پاشیدگی میشد. عدم از بین رفتن و متلاشی شدن زبان نشان میدهد که موضوع نه بر اساس تصورات بلکه بر اساس حقایق است. یعنی تفکر نمیتواند نخستین باشد و در اولویت قرار بگیرد. همه ما میدانیم که انسان پیش از ورود به دور جدید تکامل و بلوغ فکری یعنی در دوران کودکی بدون اینکه به مفهوم و معنی بسیاری از مکالمات، کلمات، ترانه و نغمه ها پی ببرد و صحیح بودن و یا نادرست بودن آنها را بفهمد آنها را تکرار کرده و یا ترنم می نماید.

در اینجا چنین سئوالی و مسئله ای پیش می آید که اگر تفکر قبل از زبان موجود بوده است چرا از چنین اشتباهات و رفتارهای ناصحیح جلوگیری نکرده و انسان را در میان اینهمه سهو و خطا تنها گذاشته است ؟ معلوم میشود که در غیاب تفکر زبان و بیان پیشرفت کرده و به یک نقطه برجسته، قابل فهم و درک راه یافته و در فعالیت‌های روزانه انسان جایگاه مهمی را مالک و صاحب شده است. از طرف دیگر در ناحیه سر مناطق زیادی کشف و شناسائی شده است که با زبان و شعور ارتباط تنگاتنگی دارند. مناطق و نقاط فوق در هر دو نیمکره سر قرار دارند. در صورتیکه منطقه تفکر مشاهده نشده است. ناگفته نماند که نوعی شعور قبل از زبان موجود بوده است و میتوان در مورد شعور مذکور بحث و مذاکره کرد. لکن این موضوع قبل از علم زبانشناسی با علم روانشناسی در ارتباط است.

اگر موضوع تفکر و همه شاخ و برگ آن که هم اکنون زبان زد همه انسانها بسویژه دانشمندان میباشد با همه ابهت و صلابت خود بعد از زبان واقع بشود موضوع بیان و نطق بیشتر عمق پیدا خواهد نمود و دارای تاریخ بس طولانی خواهد شد. بدین ترتیب میتوان تصور کرد که علم زبان و زبانشناسی میبایست خیلی پیش از اینها یعنی قبل از قرن هیجده بعنوان رشته مجزا مورد آموزش و تحصیل و تحقیق قرار می گرفت. اگر چنین می بود امروزه در مورد زبان و زبانشناسی دارای اطلاعات بیشتر از این بوده و در مراحل بالاتر از مراحل موجود قرار میداشتیم. با اینهمه هنوز هم دیر نشده و انسانها در نتیجه تلاش و فعالیت جدی و مداوم به عمق و وسعت اقیانوس بیکران زبان پی برده و از خدمت بیشمار و غیر قابل تصور آن بر جامعه بشری خبر خواهند داد.

## زبان و شعور

همه دنیای مادی در چهارچوب قدرت شعور انسان جایگزین شده و در بالهای این قدرت و نیرو به جهت مورد نیاز و مرحله ضروری انتقال یافته و حمل میشود. از اینرو معلوم میشود که عکس العمل دنیای مادی بدون شعور و نیز بدون طبقات ضخیم و شعبات وسیع و معنی عمیق آن غیرقابل درک و فهم میباشد. اگر در اینجا سخن از دنیای مادی در میان است چنین تصور نشود که دنیای معنوی را کنار گذاشته و یا در مرحله و درجه دوم و سوم قرار میدهیم بلکه شور و مشورت و تحقیق و بررسی آن را بعنوان موضوع جداگانه در نظر می گیریم.

همه این عکس العملها و تصورات و نظرات جهت انتقال به دیگران و تفهیم معنی و معلومات ضروری بصورت مستقیم و درمقابل دید همگان از روی پل مستحکم زبان عبور میکنند. از اینرو است که تعدادی از دانشمندان زبان را بعنوان شعور تلقی نموده و در حرکت بودن واقعیتی را که موجودیت انسان را نیز دربر می گیرد بر روی پل مستحکم زبان که به شعور مبدل شده است در نظر گرفته اند. گرچه عده ای نیز در مقابل تصور و نگرش فوق قد علم نموده و با آن مخالفت کرده اند لکن وجود حقایق موجود در آن غیرقابل انکار بوده و نمیتوان ارتباط نزدیک و تنگاتنگ زبان و دنیای مادی را نادیده گرفت.

حقایق مورد بحث را که وجود انسان را نیز دربر می گیرد میتوان به چهاربخش مجزا تقسیم کرد :

۱- بخش طبیعت.

۲- بخش اجتماع.

۳- بخش شعور.

۴- بخش زبان.

در میان چهار بخش فوق بخش "طبیعت" از هر لحاظ از هر سه بخش جلوتر بوده و در مرحله اول قرار دارد. زیرا قبل از پیدایش اجتماع، شعور و زبان دنیای مادی و طبیعت موجود بوده و ما را در چهارچوب هستی خود قرار داده است. در این راستا کسانی که دیدگاهها و نظرات خود را در قالب مادیگری مطرح نموده و از آن دفاع کرده اند "ماده" را نخستین و شعور را بعد از آن یعنی در درجه دوم قرار داده و نیز تصور نموده اند. در کنار تصور و تفکر فوق کسانی نیز از ظهور و حضور همزمان آن دو سخن گفته اند. موضوع نیازمندی دنیای مادی که در اینجا بعنوان نخستین در نظر گرفته شده است به زبان و چگونگی این نیازمندی خود محتاج تحقیق و بررسی عمیق جداگانه است.

درک و تصور دنیای مادی و عکس العمل متقابل آن چه پیش از زبان و چه بعد از آن قادر به تضعیف موقعیت و مقام زبان نیست. زیرا همانطوریکه قبلاً نیز متذکر شدیم خود این هستی یعنی دنیای مادی در نتیجه سیگنالهای شعور قابل تفهیم است و خود شعور نیز از طریق پل مستحکم زبان وارد اجتماع شده و در آن حرکت میکند. بدین ترتیب میتوان گفت که زبان بعنوان یک تأسیسات محکم و بعنوان زیربنا اولین وظیفه را بعهده می گیرد و وسعت و وظیفه فوق با گذشت زمان بیشتر آشکار میگردد. از طرف دیگر، "زحمت یا تلاش" در حیات بشری و تکامل جوامع از چنان جایگاهی برخوردار است که میتوان انسان، شعور و زبان را در داخل آن مورد کنکاش قرار داد. اگر چنین تصور و نگرشی را بعنوان یک حقیقت در نظر بگیریم میتوان گفت که :

*ابتدا زحمت و فعالیت و بدنبال آن نطق و بیان آشکار و روشن بعنوان دو عامل مهم وجود داشته و مغز تکامل یافته و کنونی انسان تحت تأثیر این دو تشکیل یافته است.*

لاکن تصور و نگرش فوق خود نیز نگرش مادی است. چرا که نگرش و تصور مذکور انسان را در مرحله بعدی و نیز بعنوان مخلوقی که بتدریج خلق شده است تداعی میکند. تصور و توجیه یاد شده از طرف بسیاری از دانشمندان و علما رد شده و انسان بعنوان موجود و مخلوق کامل از طرف خداوند و توسط "آدم" و "حواء" خلق شده است. به نظر ما ارزش و اهمیت زبان، ارتباط آن با وجود انسا و محصول پر ارزش آن که تقدیم اجتماع کرده است دارای مقام و منزلت بالاتر از اینهاست و فعالیت کسانی که سعی میکنند نژاد و تبار انسان را به جهات مختلف سوق داده و "اشرف مخلوقات" بودن آن را زیر سؤال ببرند و ارزش و جایگاه آن را کم اهمیت جلوه داده حضور معنوی و ظهور اعجاز آمیزی آن را تحقیر نمایند تلاشی است بیهوده و چنین روندی ما را بجائی نمی رساند و بهتر است آن را بعهدۀ نژاد شناسها بگذاریم.

زبان و شعور همیشه و در هر زمان در ارتباط متقابل بوده اند. ارتباط این دو در تشکیل و تکامل اجتماع از اهمیت والاّی برخوردار بوده و محیط کامل کنونی را برای ما هدیه کرده است. زبان در زندگی انسان و درکنار شعور به فعالیت و تلاش بشر خط و جهت داده آن را کانالیزه کرده و به نتیجه می رساند. این بدان معنی است که خود زبان نیز بعنوان تلاش و زحمت ظاهر میشود و در نتیجه این ظهور خود شعور را نیز تفهیم کرده دارای فرم و قالب ویژه ای می نماید. همانطوریکه پیش از این نیز گفتیم زبان شعور است و شعور زبان. شاید چنین سئوالاتی نیز مطرح و جلب توجه نماید :

**زبان نسبت به شعور دارای کدام واحدها و صفات است ؟**

**در چهارچوب و قالب زبان نسبت به تفکر کدام واحدها و اشارات جای می**

**گیرند؟**

این قبیل سئوالات هرچه باشد بایستی توسط متخصصین زبان و علم مربوطه مورد ارزیابی و شور و مشورت واقع بشود. مقایسه، اظهار نظر و ارتباطات فوق را میتوان چنین توجیه کرد که زبان واقعاً شعور بوده و در راستای به حقیقت پیوستن آن کمک شایانی میکند و خود زبان مانند شعور مولود نیازها، زحمات و تلاشها بوده

و در ارتباط با علاقه و مناسبت بادیگران بوجود می آید. درست است. زبان حقایق و دلایل شعور را در مراحل مختلف تنظیم نموده و در این نظام جایگاه بس مهمی را برای خود اختصاص میدهد.

عناصر و دلایل موجود در شعور به تنهایی نمیتواند چیزی را به ارمغان آورد لکن بعد از اینکه با زبان ارتباط برقرار میکند خود نیز به حقیقت می پیوندد. بنابراین زبان اسباب و وسیله ظهور شعور است. برای اینکه از نخستین واحد و تغییر زبان تصویر و واحد دوم آن بوجود می آید. تلاش و کوششهای شعور براساس عقلمندی است. بدین ترتیب میتوان گفت که زبان اسباب، علاقه و ارتباط فرم گیری و تشکل فعالیتهای مغزی است. علاقه و فعالیتهای مشترک فوق گرچه تاحدودی مرکب، مشکل و سخت بنظر می آید لکن موضوعی است بسیار قابل تأمل، مناسب با درک و فهم، علمی و منطقی و برای هر محقق که شیفته چنین علمی است جالب و خوش آیند بوده و او میتواند براحتی آن را جذب و هضم نماید.

پیش از این ذکر کردیم که شعور و زبان مولود تلاش و زحمت بوده و تحت تأثیر آن واقع شده است و نیز گفتیم که سعی و تلاش انسانها هم چنین برآیند و نتیجه زحمات آنها و مبارزه با طبیعت در پیدایش و تکامل زبان اهمیت بزرگی را کسب میکند. اگر زبان مولود زحمت باشد و مانند شعور مورد قبول واقع شود میتوان گفت که زبان بعد از سعی و تلاش دومین نیرو و اسبابی است که در تشکل و فرم گیری شعور انسان شرکت میکند. این موضوع را میتوان از ارتباط و علاقه زبان و شعور نیز بطور آشکار فهمید. شعور و عناصر اصلی آن نه تنها در انسانها بلکه در حیوانات نیز قابل مشاهده بوده و هست. در این خصوص میمونها در درجه اول قرار دارند. گرچه اصل و عناصر اولیه شعور در آنها دارای موقعیت ضعیف است لکن در هر صورت شعور است و نمی توان حقایق موجود را انکار کرد و در مقابل عظمت خلقت و وجود واقعیت سرپیچی نمود و در این هستی عظیم و کائنات شگفت انگیز تنها انسان را مورد تحقیق و مطالعه قرار داد.

عناصر اصلی و ابتدائی شعور در حیوانات بصورت راکد وبدون تغییر باقی مانده است در صورتیکه منابع شعور انسانی بطور دائمی در حرکت وتکامل بوده و باکسب نیروی روز افزون مبدل به تفکر شده است. تمایز وتفاوت فاحش انسان و حیوان نیز درست در همینجاست. ناگفته نماند که زبان وشعور نه اینکه بصورت یکطرفه بلکه بطور متقابل ارتباط برقرار کرده اند. اگر زبان در تشکل وفرم گیری شعور از اهمیت وجایگاه غیرقابل انکاری برخوردار بوده است شعور نیز به زبان انتظام واصول بخشیده آن را از طریق روند منطقی قویتر وقابل درک کرده است. این گونه علاقه، تأثیر وارتباط متقابل موجب شده است که هر دو موضوع دوش بدوش و در کنار یکدیگر حرکت نموده ودر سیرتکاملی جوامع بشری تبدیل به یک اهرم ونیروی غیرقابل انکار شده است.

صرف نظر از همه اینها روابط وارتباطات فوق به حد کافی ولازم کنکاش وبررسی نشده ومنظر راه حلهای جدید، مکمل وقانع کننده از طرف اهل علم بویژه روانشناسا میباشد. فعالیت شعور قبل از هرچیز در سیستم لغوی ومعنوی زبان از شرایط و دلایل اساسی پیشرفت وتکامل است. عکس العمل وتأثیر شعور درمقابل زبان بصورت ساده وشخصی نیست بلکه از طریق شعور اجتماعی بوقوع می پیوندد. موضوع از این نظر هم قابل توجه وتذکر است که مواردی را که شعور آن را نمی پذیرد وبعهده نمی گیرد در سیستم لغوی ومعنوی زبان تأثیر و عکس العملی ندارد.

این بدان معنی است که شعور هرگونه کلمه، واژه، گفتار، پندار ومعنی را دربر نمی گیرد بلکه موارد و عناصری از زبان را که دیگر کاربردی ندارد وکهنه شده است کنار گذاشته و موجب تشکل آن بوسیله اصطلاحات، گویشها و واژه های نو، معاصر، قابل درک وفهم، منطقی ومدرن میشود.

شعور علاوه براینکه در ارتباط با زبان موجب بروز امکانات و فعالیتهای زیادی میشود دارای جوانب خاص وپراهمیتی دیگری نیز هست. بدینصورت که شعور به خط سیر دستوری وگرامری زبان نیز راه یافته و دراین راستا برای ظهور وحضور

کلمات معنی دار زیادی کمک میکند. میتوان گفت که این قبیل فعالیت و کمکهای شعور بصورت ارادی صورت نمی گیرد و کنترل آن از دست وعده ما خارج است.

اگر چنین اهمیت و وظیفه بزرگ شعور را در پیدایش کلمات با معنی جدید فعالیت و تلاش مستقل و مخصوص بنامیم اشتباه نکرده ایم. بسیاری از کلمات دستوری و گرامری را حتی بدون اینکه به درستی و یا عدم درستی آن پی ببریم تلفظ نموده، آنرا بصورت صحیح نوشته و حتی محل مورد نیاز و نیز استفاده آنرا میدانیم و متوجه میشویم. چنین خدمت بزرگی را برای ما و زبان ما فعالیت مستقل و تلاش شخصی شعور انجام داده است. بدین جهت میتوان تصور کرد و گفت که ساخت و تشکیل زبان و بیان بطور خود بخود نیست بلکه در نتیجه سعی و تلاش شعور تبدیل به بخش مهم و قوی نطق گردیده و سیستم هم چنین قدرت رهبری خود را به معرض تماشای میگذارد.

هنگامیکه کلمات از قبیل "معنی، توضیح، ماهیت..." را به زبان می آوریم سعی ما این است که کنترل فعالیت ویژه و مستقل شعور را به دست بگیریم. سیستم و تشکل نطق و مکالمه و نیز کلمات دخیل بر آن برای همیشه و بصورت ثابت انتخاب نمیشوند. یعنی آنها با تغییر فرم و نوع فعالیت شعور قابل تغییر هستند. بدین شرط که تکامل و پیشرفت فوق چه بصورت معلوم و چه بصورت مجهول براساس نظم و انتظام فعالیت شعور صورت می گیرد. در اینجا بوضوح میتوان متوجه گردید که فرم گیری و تشکل واحدها و بطور کلی سیستم زبان از طرف شعور موجب ظهور و آشکار شدن یکی از واحدهای بسیار مهم شعور نیز میشود.

کاملاً معلوم و آشکار میشود که مکالمه و زبان اجتماعی ضمن اینکه به جهات متغیر شعور وابسته است تغییرات و تکامل خود را نیز تنظیم نموده و این ارتباط دو جانبه همیشه ادامه دارد. اشخاصی که شعور و زبان آنها تلفیق و برابر شده است در درک و دریافت مسائل، گفتگو، حرکات و رفتار نسبت به دیگران جدی تر و بسیار چابک هستند و ارتباط خود را با گوینده و مصاحبه کننده طوری تنظیم میکنند که در میان آنها هیچگونه فرق وجدائی از نظر زمان و درک مطلب باقی نمی ماند. در صورتیکه در

مورد اشخاص دارای شعور و زبان متفاوت چنین چیزی موجود نیست. آنها مکالمه، سخنرانی و نطقهای مختلف را بجا و به موقع دریافت نمیکنند و بدین ترتیب در مقایسه با گروه اول عقب مانده تلقی میشوند. تفاهم و رضایت سریع و دوشخصی که با یک نوع زبان مکالمه و مصاحبه میکنند نیز درست بدین دلیل میباشد. چرا که تفاوت و جدائی زبان - شعور موجب عقب ماندگی و ضعف فوق میشود.

برای یک انسا تنها دانستن و مکالمه کردن زبان خود کافی نیست بلکه بایستی آن را در حد امکان و در مدت کوتاه بصورت قابل درک و فهم و نیز با قدرت تمام به دیگران رسانده و میدان ادراک خود را نیز بطور بی وقفه وسعت بخشید. بدون درک و دریافت توان، رهبری، جهت دهی، قابلیت و ماهیت شعور و بکار گیری به موقع آن زبان ما در مقابل پیشرفتهای روزانه زمان بطور چشمگیری عقب خواهد ماند و این عقب ماندگی موجب واپسگرایی در زبان اجتماعی شده و ما با دست و شرکت خود اجتماع خود را به پرتگاه نیستی سوق خواهیم داد.

وظیفه، ارزش، جایگاه و اهمیت شعور بدینصورت هم به اتمام نمی رسد. شعور بر همه رفتار و حرکات منطقی و غیر منطقی تأثیر گذاشته و بر همه گفتارها و پندارهای که از نظر معنی و واقعیت دارند عکس العمل نشان داده و وظیفه رهبری و جهت دهی را بعهده می گیرد. همانطوریکه قبلاً نیز یادآوری کردیم در زبان شناسی تحقیق و بررسی "زبان و تفکر" جای موضوع "زبان و شعور" را گرفته است لکن این بدان معنی نیست که موضوع "زبان و شعور" بعنوان موضوع درجه دوم تلقی و تصور میشود. برای اینکه شعور خود تفکر را نیز دربر می گیرد. با اینهمه میتوان گفت که برای اینکه "زبان و تفکر" جای خود را با "زبان و شعور" تعویض نموده است موضوع ماهیت و معنی کلمه نیز در تحقیقات علمی بصورت یک جانبه توجیه و تفهیم شده و بدین ترتیب نصف کار یعنی نیمه مهم کار و موضوع برجای مانده است.

چنین تصور کرده اند که در فعالیت شعور غیر از فهم چیزی دیگری وجود ندارد یعنی در تشکل و فرم گیری کلمه غیر از علم و آگاهی هیچگونه معنی و مفهومی موجود

نمیباشد. این صحیح نیست. اگر موضوع و مفهوم "زبان و تفکر" با موضوع و مفهوم "زبان و شعور" تغییر موقعیت داده و مجدداً مورد تحقیق و بررسی شود میتوان به نتایج صحیح تر و بهتری دست یافت. اینگونه تحقیق و آنالیز چه در جهت فلسفی و چه در جهت زبان شناسی میتواند بعنوان بخش بزرگی از روند شعور مورد مطالعه و شناسائی واقع گردد.

تفکر بعنوان یک حقیقت صورت امر و فهم دنیای مادی است که در مغز انسان صورت می گیرد و به روند عکس العمل بستگی دارد. روند موجود نه اینکه بصورت ساده بلکه در ترکیب و کنار کلمات، جملات و اصطلاحات پیش می رود.

# دیلین ایچ اوزو

کیتابین بو بؤلمه سی نین معنوی ده یرینی سایین دوستوم، دیلیمیزین، کولتوروموزون  
قایغیسینی چکن محمد فرید جنابلارینا سونورام.

## دیل

کیشی نین بوتون یارانمیشلارا اوستون گلمه سی و اونون اوسو، اوسلو- باشلی اولدوغو، چیخار و باجاریسی نین اونو، سه سی اونون اؤز قولاغینا دا گه لیب چاتمیشدیر. ائله بونا گۆره ده او، اؤز ده یرینی داها دا یوکسک لیکلره یوکسلمک ایچین گونده لیک داورانیشلاریندا، چیخیشلاریندا تئز- تئز و اوچا سسله بو اوستونلویو حله دیریلر دورسون، داغین- داشین دا بئله قولاغینا چاتدیرماغا تلس میشدیر. کیشی نین باشقا دیریلره و وارلیغی اولان چئوره یه اییه و بؤیوک اولدوغونون ندنلری ده بیر چوخونون ماراغینی چکمیش، اونلاری بو یۇنده هم ده بیلیمسل اولراق آراشدیرمایا اینجه لمه یه یۇنلتمیشدیر. بیر سیرا بیلگین لر اونون چئوره یه اوستون و اییه اولدوغونو اونون دوشونجه، آنلاییش، قاوراییش و چئویک لیبی ایله باغلامیش و اونو یارانمیشلارین اوستونو آدلاندیرمیش لاردی. بو سؤزه و آنلاییشا دینی کیتابلاردا و دین اؤندرلری نین بو یروق و تاپشیریقلا ریندا دؤنه- دؤنه هم ده آچیق توش گلک اولار. بیز بو بؤلمه ده کیشی نین دیلی ایله ماراقلانیر، اونون چئوره یه اوستونلوک و آغالیق ائتدییی نی ده اونون دیلی ایله ایلیشکیده گۆروروک.

بیز دؤدیگریمیزی بیلیمسل قانیتلارلا قانیتلاماغا چالیشاجاغیق وقاباریق هم ده حامینین ده نه دییی، گۆردویو قانیتلارلا باش وورور، اؤرنکلر گۆستره-

جە بىك. انسانىن گوندە لىك دۇيونتو وچىرپىنتىلارىندا ھابئله ياشامسال چابا وچاليشمالارىندا ھرزاتدان اۇنجه دىلى اورتايا چىخىر و اونون آن ياخين كۇمكى وياردىمجىسى كىمى اۇزونو گۇستىرير. اۇنجه دۇدىيىمىز كىمى چوخ چاغلار او آنلاق، دوشونجه، قاورايىش و تفككورون اۇنمىنى ايره لى سورور و بونلارسىز كىشىنى دە يرسىز و اۇنمىسىز بىر دىرى كىمى تانى بىر.

آما سۇز بوراسىندا بىر كى، سۇيله دىيىمىز چوخ اۇنمىلى دوروملارىن يارانما و ياراندىقا گە لىشىب يوكسك باسامادا دورماقلارى دىلېن ياردىمىندان آسىلى و اونون انسانلار آراسىندا يايلىدىغىندان دولايى دىر. دىل اولمادىقا، چاغداش انسانىن دوشونجه، آنلاق، قاورايىش و تفككورو ايله باغلى ھىچ بىر سۇز دە دۇئە بىلمزدىك. چونكو اونو انسان اندىب دىلە- دىشه سالان دا ائله اونون دىلى دىر. انسان يارانان بىرگوندىن اونون ھرتورلو ھەر چنشىت دانىشىق دىلى بوتون بىلگىن لرى، فىلوسوفلارى، دىلچى لرى ماراقلاندىرمىش و اونلار سارىندان ماراقلى اۇنرى لىر، دارتېشمالار وچكىش- بركىشلىرىن اورتايا چىخ- ماسىنا ندىن اولموشدور. "دىل نە دىر؟" سوروسو ايلايىن بوتون دۇنملىرىندە گوندىمدە اولموش، چنشىتلى يانېتلارلا قارشىلانمىشىدىر. ونرىلن جاوابلار اونلارىن دونيا گۇرۇش و باخىشلارىنى، دىلېن فورمالاشماسىندا درىن ائتكى بوراخدىقلارىنى دا آچىب گۇستىرمدە دىر. دىلچى لىر دىل ايله توپلومون قارشىلىقلى باغلانتىلارىنى، قاقچىلماز ايلېشكىلرىنى دە دوشونموش و اۇنمىلى باجارىلار و اوغورلار دا الە ائتمىشلىرىدى. دىلى چنشىتلى، تورلو آچىقلامالار ايله سونوبلارسا دا، دىمك اولار كى، "دىل گۇستىرلىر و بو گۇستىرلىرىن آراسىندا كى باغلانتىلار سىستىمى دىر". دىلە، اونون توپلومدا و توپلومداكى توتدوغو بىرە دە بىر ونرىكن دە ياناشماق اولار و بونونلا دا دىلېن ايلېشكى و

اورتایا چیخان دوروم و باسامالاردان دولایی بئله بیر آچیقلاما دا اوزہ چیخابیلر :

" دیل کیشیلیرین آراسیندا آن اؤنملی باغلانتی آراجی دیر. یاخود دا کیشیلیرین دو یغولارینین ایفاده و اوزہ چیخما آراجی دیر."

بو او دئمکدیرکی، انسانلارین داورانیشی، دو یغوسال ترپه نیشی، دونیا گؤروشو و توپلومداکی انتکیسی و گؤره وی ده دیلین اؤنده اولماسی ایله بئله اورتایا چیخیر. بوتون بونلاری دوشوندوکده دئیہ بیلریک کی، دیلسیز توپلوم، توپلومسوز دیل تاپماق اولماز. یالنیز بونلار حامیسی دیلین فلسفی آچیقلاما و اینجه لمه سی حابئله فلسفی ده یرلندیریلمه سی و دارتیشیلماسی دیر. دیلین ایچ اوزو، تفککور و دوشونجه ایله ایلیشکیسی، باشقا بیلیم داللارینداکی یئری و ... ده دیلچی لری دوشوندورموشدور. نظری دیلچی لیک هر زاددان اؤنجه اونون ایچ اوزونو، ایلائی و پیسیخولوژی و باجاری ایله ده قارشیلیقلی انتکیلرینی گؤتور- قوی اندیر. دیلی هر دن بیر بیلیم آداملاری توپلومسال اولای اولراق اؤنه سورموشلردی یالنیز دیل اؤزو اؤز وارلیغی قارشیسیندا توپلومسال اولای دئییلدیر. او، وارلیغی، گنرچک لیبی اولان باشقا اولایلار ایله ده یاخندان باغلی و توپلومدا تانینمیش حابئله اؤیره نیلمیش بیلیم داللاری ایله ده یاناشی و قارشیلیقلی اؤیره نیلمکده دیر. دیلین بونجا گنیش، زنگین و درین دوروملارینا باخمایاراق، اونا ۱۹- جو یوز ایلین اورتالارینا دک گره بینجه اؤنم وئریمیر و بیره جک بیر بوتؤو کیمی باخیمیر. چوخ یاخین چاغلاردان بری دیل- دانیشیق قارشیلیقلی اولراق توتوشدورولور، قارشی- قارشیا قویولور، اؤنملی ده یرلر اورتایا چیخیر. بوایسه ف. د. سؤسسور (F.D.Sössür) دن سونرا باشلاپیر. بونولا یاناشی دیلی اینجه له ییب آراشدیرمادا بؤیوک بیر

ماشات و توتار دا قارشیدا دورور. او دا "دیل-دانیشیق" بؤلوملریندن یعنی دیلین پارچالانیب "دیل و دانیشیق" بؤلوملری کیمی اورتایا چیخماسیندان دوغور. داها بیر چه تینلیک ده متلر (یازیلا) ودیل قونوسودور. یازیلا دیل دیر یوخسا ماتریئال دیر؟ دیلی کۆرمک اولار یوخسا یوخ؟ کیمی سورولار هر گون اورتایا چیخیر. ل. و. شئربا (L.V.Şerba) نین دوشونجه سینجه یازیلار توپلوسو دیل دئییل، دیل ماتریالی دیر. بو ایسه دیلچی نین آراشدیرما گنرچه یی و قونوسو کیمی اوزه چیخاییلمز. اوست-اوسته کیشی لرین دوشونجه، بیلیگی و باشقا بیلیک آراجلاری اولان دیل، قورولوشو و کۆره وینه کۆره اوچ هم ده تورلو نئجه لیه اییه دیر:

۱- دیل سیستئمی اونون بیریم و اویه لرینین، بیلیمسل آنلایشیلاری و دوشونوملرینین، سیستئملرینین ایچسل بیرلشیمی دیر.

۲- ایلیسال تاپیلان، سونراکی گه لیشیمه چیخارلی کۆرولن دیل نورماسی دیر.

۳- دیلی، اونون قورولوش و سیستئمینی و نورمالارینی بیلن واونلا-ردان اؤز دوشونجه، ایستک دوغولارینی اوزه چیخارماق و دانیشیق اورونو یاراتماق ایچین یارارلانان کیمسه لرین دانیشیق و چیخیش چابا-سی دیر. ۲۶

## دیلین ایچ اوزو

بو بۆلمه ده و اینجه لمه ده دیلین نه اولدوغو، نه کیمی اورتایا چیخماسی گۆستریدن- دانیشیغا دک دوشونولور و اولدوقجا قارشییبا چیخان سورونلار وچتینلیک لر چۆزلولور. دیل و دیلچیلیک سورونلاری بونونلادا بیتمه ییر و باشقا بۆلمه لرده، دوروملاردا دا اونا توخونور، فیکیر و دوشونجه حابئله گۆر- وش آلیش- وئریشینده بولونوروق. دیل کیشی نین گونده لیک چالیشمالاری، توپلومسال- سوسیال وارلیغی ایله اونجا سیخ باغلیدیرکی، اونسوز یاشامی بئله دوشونمک اولماز. انسانی دیلیندن آیری دوشوندوکده، انو توپلومسال وارلیقدان چیخاریب، بیولوژیک وارلیغا چئویرمیش اولوروق، بیولوژی وارلیغی اولان انسان ایسه، یوخلوق قاداسینا- فاجیعه سینه توتولموش بیریندن باشقا هئچ بیرزاد دئییلدیر. انسانین تورلو- تورلو سؤیله، بویلار، اؤیکو وناغیلار، سانیم و فرضییه لر ایره لی سورمه سی و دیلین نه اولدوغو ایله باغلی بوتون دوشونجه لری و چالیشمالاری حامیسی و حامیسی او اؤز دیلینی اؤیره نیب، دوشونوب، آنیب و منیمسه یندن سونرا باش وئرمیشدیر. بونلار حامیسی کیشی نین توپلومسال یاشادیغیندان آسیلی اولراق اورتایا چیخیمشیدیر.

ایره لی سورولموش اؤنری و چابالارین حامیسی بیلیمسل اولمامیشدیر بلکه اونلارین هرده نی ایسه بیلیمدن- علمدن قیراق اولموشدور. اونلارین ایچه ریسینده ایدئالیزم ده گۆزه چارپمیشدیر. بونا باخمایاراق دیل اؤز ده یرینی و

اۋنىمىنى ايتىرمە مېش، گونو- گوندن يىنى تاپىنتى و گە لىشمە لر ايله اۋىرە نىل- مېشىدىر. حلە چوخ اوزون چاغلاردان باشلاياراق دىلېن اۋزو و چىخارى ايله آنجاق انسانلار دىئىل، گۈيسل و دىنى كىتابلار دا ايلكى لىمىشىدىر. او بۇلومدن "اينجىل"، "تورات" و "قرآن كرېم" دە دىل ايله باغلى ايكى اورتاق دوشونجە و تفككور ايله اوز- اوزە چىخىرىق :

۱- اولو تانرى آدمى- انسانى ياراتدى و دونىدادكى ەربىر زادىن  
آدىنى اونا اۋىرتدى.

۲- اولو تانرى آدمى- انسانى ياراتدى و دونىدادكى ەربىر زادىن  
آدىنى اۋىرنمە يى اونون اۋزونه بوراخدى.

بىرىنچى تفككورده انسانا داھا چوخ اۋىرە نن و ايكىنچى تفككورده داھا چوخ آراشدىرىجى كىمى دە ير وئرىلمە سىنە باخماياراق ەرايكى دوروم دىلېن اۋنملى اولدوغونو و انسانىن ياراندىغى گوندن وارلىغا قووشدوغونو گۈستىر. تانرىنىن ەر اولوسا، ائللە اونلارىن اۋز دىللىرىنى دوشونن و بىلن اۋندىرلر سىچىب گۈندرمە سى دە دىلېن نىجە دە يرلى اولدوغونو بىر داھا دا آچىقلاير و آيدىنلادىر. آنتىك، اورتا، يىنى و داھا يىنى دۇنلردە دىلېن نىجە و خارادان ونە اىچىن تاپىلىب اورتايا چىخماسى ايله باغلى بىرچوخ دوشونجە و سانىملار ايرە لى سورولموشدور. ياللىز اونون بىلىمسىل آراشدىرىلماسى و بار تىشىلماسى ۱۸- جى يوز ايلردن سونرا ەم دە اۋزگور دىلچىلىك بىلىم دالى قورولاندىن سونرا باشلانمىشىدىر. دىلى گرەك- ك- احتىياج ايله باغلايانلار دا اولموشدور. اۋرنىك اىچىن اىلايمىزدان اۋنچە يونانىستان فىلوسوفو  
/ئىپكور(Epikūr) دىمىشىدىر :

- دىل و اونون تاپىلماسى دىرى لىيىن و انسانىن گوندىە لىك گره ك لرى ايله باغلى دىر و اونلارنىن گره بىندن و گره كلرىنى بىر- بىرلرىنە سۇيله مك زوروندا قالدىقلارىندان دوغوموشدور.

بو، دىلېن تاپىلماسى نىن بىلىمسىل اينجه لمە سى و آچىقلاماسى دىئىل، اونون ماتىرىياللىست چۇزومودور. چونكو بونو باشقا يۇندن، آچىدان دا يوزوب آچىقلاماق اولوملودور. بئله بىر دوشونجه دە اىره لى سورولموشدور كى، انسان و دىل هر ايكىسى امك ايله باغلى اولموش، بىر چاغدا دوغولموش و بىر چاغدا اورتايا چىخمىشىدىر. دوزونە دورورساق، دىلېن كۇكو وقايناغى ايله دە ايلگىلى مسئلە يە ياناشماق دىلچىلىك دىئىل دە، فلسفە قونولارى ايله باغلانىر. اما بونا باخمايaraq سۇز قونوسو اولان دىل قايماغى حامىلىق دىلچىلىكدن دە بىر اونجا آىرى و اوزاق دىئىلدىر. اولابىلسىن كى، ايلك اۇنجه انسانلار دوشمنە قارشى، كۇروش و بىلىش اچىن بىر آرايا گە لمىش و بىر يئره توپلانمىش ونە ايسە بىر- بىرلرىنە دىمك ايستە مىشلىرى و بو ياخىنلىقدان، گره كدن، تانىش لىقدان دا دىل تۇرنمىش و كۇنىش لنىمىشىدىر. بو آچىقلامالار و اينجه لمە لر سايجا اوزون و چوخ اولسا دا، ايلكىن انسانىن و اونون ايلكىن سە سىنىن حارادا و نئجه اولدوغو چوخ اوزاق دۇنملرى دوشوندورور وحلە دە بىرچوخ سورونلارنىن چۇزولمە مىش اولدوغو دىولور. ايندىكى دونيا دا بونجا بىلىك، بونجا گە لىشمە و تىكنىك كۇزە چار پىرسا دا، دىلېن نە اولدوغونو، يارانما و گە لىشمە اىلايىنى اۇيره نىب دە دولغون و دوزگون بىلىك آلدە ائتمك اچىن بىرچوخ بىلىم داللارى و بۇلمە لرى گره كلى دىر. بونلارنىن حامىسى بىر آرايا گە بىلمسە دە بئله آن آشاغىسى بو دۇرد بىلىمسىل بىلىك داللارى اولمايدىر :

- ۱- چاغداش حامىلىق دىلچىلىك و اونون گۇستىرگە لىرىلە باغلى اولان سىمى اوتىكا (semiotika) - گۇستىرگە لىرىلە باغلى بىلىم.
- ۲- چاغداش پىسىخولوگىيا و دانىشىغىن پىسىخولوگىياسى.
- ۳- اىكىنجى سىقنال سىستىمى نىن فىزىيولوگىياسى، دانىشىغىن نورمال و پاتالوژى نىروپ سىخولوگىياسى.
- ۴- بىنىن و دانىشىق چالىشماسى اورگانلارى نىن قورولوش مورفولوگىياسى.<sup>۲۷</sup>

ادلارى يوخارىدا چكىن دۇرد بىلىك بۇلومو و بىلىم آىرىنتىلارى دىل و دىلچىلىك اىلە ياخىن، ائلە سىخ باغلىدىرلاركى، اونلارسىز دىمك، دانىشماق، سۇز آچىپ سۇىلە مك، دوشونجه و آنلايش اىرە لى سورمك حابئله دىلە مك ويا خود قاوراماق اولاسى دىئىلدىر. بئله كى، ەربىر سۇىلە بىجى و چىخىش ائدن اۇز دىنلە بىجىسى اىلە دىئىلن يۇنلرىن ەربىرى اىلە اىلىشكىدە اولمىلدىر يوخسا اونونلا دىنلە بىجى نىن آراسىندا آىرىلىق و آنلاشىلمازلىق تۇرە نە چك. چاغداش انسان اىلە اىلكىن و اورتا دۇنم انسانلارىنىن آراسىنداكى آىرىلىق دا قونونو ەم آىدىنلاشدىرىر ەم دە گرگىز. لىشدىرىر. چونكو بىرىاندان اونلارىن آردىل گە لىشمە سىندن بىرىاندان اىسە اونلارىن اىلك يارانىشدان اىندىكى كىمى اولدوغوندان سۇز گىدىر. انسانىن داشدان و باشقا زادلاردان ياراتدىغى و قوراشدىردىغى آراجلار اونون بىنىنى نىن گوجلۇ چالىشماسىندان و گونو- گوندىن اىرە لىلە مە سىندن سوراق وئىر و بئله لىلكە اىلك انسان اىلە اورتا وچاغداش انسانىن بىر اولمادىغىنى گۇستىر و بو دۇنملر اىستىر- اىستە مز بىرنىچە بىرە و بىرنىچە يارىم دۇنمە بۇلونورلر :

۱- كۈنئى تىپى ( رودئىيا ).

۲- كلاسىك تىپ ( شاپئىل ).

۳- پرىنساپى يىنت تىپى ( شى تىن كىم - انرىنگس دورف ).

۴- كىچىد تىپى ( فىلستىن ).

انسانلار چىشىتلى تىپلەر بۇلونمكلە دە اونلار دىل - دوشونجە ھابئەلە گە لىشمە سورونلار بىتمە بىر. اونلار بىئىنلر نىن كىچىك - بۇيوكلويويلە دە سالىب - چىخىرلار وبو بىللمىسل ادبىياتدا داھا چوخ گۇزە چارپىر. بئلكە كى، اىلكىن انسانىن و انسانا بنزر حىوانلار دىن بىنى نى اۇلچور و آشاغىداكى كىمى اۇلچو سايىلار و ئىرلر :

اورانق - اوتانق - ۴۴۳ كۈب سانتىمىتر، شىمپانزە - ۴۱۰ كۈب سانتىمىتر، پارانت روپ - ۶۵۰ (۸۱۵ - ۴۹۰) كۈب سانتىمىتر، قورىلا - ۵۱۰ (۶۸۵ - ۲۱۵) كۈب سانتىمىتر، سىنانت روپ - ۱۱۰۰ - ۱۰۰۰ كۈب سانتىمىتر، نئاندرتال آدمى - ۱۶۰۰ - ۱۱۰۰ كۈب سانتىمىتر، آوسترالوپىتئك - ۶۵۰ كۈب سانتىمىتر، چاغداش آدم - ۱۷۰۰ - ۱۲۰۰ كۈب سانتىمىتر.

بو اۇلچو و اۇلچو سايىلار گە لىشمە باخىمىندان و بنزلىك گۇزو اىلە باخىلمىش و ھر گون دە بىشە بىلر. اۇنملى بوراسى دىركى، سۇزو كئىن بىىن لر دىل و اونون تاپىلىب گە لىشمە سى اىلە نئجە و نقتد اوىغونلوغو، اىلكىسى وباغلىلىغى وار دىر. بو بىلگىنى و گۇروشو اىرە لى سوروب قونونو قانىتلاماغا چالىشانلار بونو دا يىترلى گۇرمە مىشلردى و انسانىن دوشونجە و آنلاق ياتاغى و قايناغى اولان باشىنىن تاغ اولاراق حوندورلويونو دە گۇتور - قوى انتمىش و بئلكە بىر سونوج چىخارمىشلاردى :

پېتئۇكانتروپ و سىنانتروپدا / ۶۲،۹ م. م. ، شىمپانزە دە ۴۲،۵ م. م. ،  
نئاندۇرتال آدمىندا (جبل الطارقدا تاپىلمىشىدىر) ۸۱،۱ م. م. ، چاغداش  
انساندا ۸۹ م. م. دىر.

بونلارى قارشى - قارشىيا قويدوقدا ھردن بىرىننن انسان بئىننە و باش  
يوورلاغىنا ياخىنلىق و اوزاقلغى دا اوزە چىخىر. بئىنن اۇلچولرىنى و باشىن  
تاغ حوندورلويونو دېلېن و دوشونجە نىن و گە لىشمە نىن باشلىجا ندى و  
قانئىتى كىمى گۇتورموش اولورساق دىمك اولاركى، نئاندۇرتال آدمى چاغداش  
انساندا داھا چوخ گە لىشمە لى و بوتۇولشمە لىدى. يالنىز گۇرچكە بونون  
ترسى گۇرونموشدو. بو اۇزو دە يئنى سورون و مسئلە اورتايا چىخارمىشىدى  
ويىلىم آدمالارىننن باخىشى و دوشونجە سىنى اۇزونە دوغرو يۇنلتمىشىدى.

آراشدىرىجىلار بىرچوخ اينجە لمە و گۇتور - قويلاردان سونرا باشا  
دوشموشلركى، بو ترسلىك و دە بىشىكلىك بئىنن اويە لرېننن آراسىندا اولان  
اويغونلونغون دە بىشىلمە سىندن دوغموشدور بئلە كى، نئاندۇرتال آدمى نىن  
باشى نىن - بئىنى نىن اۇن بۇلومو چاغداش آدمى گۇرە داھا آز دىر. باشىن اۇن  
بۇلومو - " آلن " سۇزو گۇدن بنزر يارانمىشلاردا ھم آيرىقلى، ھم دە ياخىندىر.  
بو اۇزو دە بئىننن ياسسىلانماسى، بۇيومە سى و گە لىشمە سىندە ائتكىلى اول  
بىلر و سونوجدا دىلى و دانىشىغى اولان بىرىندە اۇن ايشىنى ياپار. دئىلن ھمىن  
بنزىرلىك و آيرىلىق بئلە آلدە ائدىلمىشىدىر :

سىنانت روپون آلنى نىن ائنمە بوجاغى ۶۰،۵ ، چاغداش انسانىكى  
۹۰ و نئاندۇرتال آدمى نىن آلنى نىن ائنمە بوجاغى ۶۳ بۇلە جە دىر.

بونلارىن ھامىسىنى گۇتور - قوى ائتىدكە اونلارىن ائتكىسىنى و تۇرتد -  
يكلرى دە بىشىدىرمە لرى دە گۇروروك. بونجا آراشدىرمادان، اينجە لمە دن و

بیلیکن سونرا، یئنه ده هرگون یوزلرجه چۆزولمه میش، ایندییه دک تانیب اوزه چیخمامیش مسئله اورتایا چیخیر یارانیش گیزلریندن و گوجوندن سوراق وئریر. دوغروسو بونجا سۆز، سس، آنلایش، گه لیشمه و انسان اۆزو و اونون بیین آدلانان آنلاق یئری، بلیک یاتاغی نجه و نه چاغ یارانمیشدیر؟! بوسورو تورلو- تورلو یانیتلار و جاوابلار آلسادا بئله، اونون قورتولموش و حامینی دوشوندورن جاوابی اولدوغو کیمی دورور. اوزون کئچمیشی اؤرنک اولراق کؤتورسک دئمک اولارکی، انسانین و اونون آن کؤرکملی یونسو و قازانجی کیمی آدلانان دیلی نین نه اولدوغو حابئله اونون ده یری حله چوخ زامانلار سۆز قونوسو اولراق دوروب یاشایاجاق و بیلم آداملارینی اؤزللیک دیلچی لری ماراقلاندیراجاقدیر. آمه یین گندیسی و گونو- گوندن ده یر تاپماسی وهردن ایسه ده یردن دوشوب تاپدانماسی اۆزو اؤزلویونده اولدوقجا درین آراشدیرما کۆزله میش و اونون دیل ایله ایلیشکسی داریشیل میشدیر. آمک اورتایا چیخاندان سونرا آمک آراجلاری دا گه لیشمک زوروندا قالمیشلاردی و بو آمک آراجلارینین آدلاری اۆزو ده دیله سؤیکنمیش و اونونلا تانیماقدا اولموشدور. آمک آراج و سنه لرینین اورتایا چیخماسی انسانلارین دوشونجه سیندن دوغومشور، اونون اوزاق کۆرن لییندن و گله جه یه آچیق باخیشیندان یارانمیشدیر. بیر یاندان دا دوشونجه ایله دیلین سیخ باغلی لیغی واردیر و بو ایلگی دیلی آمه یه، آمک آراجینا، بیر سۆزده گونده لیک انسان چالیشماسینا گه تیریپ و بئله لیکه ده دیلین هر یۆنده دوشونجه، آنلایش و تفککور کیمی ده یری، گرہ کلی و قاباریق بیر دورومدا اولدوغونو کؤستیریر. دیل دئیکده ایسه سسلی- سۆزلو چیخیش و دانیشیق دوشونولور و بو اوزاق

کئچمیشلرده یاشا میس سویداشلاریمیزین، آتا-بابالاریمیزین اۇنجه گۇستری ایله قوردوقلاری و آن-آن گه لیشدیردیکلری وارلیق سیستمی دیر.

بورادا بئله بیر سورون-مسئله اورتایا چیخیرکی، اگر دیلی دانیشما و تانیما آراجی اولاراق گۇتورسک، سسلی-سؤزلو و آیدین دانیشیق اونون چئشیتلریندن بیرى هم ده آخیرینجیسی دیر. بو آیدین و به للی-باشلی دانیشیق توپولملارین و انسان اوغلونون چوخ اوزون ایللر گئنتدیسی وبو گونه گه تیریپ چیخاردیغی گه لیشمه یولودور. انسانین اوزاق کئچمیشده توپلو و سورو کیمی یاشادیغینی دوشونوب داشینماق دیلین آراجی اولدوغو قاقچیلماز دیر چونکو دیلسیز و تانیما آراجیسی اولمادان توپلو اولاراق یاشاماق اولاسی دئییلدیر. بو اوزدن ده، توپلومدان و توپلو اولاراق دیرلیکدن سؤز گئنتدیگه ایستر ایسته مز دیلین اؤزو، وارلیغی و اؤنمی اوزه چیخیر. اگر دیلین ایله لرینی-گۇسترگه لرینی دیلین باشلانغیجی کیمی ده یرلندیریب اونا قول قویوب اوی وئریرکسه، دئمه لیبیک کی، یالنیز انسان دئییل، بوتون دیریلر دانیشیر حابئله تانیشلارلدی. چونکو اونلار حامیسی توروندن و چئشیدیندن آسلی اولمایاراق آنلاشیرلار. بیز حامیمیز بیرچوخ بویلاردا و یازیلاردا اوخویوب، ائشیدیب گۇرموشوک کی، بیلگین آداملار، دونیا گۇرموش کیشی لر، اوزاق گۇرن و باشاریلی کیمسه لر قوشلارین دیلینی بیلیر، اونلارلا قونوشورموشلاردی. بو اوزدن ده بیرسیرا آنلاشیلماز دانیشیقلا "قوش دیلی"، "قارغا دیلی"، ... ده بئله دئمیشلردی. بو دئدیکلریمیزی بویلاردا اوخویوب، دویوب، اؤیرنسک ده، ماللارین و قوشلارین گۇستری ایله آنلاشیب قونوشدوقلارینی دانا بیلمه ریک. قوشلارین و ماللارین دیلی-دیلسیزلیکلری و دانیشیب دانیشماماقلاری آیرجا بیر آراشدیرما و اینجه لمه گودور و بورادا

اونلارین دیلی نین انسان ساریندان دوشونولمه سی سۆز و اورتادادیر. بونلار آیری- آیری آراشدیرما و اینجه لمه لر و آیری- آیری یانیتلار گۆزله ییرلردی. قوشلارین و بیرسیرا مه لی ماللارین دیللی و اوردیر یوخسا یوخ؟ سوروسو چاغداش دؤنمه بیلیم آداملارینی اؤزونه دوغرو یؤنلتمیش و بونولا دا بیرچوخ سودا و قورودا یاشایان جانلیلار دیللی اولاراق بیلیم دونیاسینا سونولموشدور. بونا اؤرنک اولاراق موسکوا دؤولت بیللی یوردونون آراشدیرمچیلاری ۵۰۰ دن چوخ سودا و قورودا یاشایان (قورباغا، جاناوار،...) حیوانین دیللی- دیلسیز اولدوغونو آراشدیرمیشدیر. قوش دیلینینی اینجه له ییب اؤیره نلر اونلارین هر دن بیرینی نین نه یه بنزه دیلینی حابله هئرتز اولاراق گوجونو و نجه لیلینی ده اوخوجویا سونموشدور. اؤرنک ایچین تویوغون دیلی ۲۰۰ هئرتز تزلیلکی دییپازونا اویغون گه لیر و اونولا اوست- اوسته دوشور. آما بو بئله جه ده بیتمه ییر، تویوغون چنیشیتلی دوروملاری اولور و او بؤلومدن ده تالاش و چیرپینتی بیلدیرن دوروملاری تورلو سیقناللاری گؤستریر.

" هر اوزده قوشلار دانیشیرلار، اونلارین دانیشیق بؤلمه لری حابله بؤلوملری چیغیر تیلا، فیتلر، ایلیشکی، به لیرلی ایسی و قوخلار، ایشیق، آلابزک لکه لرین یاردیمی ایله سیقنال وئرمه، آنورمال دوروش، ... " ۲۸

قوشلارین دانیشیق دیللی گؤستریلر و ایشارتلردیر و بیلیم آداملاری دئمک اولارکی، ۵۰ - ۴۵ ایل بوندان اؤنجه قوش دیلی ایله ماراقلانمیش، اونو آراشدیرمایا باشلامیشلاردی. بو چالیشمالارین سونوجوندا ۴۰۰ دن چوخ جه- جه و قوش سسی توپلانمیشدیر. آن چوخ حای- کوی سالان قارغالار

۲۸-Pravda qazeti, 23 sentyabr, 1982. " quş dili , o necədir ? "

اولموش و ۳۰۰ دن آرتیق قاريلتی اورتايا چيخيمشيدير. بو چيغيرتی وقاريلتی-  
لارين ھامیسی نين نه اولدوغو آيبرد ائديلمه سه ده، اونلارين بيرسيراسی نين  
آنلامی و گؤستردییی آنلاييش بليرلنميشدير، اؤرنک ايچين اگر قارغا آرا وئرمه  
دن هم ده بوغوق قاريلداييرسا، دسته- آلاي تارلادا توپلاشماليدير.

اينديكى ديل و ديلچيليك بيلمی بوتون گوجو وھيزی ايله ايره لی سورور  
وياخين گله جكه بيرچوخ سسلر وديلر داھا دا آيدينلاشاچاقدير. بونولدا  
ديله و اونون ده يرينه قوشقو ايله باخانلار بيرآز دا اولورسا آيلاجاقلار.  
اينديكى توپلومدا بير سيرالارينا ائله گه ليركى، ديل بيراونجا دا اؤنملي دئييل و  
ھرکيمسه ھرتور ديل ايله ياشاميني سوردوره بيلر. بونلارا دئمه ليبيک كي، اگر  
سوردورمكديرسه دوزدور، سوردوره بيلر. آما اگر نئجه ونه بين باھاسينا  
سوردورمكدير يوخ، ھرکيمسه ھر ديل ايله يارانيشين اونا باغيشلادى  
وارليغي سوردوره مز، سوردوره بيلسه يدى دونيادا بونجا سوي، ديل، دئيم-  
دويوم، اؤيره نيم و اؤيره تيم اولمازدى. ديللرين اؤزلرينده كي چيخار و  
گؤزليک اونلارين بيرله شيمينده ھابئله توپلوسوندا يوخدور، اونلارين اورتاق  
وبنزر بؤلوملري، ياخين آنلاييشلي پارچالارى اولاييلر آما چئشيتلى سويلارين  
چئشيتلى بوغازلارى وتورلو ياشام بؤلگه لرى واردير وبو چؤره لر ديلين گه  
ليشمه سينده، سسين توتوم و اؤلچوسونده بؤيوك ايز بوراخميش و ھردىلى  
اؤز اولوسونا، سويونا ھابئله توپراغينا اؤزل ائتميشدير. اؤنجه سؤزونو  
و ديلىنى قونوشدوغوموز قوشلار و اؤزل اولراق قارغالار بئله ياشادىقلارى  
بؤلگه دن وباغلى اولدوقلارى سويدان آسيلي اولراق بير- بيرلرينين ديللريني  
باشا دوشمورلردي. بو دا او دئمكديركى، آيرى- آيرى سيقناللار بوراخيلار.  
اؤرنک ايچين لئنته يازيلميش فرانسيز قارغالارينين سسينه آمئريکا قارغالارى

یانیت وئرمه میشلردی. بو نه یی بیلدیریر؟ دئمک دیلر هم قوشلاردا، هم ده باشقا دیلی لرده بیر دورومدا وتوتومدا دئییلدیر.

بوندان باشقا، آراشدیرمالار گؤستمیشدیرکی، کؤی قارغالارینین دیلی شهر قارغالاری نین دیلی ایله بیر آز آیریقلی دیر چونکو اونلار آنلاشاییلمیرلر. بونو دا دئمک گره کیرکی، قارغالارین بیرسیراسی گزری وکؤچری دیرلر. بونلار یئرلرینی ده بیشدیکه یئرلی قاریلتینی- دیلی منیمسه بیر، باشا دوشور، آنلاییلار. بو ایسه او دئمک دئییل کی، قارغالارین حامیسی بونو باجاریر یوخ، قارغالارین هر دن بیر یی بو چیخارا وباشاریا اییه دیر. انسانلار دا بئله دیرلر. یئرینی- یوردونو ده بیشیب باشقا دیلی بیر بؤلگه یه گئنده اونلارین حامیسی یئرلی دیلی هم ده قیسا سوره ده اؤیره نه بیلمه ییر، حله ائله سی اولورکی، یاشامی نین سونونا دک او یئرین دیلینی منیمسه یه بیلمه ییر. بونلارین حامیسینا باخمایاراق، قوشلارین دیلی یالئیز ایلیشکی قورما، آنلاییش اورتایا چیخارما، ماراق وایلگی آراجی دیر. اونلارین دیلری بیزیم دیل اولاراق دوشوندویوموز دئییلدیر. بونو ایسه بیلیم آداملاریندان بیر سیراسی او بؤلومدن کونراد لورنس (Konrad Lorenz) اینانمیشدیر. اونون بیرایل بویو قازلارین تورلو- تورلو، چوخ قاریشیق سسلرینی اؤیره نیب منیمسمه سی، آراشدیرماسی اولدوقجا ماراقلی دیر. قازلار اونون سه سینی، قاقققلتی سینی قاورامیش و بئله لیکله ده اونون ایسته دییی کیمی داورانمیشلاردی. اؤرنک ایچین او ایسته ین چاغدا سودان چیخیر، سویا توللانیر، چیمئلرده یایلانیرلاردی. قوش دیلی ایله اوغراشان بیلگین لرین اورتایا قویدوغو داحا بیر اؤنملی قونو دا واردیر. او دا بودور کی، قوشلارین بالا ووجه لری دوغان بیر آندان باشلایاراق اؤز آنا دیلینی منیمسه ییر. بئله کی، یومورتادان چیخان کیمی آنا-

ئاتاسىنى باشا سالا بىلن اولچودە قونوشايلىر. اما انسانلار بىلە دىيىل دىر. انسان اوشاغى دوغولاندىن نىچە آى سونرا آنلايىشلى قونوشمايا باشلايىر. او، آنا قارىنىدا اولاركن سىسلىرى و اونون آشاغى- يوخارى اولچولرىنى اۇيرە نىر يالنىز دوزنلى اولاراق سونرادان قونوشايلىر. قوشلار ايله انسان آراسىندا اولان بۇيوك آيرىلىقلاردان بىرى دە بودوركى، قوشلار اوزگە دىلى اۇيرە نە بىلمىرلر اما انسانلار اوزگە دىلى اۇيرىنمك باشاريسىنا ايىە دىرلر. بورادا اونون- انسانين " بوتون يارانمىشلارىن اوستونو " اولماسى بىر داھا دا اوزە چىخىر. قوشلار اوزگە دىلى اۇيرە نە بىلمە سە لر دە، كۇرپە چاغلارىندا باشقا سىسلىرى و اوخومالارى آلىر و اۇيرە نىر يالنىز اوز دوغما دىلىنى ايتىرىر و بىر داھا اونو باشا دوشە بىلمە يىر. دىئىس باررىنقتون (Deyns Barrington) كتان قوشونون جوچە لرىنى چمن، چۇل و اورمان قوشونون يانىنا قويور وگۇروركى، كۇرپە قوشلار اونلار كىمى اوخويورلار. ائلە كى اونلارى دوغما آنالارى يانىنا قايتارىر اونلارين دوغما دىللىرىنى بىلمە دىكلرىنى دويور. بو ايسە او دىمكىدىكى، قوشلارين دىلى دە توپلومسال تاپىنتى و اولادىر. چونكو اونلار كۇرپە لىكدن نىچە اۇيرە نىرلرسە ائلە دە داورانىرلار. بونون ايسە يوزە- يوز دوزگون اولوب اولماماسى بىراونجا دا قولاي دىيىلدىر. انسان ايله قوشلارين دىللىرى آنجاق آىرى- آىرى دىيىل، قارشىلىق لى اولاراق دا آراشدىرلىمىشىدىر. بو دىللىرىن بىرى- بىرىنە چئورىلمە قونوسو و دوشونجە سى دە بىرسىرا بىلىم آداملارينىن ماراغىنى چكىش و اونلارى بو يولا و يۇنە يۇنلتمىشىدىر. وئىتزل (Vetzel) [آلمانيا] ۱۸۰۰ ايلردە بىرسىرا مالين او بۇلومدىن پىشىك، ايت، تويوق و باشقالارينىن دىللىرىنى درين آراشدىرمىش حلە اونلارين دىللىرى ايچىن سۇزلوك دە توپلامىشىدىر. اونون

دوشونجه سینجه ماللار انسان دیلینی باشا دوشورلر. قوش دیلینه سؤزجوک و سؤزلوک دوزنله ییب اونو چئویرمه یه قالخیشان آنجاق وئترئل دئییل دیر. دوپون (Düpon) [فرانسیز] ۱۸۰۷- جی ایلده قارغا دیلینین سؤزلویونو دوزن له یرکن، بولبول دیلینی فرانسیز دیلینه چئویرمیشدیر. گؤروندویو کیمی دیل و گؤسترگه لر، آنلابیش و دوشونوملر هرحانکی یارانمیشدا اولورسا اولسون اولدوقجا اؤنملی هم ده دیری لییین بوتون قول و بؤلمه لری حابئله یۇنلری ایله سیخ باغلی و دیل اییه سی نین اوستونلوک گؤسترگه سی دیر. دیلین نئجه ماراقلی اولدوغودا دیلچیلیک بیلیمی گه لیشدیکده داها چوخ اوزه چیخاجاقدیر. ایش- گوج، امک چالیشماسی، گونده لیک گره کلر ایره لیله ییب آرتدیقجا ایستکلر، یئرکلر ده آرتیر و هر بیر یئنی آددیم گونده لیکده یئنی ایز بوراخیر. بو یئنی ایزلر دیلین هم ایره لی سوردورولمه سینده هم ده یئنی لشمه سینده یارارلی اولور. اورنک ایچین ایراندا بیرننچه ایل بوندان اؤنجه یه دک وهردن بیر یئرلرده ایندی ده ایکی قیرانلیق ایله چالیشان تئلفونلار واردی. ایکی قیرانلیق پاراسی بو تئلفونو چالیشدیرا بیلمه دیکده زنگ آچماق ایسته ینلر آجیغا دوشور، سینیری پوزولوردو. ائله بو اوزدن ده گنج باشا دوشن آداملارا "ایکی قیرانلیغی دوشمور- دوشمه دی" دئییرلردی. بو سؤز، ایکی قیرانلیق ایله چالیشان و ایندی یئرینی یئنی کارت تئلفونلارینا وئرن آراجین ایرانا گه لمه سی ایله باغلی یارانمیشدیر. بو آراج آرادان گتتدیکده اوندان یارانان دئییم و سؤز ده آرادان قالخیر. دئمک تئخنیکی گه لیشمه لر دیله قوشولور، اونو اؤیره دیر هم ده اؤیره نیر. باشقا بیر اؤرنک گه تیرمکله داها دا آیدینلاشابیلریک . "سونو" آدینی داشییان تئلوویزیون و باشقا زادلار حامی نین ائوینده بئله اولماسا دا، سونو سؤزو ایله حامی تانیشدیر. "پراید" آدلی آرابا حامی نین آیاغی آلتیندا

اولماسا دا، اونون آدینی انسانلارین بیرچوخو ائشیتیمیش و تانیبیر. دئمک هرزاددان اۇنجه دیلین ایلکه لری و سۇزجوکلری یاییلیر و تخنیککی گه لیشمه لر اۇزو ده ایستر- ایسته مز دیلدن آسیلی اولور.

## دانشیق و چالیشما

بوندان اۇنجه ده دۇدییمیز کیمی دیلین انسان یاشامیندا گوجلوسو وبۇیوک اۇنمی، دورومو، ده یری و آپاریجی رولو قاچیلماز دیر. اونو انسانین بوتون قوللاردا، یۇنلرده چالیشدیغی چاغ اۇنده هم ده قاباریق اولاراق گۇرمک اولور. بونا باخمایاراق کئچمیش چاغدان باشلایاراق دیلی انسان و اونون یاشاییشی ایله ائله باغلایانلار دا اولموشدورکی، دیلین آپاردیغی یۇندن باشقا یۇنه، یولا چیخماق اولماز، اونون چکیدی چیزگی وتاساریدان قیراقتا دوشونمک اولاسی دئییلدیر. بو دوشونجه یه گۇره انسان دیلی نین دۇدیکلریندن باشقا هئچ بیر زادی دوشونمور، دویمور وبوتون داورانیشلاری، قاوراییشلاری، ترپه نیشی، اۇیره نیشی، اۇیره تیمی،... دیلن آسیلی اولاراق دورور. یئنه ده بو دوشونجه یه گۇره دیل انسانین تفککورونو، آنلایشینی، چنوره ایله باغلی آلابیله جه یی بیلگی وبیلکیری، گۇتور-قوی گوجونو ده فورمالاشدیریر. بو سانیمین و دوشونمون(فرضیه) آدی "سه پیرا/اورف (Sapir-Uorf)" دور. بو سانیم و دوشونجه اورتایا چیخدیقدان سونرا دیلچی لر و فیلوسوفلار بونا بۇیوک تپکی گۇستردی و ائلئشتری آتیشینا توتدو. یوخاریدا دئییلن دوشونجه یه قارشى چیخان بیلیم آداملارینین سایسیسسی چوخدا اولسا بئله کیمسه اونو کسین لیکله آتامادی، ردد ائده بیلمه دی. حله سونرالار اونونلا ماراقلانان دا اولدو. سۇزو

گئدن دوشونجه نین سونوجو وییغجامی بئله دیرکی، "انسان، دیلین آنلاملی وارلیغینا گیرندن سونرا دوشونور، آنالاییر، یارادیر، چالیشیر ویاشاییر".

بونا مارقا گؤستریب قارشى دوران دیلچى لرین حله ده اونو اینجه له ییب سونوج چىخارایبلمه دیکرینی وورغولایان کیمسه لردن بیرى ده، آدلیم و.آ. زیوئگینتس /ئو (V.A.Zvegintsev) اولوب.<sup>۲۹</sup> گئرچکدن ده اوندان قولایلیقلا قیریلیب و اونو آتماق اوزون سوره لی بیر چالیشما و آراشدیرما گؤزله ییر. باشقا یۇندن ایسه سانیمدا (فرضیه ده) دیلین بیرآز آباردیلدیغى و شیشیریلدیى گۇرونور. آما بیز بوندان اۇنجه دیلین توپلومسال-اجتماعى تاپینتی اولدوغونو، اۇزونه گۇره آلت قوروم اولدوغونو دوشونوب- داشیندیق.

بوايسه هر نه یی بیغیب دیله وئرمه یه و دیلدن سونرا دوشونمه یه وچالیشمایا باشلاما فیکیرینه وسانیمینا(فرضیه سینه) اویغون گلمه ییر. دیلین گرجو وائتکسی زامان اۇتدوکجه، بیلگی و بیلک گئنیشلندیکجه داحا چوخ و آیدین اوزه چىخاجاقدیر. بو اونجا درین، گرگین، چوخ یونلو وزنکین بیر قونودور کى، بیر نئچه یوزایلین ایچریسینده اونون بوتون سورونلارینی چؤزمک و دویونلرینی آچماق اولماز. دیل هرئئرده وهرچاغ سه نینله دیر. دیلین فیزیولوژی، بیوکیمیوی ائتکی لریندن ده سؤز گئتمیشدیر. بو چالیشما و دوشونجه یه گۇره دیل قاندا، اورگانلاردا، آدی چکیلمه ین آما دوشونولن قونولارا بئله ائتکیلی اولایلر. دیل قانین ده بییشیمی و بیرلشیمی ایله ده بئله ایلگی لنیر و اۇز ده بیشدیریجی و یۇنلدیجی گوجونو اورتایا قویور. بونوچوخ کلاسیک دورومدا اولسا دا بئله ده نه ین- تجروبه اندنلر وار دیر و اونلاردان

<sup>29</sup>-V.A.Zvegintsev. Teoreticheskiye i prikladnaya lingvistika. M., 1969, s.19.

بېرىسى ك. اى. پلاتون اوو (K.I. Platonov) دور. ۲۰ سۆز و دانىشىق انسانىن بوتون چالېشمالارىندا آيدىن دورومدا گۇرونمە سە دە، گىزلى و اۇرتولو بىر دورومدا اۇز يورودوجو و چكىندىرىجى گوجونو گۇسترمېشىدىر. آراشدىرما اىشلىرى گۇستىرىكى، ھرچاغ بېرىنجى سىقنال دىلە دۇنور و باشقا سىقناللار ايكىنجى، اوچونجو باسامادا دورورلار. اگر بىرىنجى سىقنال دىلدىن گلېرسە، اونون قان بېرلېشىمىنى دە بېشمە سى سورونو دا گۇرچە يە ياخىنلاشا بىلر.

بوندان اۇنچە سانىقلارى - سوچلولارى تانىماق اېچىن، اونلارنىن يالان دئىب - دئمە دىكلرىنى آيىرد ائتمك اېچىن آغىزلارنىنا بوغدا قويوب بىر آزجا گۇزلە بىرلردى و سونرا اونلارا سوروشدورما باشلاندى. يالان دانىشمايا قالخىشان و ايشلە دىبى سوچدان قورخان كېمەسە لرېن آغىز لارېنېن سويو قورويور، سئلىك بوراخان وە زىلر چالېشمايىر و بوغدا قورو قاليردى. آما قورخمايان، يالان سۇيلە يە چالېشمايان كېمەسە لرېن اورگانلارى دوغال چالېشىر و بئلە لىكلە بوغدا ايسلاندىردى. بو ايشلم دوز اولدوقدا ھىندىستاندا باش وئرمېشىدىر. يۇرىندن و كېمىلېيندىن آسېلى اولماياراق، دانىشىلان دىلېن و سۇزون اورگانلاردا نە دورومدا ائتكىلى اولدوغونو گۇستىرىر.

چونكو آغىزا آلىنان ھربىر يالان سۆز اونون سۇيلە بىجى سىنى اۇزل و آغىر بىر دورومدا بوراخىر و انسان پېسىخى، فېزىكى و معنوى يۇنلردن باسقى آلتىندا قالمېش اولور. آمئرىكا تئخنىك آداملارى سون چاغلاردا يالانچى توتان بىر تئلفون آراچى بوراخمېشلاردى (رادىولارېن دىئىبىنە گۇرە). بو تئلفون آراجلارى سسە و اونون دە بېشىلمە سىنە تېكى گۇستىرىر و ھركسىن اوزاقدان

<sup>30</sup>-K. I. Platonov. Slova kak Fizioloqışeskiy İ leçebniy fktor, M., 1962.

زنگ آچیب یالان سؤیله دہلین بیجی یه بیلدیریر. چونکو یالان دئین هر بیرکیمسه نین سسی ده بیشیر، دوغال ونورمال توناژدان چیخیر ودینله بیجی نین تئلفونو اونون اوزه رینه قونداریلان ایشیقلا ایله سؤزون وسؤیله مین یالان اولدوغونو بیلدیریر. هر اوزده بو دیله قایدیر، چونکو دیل ایله ائشیده نه چاندیریلان قونو اورگانلاردا ده بیشیک لیک یارادیر و سس ده بیشیلیر.

ایکینجی سیقنال سیستمی ایسه هرچاغ بیرینجی سیقنال سیستمنه ائتی بوراخیر. چونکو ایکینجی سیقنال سیستمی بئین آپاراتی نین چاباسینی باشا دوشمکده یاریدیمجی اولور و اونون ایچین اولوم یارادیر. بونو اولدوغو کیمی ای. پ. پاولووو (I.P.Pavlov) ن ده نکری ده گؤستریر. دانیشیق حابئله قونوشوق بؤلومونون قاوراما وترپنمه یئری آنجاق آلین قیریشلاری و بئین قاییغی و گجگاه دئیل، حابئله بئین آلین بؤلومو ده بو آپارات سیستمنه باغلیدیر. بو چوخ ماراقلی هم ده بیرآز بوروشوق و گنیش قونو اولورسا دا، اونون گوندن- گونه اینجه له نیب آیدینلاشماسی داها ماراقلی و داها دوشون- دوروجودور. ائله بونونلا باغلی ب. ف. پورشن ائو (B.F.Porşnev) یازیر :

" بو باشلیجا حالقا اولمادیقدا یول و سیستملرین چوخ بؤلومونو یاتیرداراق و آز بؤلومونو چالیشدیراراق دانیشیق قاینغی و مرکزی بوتون بئین، بوتون سینیر سیستمی نین چالیشماسینی قورویوب، اونا آپاریجیلیق ائده بیلمزئی ".<sup>31</sup> اونلارجا بئله اورنکر وچابا سونوجلاری گؤستریرکی، دانیشیق، دیل وچالیشما اولدوقجا سیخ، دوشونولدویوندن آرتیق و بیرچوخونون حله ده باشا دوشه بیلمه دیی بیر دورومدا و اؤلچوده ایلگی حابئله ایلشکیده اولموش و بئینین گوجلو آپاریجیلیق سیستمی ایله یاناشی

<sup>31</sup>-B.F.Porşnev.O naçale çeloveçeskoj istori, s. 173.

اولاراق ايرە لى سورولموشدور. دىمك دىل ودانىشىغا قايناق ومركز كىمى تانىنان بۇلمە كىشى بىننى نىن آلىن بۇلومونده يئرلشمىش و اولدوقجا بورو- شوق و بىرلشيك ايشلرين هم دە ايستە يە اويغون اولاراق آپارىجىلىغىنى اۋز اوزە رىنە گۇتورموشدور. بونونلا دا دوشونمك اولاركى، باشين بو بۇلومو هرينردن آرتىق دىل و تفككور ايله باغليدير و اونون گۇردويو ايشلر، آپارىجىلىق انتدىي قونولار بىر- بىرىندن اۋنملى دىر و بو بۇلمە دە گرگين ليك ياخود چاتىشمازلىق باش وئير سە، دانىشيق و اونون آردىنجا چالاشما آخساياجاق و انسانين آن گە لىشمىش و اوستونلوك ائدن دە ىرى(دىلى) اورتادان قالدىرلمىش اولاجاقدىر. دىمك بىننين آلىن بۇلومو اوست- اوستە آشاغىداكى چالاشمالارى يۇنلدىر، اونلارا آپارىجى لىق ائدىر :

۱- بىرىنجى سىقنال تېكى لرىنى هم دە آراجى سىز يان- يۇرە يە و چنورە يە يايىلماغى آيلندىرىر.

۲- دانىشىغى و دىيىمى داورانىشا چنويرىر، آراجى سىز تېكى وئرىلمە سىندن سربست ائدىلمىش داورانىشى تاپشىرىغا، آپارىجىيا- فېكىرە و باشقا سۇزلە دانىشيق باشلانغىجىنا، تاسارىسىنا وپروقرامىنا باغلايىر.

بو اودىمك دىيىل كى، بىننين باشقا بۇلمە لرىندە بونونلا باغلى چالاشما بۇلگە سى يوخدور، بلكە او دىمكىر كى، بوتون ائتكىلر و تېكىلر هرنە اولورسا اولسون دىيىلن بۇلمە- آلىن بۇلمە سى ايله قايناق اولاراق ايلگىدە اولماقادىر. بئله اولورسا، انسانين هنج بىر ترپە نىشى و داورانىشى دىلن و دوشونجە دن آيرى اولاسى دىيىلدىر و بو بوتون ياشام گۇرونولرىندە اۋزونو گۇسترمكده دىر. بئله كى، داورانىش قاورايىشدان، قاورايىش تفككوردن، تفككور دوشونجە

دن، دوشونجه دیلدن وترسینه اولاراق آسیلی دیر و یاشام حابئله چالیشما، چابا بونلارسیز اولاسی دئییلدیر. اوزمانلارین دئییینه گۆره بئیینین چنشیلتی بؤلمه لری دانیشیق بؤلمه لری دیرلر، بئله اولماسا دا، ایکینجی و تانینمیش سیقنال سیستمی نین- اوستون سینیر چالیشماسی نین آپاریجی و یؤنلدیجی قورولوشونون سونوجونون و ایشله مینین اورتایا چیخماسی ایله سیخ باغلی اولان بؤلگه دیر. بو ایکی دئییمین و دوشونجه نین هر حانسی بیرینه سؤیکه نیلیرسه ده ، دانیشیق و چالیشما ایشلملری نین بئیندن و اونون بیرلشیک چالیشماسیندان قیراق اولمادیغی آچیق دیر. بونونلا دا دئمک اولارکی، کیشی بئینی نین بو چابا وچالیشماسی اوچ بؤلگه یه و قاینایا بؤلونور :

1- *Ninsor ve motor* دانیشیق بؤلگه لری- *قاینایا قارلی.*

2- *آلین بؤلمه لری، اؤزلیک آلین اؤنو، Prefontal فورمالاشمالار و اؤزل اولاراق Homo sapiens بؤلمه سینه باغلی اولان کیچکاه، آمگک، آنسه بؤلگه سینده یئرلشن بؤلگه لر.*

3- *بئیینین باشقا بؤلمه لری (بونلار کیشیده و اوستون ماللاردا بیر دوروملودور).*<sup>۳۲</sup>

بونودا دئمک گره کیرکی، انسان بئینی نین بونجا بؤیوک اولماسی اونون گۆره بیله جه یی ایشلری ایله اویغون و گره کلی دیرمی یوخسا یوخ، اؤزده دارتیشیلان قونولاردان بیر دیر. بو بؤیوکلوکده بئیین بوندان آرتیق چابا و چالیشما بؤلگه لری ده تانینا بیلر می یوخسا یوخ سوروسو دا اورتایا چیخمیش و دارتیشیلیمشدیر. هر اوزده بو یارانمیشین ایستر بئینی، ایستر سه ده بو بئینده یئرلشن دانیشیق و دیل- دوشونجه بؤلگه لری اؤزونون گوجلو آپاریجی

<sup>32</sup>-B.F.Poršnev.O načale človečeskoj istori, s. 175.

لىق چىخارىنى ھرگون داھا چوخ گۇسترمكده دىر وانسانىن اۋز چنۇره سىنە اوستون گە لەمە سىنە ندىن اولان يۇنو دە بوراسى دىر.

دىلېن گوجلۇ، دوزگون، آنلايشلى، چاغداش و گۇزل اولماسى ياشامىن بوتون يۇنلرىندە كى چالیشمالارىنى دە بىشدىرىپ گىنىش لىدىرمە يە اولوم و باجارى ياراتماقدادىر. بو، بىزىم بىرىنجى و باشلىجا سۇزوموز و ایشىمىز دىر. چونكو بىز بورادا وبو كىتابدا آنجاق دىلدن و اونون اىلىشكىدە اولدوغو ساحە ويۇنلردن سۇز آچىپ اوخوجو ايله دارتیشىرىق. بىىنىن، تفككورون و بوتۇو- لوكدە انسانىن، تانرىنىن ياراتدىغى بو بۇيوك و اوستون( اشرف مخلوقات ) وارلىغىن باشقا ساحە لردە چالیشىپ باجارى گۇسترمە سى دە آيدىن دىر آما بونو بىز و بو كىتاب دىئىل دە او ساحە لرین اۋز آداملارى و اوزمانلارى اينجە لە مىش و اينجە لە مكدە دىرلر. بوندان باشقا، بو كىتاب وياخود باشقا دىل- دوشونجە كىتابلارىندا اۋنە چە كىلىپ اىرە لى سورولن و قوى- گۇتور ائدىلن قونولارىن حامىسى بوتون بىر دورومدا دوزگون و قوشقوسوز اولابىلمز بلکہ اونلارىن بىر سىراسى اۋنرى ، دە نك - تجروبه، سانىم - فرضیه و آنلايشلاردىر. بونلارىن حامىسىنى بىلىم و بىلىم يولوندا چالیشانلار بىرە ر- بىرە ر آچىقلايىپ چۇزموش اولاجاق.

## آمک، توپلوم و دیل

بوندان اۇنجه دیلین نئجه و نه چاغ اورتایا چیخماسیندان حابئله اونون تاپیلماسیندان سۇز آچدیق. دیلی بیرچوخ زادلارا باغلی اولاراق سادالادیق و دئدیگ کی، بیر سیرا بیلگین لرین دوشونجه سینجه دیل آمکدن دوغولموشدور. بو او دئمکدیر کی، انسان آمه بی اونون گونده لیک گره کسلی اوزه ره اورتایا چیخمیش و بو چیخیش اۇزونو گۇسترک ایچین دیلی یاراتمیشدیر.

آمه بین چئشیدی، نئجه لیبی ده بيشدیگجه دیل ده ده بيشمیش حا بئله گه لیش میشدیر. بو، ائپی کور کیمی فیلسوفلارین و بیلیم آداملاری نین اۇنه چکدییی و ایره لی سوردویو آنلاییش و دوشونجه ایدی. بئله اولورسا، بورادا بیر زادی اۇنجه اویرنمه لی بیک او دا آمک دیر. آمه یی یالین یول ایله نئجه دئیرلر خیردالاساق یاخود آچیقلاساق دئمک اولارکی، آمک انسان ایله دوغانین آراسیندا گئدن قاقچیلماز پروسئس و گئدیش دیر. هم ده دئدیگ کی، دیل بیر تک کیمسه یه دئیل ده، بیر توپلوما باغلی دیر، یعنی توپلومسال تاپینتی دیر. بئله اولورسا، آمک اۇزو ده توپلومسال دیر. توپلومسال آمک توپلومسال دیل حابئله دانیشیق تاپینتی سینی دوغموشدور. بورادا دئمک اولارکی، انسان ایله دوغانین آراسیندا باش وئرن پروسئس ائله آمک اۇزودور. کیشی اۇز چالیشمالاری سونوجوندا دوغانی سؤکور، اونو ده بيشیر و ایسته دییی کیمی یئنیدن

قوشور. بو يۇندە ايكى وارلىق قارشى - قارشىيا دورور. ايندىسە گۇرک امک اۇزو ندير و انسان امە يىنى نە تور وئنجە آچىقلاماق اولار ؟

بوتون دئىكلريمىزى گۇز اۋنونه آلاركن دئمك اولاركى، " امك هرزاتدان اۇنجه انسان ايله دوغا آراسىندا گۇدن دۇيوش و پروسسۇس دىر ". بوگۇندىش و پروسسۇسدە انسان ماددە لر آراسىندا بىر آراجى كىمى دورور وەر نە بى اۋز آينە و دوشونجە سى چرچيوە سىنە كۇچىرمە بى دوشونور. بئله ليكلە انسانين هر دۇنە اوستون گە لدىيىندە و اوغور قازاندىغىندا امك اۋزونو گۇستىرير و بو گۇستىرىش دىل ايله باشقالارينا كۇچورولور. دئىيلن ماددە آليش - وئرىشىندە و گۇدن پروسسۇسدە انسانين آللىرى، آياقلىرى، باشى و باشىنداكى آنلاق بۇلگە لرى چاليشىرلار. بورادا بونو دا دئمك گرە كىركى، انسان بو امك وچاليشما حابئله چابا سونوجوندا يالنىز دوغانى دە بيشدىرمىر بلکہ اۋز دوغاسىنى - داويرىنى دا دە بيشدىرىر. چونكو او اۋزو دە دوغايا باغلى دىر و اونون داويرى، ترپە نىشى دوغالدىر. هم ائتكى لە بىر، هم دە ائتكى لنىر. دئمك اورتاداكى دە بيشىم و قارشى لىقلى دۇيوش ايكى يۇنلودور. دوغال وارلىقدان يىنى و يۇنلو بىر وارلىق يارادان انسان اۋزو دە يىنى بىر وارلىغا چئورىلىر. امك پروسسۇسى آنجاق انسان ايله دوغانين آراسىندا دئىيل ، حۇرومجه يىن، بال آرىسى نىن و باشقالارىنىن دا آراسىندا سورور يالنىز انسان قوشاجاغى قوشولارى، سالدیراجاغى سالدیرمانلارى، دىكىرە جه بى و دىكە جه بى دىكىنتى لرى اۇنجه اۋز بئىنىندە گۇتور - قوی ائدىر، ايشىن سونوج و چىخارىنى، امە يىن وئرىمىنى دوشونور وەر گوجو، تىپرى هر يۇندە وەر ايش اىچىن چاليشدىرمايىر. چونكو او اوستون و اوستاد معماردىر. او، بو دوشونجه دن و معمارلىقدان دولايى باشقا دىرىلردن و چاليشانلاردان آيرىلىر و اۋز هم دە

قابارىق اوستونلويونو گۇستىرير. بونونلا دا ماللار وانسانلار آراسىنداكى آمك بىرى- بىرىندىن آيرىلىر و بىلىم بونلارنىن آيرىلغىنىنى ھابىلكە دە يىرنى اوزە چىخارىب آرتىق دە يرلندىرمك ايچىن بىلكە بىر بۇلمە ايرە لى سورور :

۱- آمك آراجىسى ائلە بىر زاددىر و زادلار توپلوسودور كى، كىشى بونلارى اۇزو ايلە آمك ماددە سى آراسىندا قويور و بونلار اونا اۇز ائتكى وايزىنى بوراخىر و او ماددە يە كىچىرىلن بىر آراجى قوللوغو كۇرونور.

۲- انسان چالیشمالارىندا آمك نىسنە سىنە سۇيكە نىرسە دە، اوندان آسىلى اولمايىر و اۇزو آمك نىسنە سى قوشور.

۳- انسان اۇزو ايلە دوغانىن آراسىندا كىندن پروستىسىن آراجىسى دىرسا، آمك نىسنە سى انسان ايلە آمە يىن آراسىندا آراجى و كۇرپودور.

دئمك آمك سونوجوندا فىرلانان و گە لىشن توپلوم، دىل آراجىلغى ايلە آچىقلانير و ايكى باشلى، اورتا دىرە كلى بىر كۇرپو (آمك، توپلوم، دىل) گۇن اۇنۇندە گۇرونمە يە باشلايىر. اوچ باشلىجا ايلكە سى اولان بو كۇرپونون ھلە ھانسى باشى اۇنچە قوشولوب و اورتا دىرە يە قووشوب مۇوضو ھابىلكە قونوسو دورسون، بلكە دە اورتادان ياخود نا ھرايكى باشدان باشلانمىشىدىر و بونونلا باغلى كۇروشلىر و دوشونچە لر تورلو اولايىلر. آمك نە چاغ و ھارادا باشلانىرسا باشلانسىن و ھانسى آچىدان آچىقلانىرسا آچىقلانسىن ايكى يىرە و بۇلمە يە بۇلۇنە بىلر :

۱- اىنس تىنتىو (Instintiv) - ھر يارانمىشىن اۇز ايچىندىن گە لن و اۇنچە دن قوى- گۇتور ائدىلمە مىش و سونوجو بە لىرلى اولمايان آمك.

۲- شعورلو- دوشونچە، اينچە لمە، آنلايىش و بە لىرلى سونوجلا ايرە لى سورولموش آمك.

بورادا بیز حیوان دئیل، انسانین آمه بیندن سۆز آچیر، دارتیشیریق. بونا کۆره ده اینس تینتیو آمک آسکی انسانلاردا کۆرونسه ده حیوانا بنزر بیرداویر و ترپه نیشدیر و بو گونکو انسانا او یغون دئییلدیر. یالنیز شعورلو آمک بونون ترسینه گه لیشمیش، آنلاییشلی انسانلا ایلگیلی و اونا اۆزلدیر. آمک دلی، اونون دانیشیق بۆلومونو دوغورسا، آمک آراجینی و نسنه سینى انسانین تفککور و دوغور و انسان اۆز یاراتدیغی آراج و نسنه لر ایله دوغانی ده بیشیر و اونو ایسته دیی یۆنه سوروکلہ بیر. بو گنڈیش کیشی نین داویری و ائیلہ می اوزاق کئچمیشده آنلاییش سین و شعورسوز اولسا دا بئله اونو گه لیشدیرمه یی و یارارلی دوروما گه تیرمه یی باچارمیشدیر و بوگون اۆنجه باشیندا- بئیننده تۆره دیب گزدیردییی تاساری و دوشونجه نی آرتیق ایشلمه چنؤیرمیش و اونون سونوجو ایله اؤیونمکده دیر. انسانین آمه یی باشقالاری نین آمه بیندن بام- باشقادیر چونکو اوماللاری یوودوب- اهلی لشدیریپ قوللوغونا آلابیلیر آما ایندییه دک هنج بیر حیوان باشقاسینی یوودا- اهلی لشدیره بیلمه میشدیر. باخمایارق کی، بال آریسی، حۇرومک کیمی لر اۆزلی چالیشیر و آمک یارانمیشلاری دیرلار. اۆزللیک انسان آمه یی نین سونوجوندا وئیریم- محصول، اوره تیم- تولید اورتایا چیخیر و بو وئیریم حابئله اوره تیم توپلومون یارانماسینا ندن اولموشدور. آمک گنڈیشی- پروسنسی ایره ایله دیکجه انسان بیرلشمه لری داخا دا سیخ بیر دوروما گه لیش و بولوشما- کۆروشمه، قونوشما گره کلری داخا دا آرتیق کۆزه چارمیشدیر.

بو آرادا دیل ده اۆز یئرینی تاپمیش و سۆزو گنڈن گره کلری دوزنله ییب اکسیک لیکلری، چاتیشمازلیقلاری آرادان قالدیرماق ایچین اۆز ایشینی حا بئله کۆره وینی کۆرومش هم ده بو اوزدن یارانمیشدیر. دیلین یارانماسی ایله یانا-

شى انسان أمه یی اولدوغوندان آرتیق تانینمیش و اؤز ده یرینی، ده یر گره یی اولان انسان بیرلشمه لرینده تاپماغا باشلامیشدیر. بو گون دیل ایله ماده نین و آلیش- وئرشین ایلگیسی دوشونولدویوندن آرتیق سیخ و قاباریق دیر. بوندان اؤنجه ده دئدیک کی، دیل انسان أمه یی نین تانینماسیندا بیرینجی یئری توتور. بونولا دا بئله بیر سونوجا چاتماق اولار کی، یاشامدا بیرینجی یئری توتان بیر مؤوضو وقونویو قولایلیقلا اونودوب گؤز اؤنوندن قیراغا و ایراغا بوراخماق اولمازدیر.

## سۇز - شىئى

كىتابىن باشلانغىچىدا دوغادا اولان زادلار ئىن آدمە ھەم دە بۇيۇك تانرى سارىندان اۇيرە دىلمە سى ياخۇد آدمىن اۇز دوشونجە سىلە اۇيرە نىلمە سىنە قىسا دا اولسا توخوندوق و دۇدىك كى، سس بىرلشمە سىندىن سۇز، سۇز بىر لشمە سىندىن سۇز سىراسى (تومجە) دوغولور و دانىشما باجارسىنى ائدە ائدىن انسان ايچ اىستكلرىنى، دوشونوب - داشىندىقلارنى باشقالارنى چاتدىرماق ايچىن ھەر زادا آد قويور و اونلارنى دىل ايلە و سۇز بىرلشمە سى آراجىلىغى ايلە توپلوما يايىر. داھا بىر باخىشدا وگۇرۇشدا "امك ھەربىر زادىن او بۇلومدىن توپلوم و كىشى بىرلشمە لرىنىن و دىلېن قايناغى دىر" سۇيلە دىك. چونكو ھەربىر ايش ايچىن، كىچىك بىر اورتاقلق ايچىن ان آزى ايكى آدمىن بىرى - بىرىلە گۇرۇش اندىب دانىشماسى و گۇرۇش آلىش - وئرىشى ياراتماقلارنى گرە كىر. بوگۇرۇش باش - باش، ايكى كىشى نىن آراسىندا باش وئرىرسە دە، بىرلشمە بىن، توپلو لوغون تمل داشى نىن قويولماسى نىن آچىق اۇرنە بى دىر. آما بو تمل باسىلىب گولنمك ايچىن بو گۇرۇشلرىن آراسىندا آراجى نىن دوغولوب دورماسى گرە بى دە آچىق دىر. ايندى حامىنىن بىلدىبى كىمى بو اۇنملى آراج "دىل" دىر.

دىلېن بو تۇولوكدە يارانماسى ايلە باغلى بىرچوخ دوشونجە لىر، سانىملار اورتاي چىخسا دا، سسلى دىلېن يارانما اىلايى و نئجە يارانماسى اۇزۇنە اۇزل

بیر داریشما آلانینا اییه اولموش و بو یۇنده چالیشانلارین دوشونجه لری بیر بیریندن آیری اولورسا دا، بنزر یۇنلری ایله بیلیم آداملارینی دوشوندورموش و اونلارین ماراغینی چکمیشدیر. اؤرنک ایچین ن، ی، مارر (N.Y.Marr) ایلك سسلی دیلین دۇرد دیففوز (Diffoz) - بیرلشیک سسندن اولوشدوغونو سۇیلر ایکن، ب. ف. پورشن ائو (B.F.Porshnev) ایلك سسلی دیلین ایکی هم ده تورلو سس بیرلشمیندن اولوشدوغونو ایره لی سورموشدور. او یازیردی :

**هر سس کومپلئکسی باشقاسینا گۇره آیلنج گۇره وینی اوسته لنیر.**  
بونلارا باخمایاراق ایلك انسان دیلی نین نئچه دیففوز سسندن یارانماسینی دا سۇیله مک اولدوقجا چتیندیر. او، ایکی، دۇرد بلکه ده داها چوخ دیففوز سسندن یارانمیشدیر. بورادا باشقا بیر بیلیم آدمی نین ده نکلری ده ماراقلی دیر :

**ن. ن. لادی گینا- کوتس (N.N.Ladigina Kots) گۇستیریک، پیچی لری**  
او بۇلومدن شیمپانزه لر ۲۵ دیففوز سس چیخارا بیلیرلر. بو دا دوشوندورور کی، ایلك انسان دیلی و اونداکی سۇزلر، سۇز سیرالاری، سسلر حابئلہ سس بیرلشمه لری ایندیکی کیمی گه لیشمیش و آنالیشلی اولایلمزدی بلکه او چوخ بۇیوک و اوزاق گه لیشمه یوللارینی اؤتندن سونرا بو دوروما گه لیب چاتمیش و بیزیم چاغداش دیلیمیزه چئوریلیمیشدیر. ایلك دیففوز سسلرین سایسی دا بیر اونجا اؤنملی دئییلدیر. اؤنملی اولان سورون بودورکی، بو دیل نئجه یارانمیش و بو گونکو دوروما نئجه چاتمیشدیر. بو گونکو زادلارین، نسنه لرین و اشیالارین سایسی اونجا آرتمیش و چوخالمقادیرکی، گوجلو و گه لیشمیش بیر دیلدن باشقا هنج بیرزاد اونو بیر آریا گه تیریپ توپلومون قوللوغونا وئره بیلمزدی. بوراسی دا دوشوندوروجو دور کی، دیففوز سسلر گونده لیک گر- کلریمیزین وایلشکی قورماغیمیزین یوزده نئچه سینلی اؤده یه بیلر. بونو

آراشدیرمالار و اینجه لیه لر بیر آز دا بئله اولورسا اوزه چیخاریب آیرید ائتمیشدیر بئله کی، بیغجام اولاراق دیففوز سسلر یاردیمی ایله یالنین قورخو، سئوینج، دلیک، ایستک، قاداغان کیمی دئییم و دویوملاری اورتایا چیخارا بیلرک، اما اونولا ایلیشکی قوروب و او ایلگی حابئله ایلیشکینی قورویا بیلرک. بئله اولورسا، ایلیشکیمیزی و توپلومسال باغلانتیلاریمیزی نئجه ونه بین کؤمه بی ایله یاراتمالی بیق ؟ بونولا باغلی گومان ائدیلمرکی، ایلکین کیشی دیلینده دیففوز سسلرله یاناشی هردن ایسه اونلار ایله بیرگه دوروشوق حابئله دوروم(ژئست)، آل- قول ترپه نیشی ده اؤنملی و یارارلی اولموشدور. چونکو هم پیسیخولوژی هم ده فلسفه باخیمیندان سیقنال سیستمی نین ایکینجی دؤنه و قاتیندا قاوراما، آنلاما، دوشونجه قارشیلیقلی بیلگی سورونلاری ایله باغلی اولموشدور. بونودا دئمه لی بیک کی، بونلار ایکینجی سیقنالین سیستمی نین گه لیشمه سینده اوغورلو و اؤنملی اولسا دا، هر اوزلو و هر یونلو حابئله بوتون بیر چرچیوه ده دئییل، اولوم ایچریسینده باش وئرمیشدیر. ایندیکی چاغیمیزدا دیلچی لیک و پیسیخولوژی بیلیملری اونجا ایره لیه میش و گه لیشمیشلرکی، بیغجام هم ده دوشوندوروجو یانیتلار آلماق اولومو یارانمیشدیر.

بونولا باغلی بیر چوخ سانیملار ایره لی سورولموشدور. اؤرنک اولاراق اونلاردان بیرنئجه سینی سونور، قونو ایله باغلی یولوموزو سوردوروروک :

آ، واللون (A.Vallon) دئمیشدیر :

- اوشاغین اؤزل واری و قالیغی نین سوموتور (Somotor) -  
 نانجالیق اؤلچن آپاراتیندا دوشونجه نین گه لیشمه چاغی آراسیزلیق  
 بوخدور. یاخود دانیشیغی و دیلی منیمسه مکه یاناشی پرنسیپجه  
 دئئئر میناتورلار (Determinatorlar) اونون داورانیشینا یول تاپابیلیمیر. بو

اۋزو بىرچوخ سۈرونو اۋنە چكىمىش و بىرچوخ سۈرويدا اىيى جاواب اولاراتق دە يرلندىر يلمىشىدىر. بو زمىندە " ايكى كۆك " ون يعنى اونتوگننئز وفيلوگننئزىن (Ontogenez - Filogenez) دە يعنى دىرىنن قوشو دوروموندان گە لىشىب بوتۇو اورگانىزمە چئويرلمە و وارلىق دورونجا بو اورگانىك فورماسى نىن تفككور، دوشونجە و زادلار قونوسو ايله باغلى دوشونوب - داشىنيلماسى ماراقلى دىر. ل. س. وىقوتسكى (L.S.Viqotski) دئمىشىدىر:

- " دانىشيق اونتوگننئز و فيلوگننئز دە اوسون ايليدان اۋنجه كى دۇنىمى ايله، يعنى تفككور زادلارى ايله بىرلشمىز دن اۋنجه اۋزونون ايليدان اۋنجه كى دۇنە مينة ايە اولور، او يئنى اولاي تۇرە دىر. كىشى بىسېخىكاسى نىن دانىشيق-دوشونجە گۇرونومونو، وارلىغىنى بىلدىرىر. گۇرونديوو كىمى دىلېن و دانىشىغىن هر زاد ايله باغلى دارتېشيلما آلانى اونجا گننىش دىركى، هر بىر اۋنرىنن و سانىمىن آردىنجا يئنى سۈرونلار گە لىب گۇز اۋنوندە داينىر و كىشى وارلىغى نىن او بۇلومدن دىلېن ائنگىن، زنگىن و اولدوقجا بوروشوق آما گە لىشىمىش بىر گنرچك اولدوغونو حامى ايچىن آچىب آيدىنلا دىر. بو ساحە وچرچىوۋ دە آ.پ. پوتسئل اويئوسكى (A.P.Potsel Oyeviski) دە ماراقلى دوشونجە ايرە لى سورموش و قونويو بىرداھا دا دوشونمە يە و تپە دن دىرناغا سوزمە يە چاغىر مىشىدىر.

انسانىن سىلى دانىشىغى نىن آن آسكى فورما و باساماقلارى نىن رىكونس تروكسىياسى (Rekons truksiya) - يئنى دن قورولماسى مئتود و يوللارنى آختاراركن انسانلار ين ائوجىل ماللارا پئسىفېك (Pesifik)

یعنی سس چىخارما، سس بوراخما دۇنوشلرینی توپلامیش واینجه له میشدیر.

دیله و پیسخولوق بیلگین لرین بو چۇشیت بیلیمسل آراشدیرمالاری اوز- اوزه گه لدیکده وهردن قارشى- قارشىیا دوردوقدا بولودلارین آراسیندا اولان شیمشک لر کیمی اولور و یارانان قیغیلمدان، توقوشمادان یاغمورلار یاغیر. بو بیلیم یاغمورلاری دوشونجه و تفککور تارالاری ایچین هرچاغ وهر چاغدان چوخ ایندیکی چاغدا گره کلی و بیرچوخ سورونلاری چۇزوجودور. بئله چاخناشمالار و دارتیشمالار اولمازسا، دوشونجه لر قیسیر قالیر و انسانلارین توپلولوغو چاغداشلیغینی ایتیریر. دوشونجه و باخیش ده بيشیک لیبی ایستر دیل- توپلوم، ایسترسه ده باشقا یۇنلرده دۇزوم، توتوم و بیرآز سوغوق قائلی لیق ایله ایره لی سورولودکده توپلومون و یارانمیشین هر سویدان و اولوسدان اولورسا اولسون بوتونونه یارارلی اولاجاقدیر. یارانیشین ایلکه لری ده بونون اوزه رینده قویولموشدور. شنیلره- زادلارا آیری- آیری و چۇشیتلی آچی و یۇنلردن باخماق، اونلارین بیرلشمینده کی اویه لری ایزله ییب اؤیرنمک وهر بیرینه آد وئریپ توپلوما تانیشدیرماق اؤزو ده بؤیوک بیر بیرلییه و بیلیمسل یول یورومه یه گتیریب چىخارا بیلر.

آ.پ. پوتسل اویتوسکی بوسونوجا چاتمیشدیر کی، سسلی دانیشیغین آن آسکی تیبی سئمانتیک (Semantik)- دئییم و دویمولارین آنلاملاریندان و نئجه ده بيشمه لریندن و فورمال یۇندن ديفئرئسیالاشمایان، آیری- آیری اویه لرینه بؤلونمه یین " سؤز- مونولیت (Monolit) اولموشدور.<sup>۳۳</sup>

شئیلرین- زادلارین سۆزلرله نئجه بیرلشمه لری اۆزو چکيجی قونو و مؤوضولردن دیر و ایندی اونو بیرآز آراشدیریب اینجه له مکه آز دا اولورسا اولسون بیرسیرا سورونو چۆزموش اولاریق. انسان شئیلری گۆردویو چاغدا سۆزلری اۆیرنمیش دیر یوخسا یوخ، انسان شئیلری گۆردن سونرا اونلارا آد سنچیب سۆز دوزلتمیش دیر ؟ سورولاری بیرسیرا بیلیم آداملارینین آنلاق و دوشونجه لرینی اینجه له مکه وکیشی ده نه یی نین کۆمه یی ایله آچیقلانا بیلر. اورنک ایچین ب.ف.پورشن ائو بونولا باغلی دئمیشدیر :

۱- شئیلر سۆزلری آیرماق ایچین ایشله ديلمیشدیر.

۲- سس کومپلنکسلرینی آیرماغا دویولان گره ک، آلدە ائدیلن

دانیشیق آراجیلارینی کئتدیگجه داها چوخ حیزلا قاباقلامیشدیر.

۳- ديففوز سسلرین سایبسی نی آرتیرماق ایچین یئنی فنولوژی

قارشیت یاراتماق اویغون گۆرونموشدور.

۴- قارشیت یا خود سس بیرلشمه لری یاراتماق ایچین اولوملار چوخ

ییغجام و آز اولموشدور.

۵- ديففوز سسلری آیرماق ایچین، دانیشان چئشیتلی ترپه نیشلردن

یارارلانیر.

۶- ترپه نیشلرین بؤیوک چوخونلوغو شئیلرله ائدیلیر.

۷- شئیلر یاواش- یاواش سۆزلره قوشولموشدور.

دئمک سۆزو و سۆزلری اۆیره نیب و اۆیرتمک ایچین شئیلرین بؤیوک

اؤنمی اولموش وزامان کئتدیگجه اونلارین بیرلشمینه یول آچیلیمیش دیر.

بورادا یئنه دیل بیریملری سس و سۆز اولاراق هم ده سسلی اورتایا چیخیمیش

دیر. بو ترپه نیشلر، قارشیلیق لار، گۆستریشلر بیر زادین چاتدیریلماسی دئیل

یاخینلاشماسی، داھا دوغروسو او یوشماسی دئمک دیر. چونکو بوتون ترپه نیشه بو یروق وئرن سیقتالارلار دایناماییر بلکه گه لیشیر و یئنی فورمادا گوندمه اولور. بونلار هم ده سسلی اولور و گؤرونور.

ایندیکی چاغدا هر بیر ترپه نیشی باشلاماق ایچین هم دیففوز سسدن هم ده *اؤرنک ایچین، بونولا، مثلاً* و آل ترپه نیشیدن ده یارانلانیلار. بودا آزیرر اولچوده سس سیقتالاری آراجیلیغی ایله بیر چوخ بو یوقلار هم ده آیریقلی بو یوقلار وئرمک اولومو یارانیر. بورادا آن چوخ یاردیمجی اولان و ایشی اوزه سالیب قولایلدان دیلرده کی *اومونیملر (Omonimler)* دیر. دیلیرین آن آسکی سؤزلری چئشیتلی آنلاملار داشیماقلا بیرنچه زادی گؤستره بیلیر. بئله سؤزلر بیر سؤز دئییل، بیر سسله سسله نن سؤزلردیر. بو دؤنه مده کی دهلین گه لیشمه سینی و ایره لیلمه سینی شنیلر *دئنوتات*<sup>34</sup> کیمی دئییل، کیچیک حاجتله اوفاق گؤسترگه لر کیمی اولوشدورولار. بوندان بوتون آیدین اولورکی، بئله گؤسترگه ایله اونون گؤستردییی زادین هئچ بیر ندنسل ایلیشکیمی یوخدور. بو ایسه دوغالدیر. چونکو او دؤنه مده بوندان باشقا نه اولایلردی؟ بورادا حله سؤز ایله شنین بیرلشمه سی چتین آنلاشیلان و گون سورونو اولان بیر دوروم کیمی گؤرونمکده دیر. باخمایاراق کی، باخیشلار آیری- آیری اولسا دا دوشوندوروجو و یول گؤستریجی دیر. ایچه حوپردورما وسیندیرمه سیقتالارینین سس و شنئی کومپوننتلری (Komponent)- بیرله شن اؤیه لری آراسیندا هئچ بیر ایلگی اولمامیشدیر. هر بیر زادین کومپوننتی یارانیدقا سس کومپوننتی ایله اونون آراسیندا آیدین هم ده قارشیلیقلی ایلگی

<sup>34</sup>-Denotat- uyğun dil biriminin göstərə bildiyi dış dünyanın eşya və olayları.

اولمالی ایدی. یالنیز شنیلرین کومپوننتتی سؤز فورمانتی<sup>۳۵</sup> کیمی اوزہ چیخیر و سس کومپوننتتینه گۆره داها حیزلی آرتیر. بئله اولورسا دئمک اولارکی، سؤزلر شنیلری گؤسترمزدن اؤنجه شنیلر سؤزلری گؤسترمیشدیر. بو ایندیکی چاغدا دا بیرچوخ دوروملاردا دوغرو دور و اونا یئترلی اؤلچوده اؤرنکلر کتیرمک اولار(گۆز مونجوغو، بو، گومان کی، تیکان، ...) شنیلر گه لیشمه یولونا دوشوب ایره لیلمه دن اؤنجه سیقنال سیستئمینه گیرمه لیدیرلر و بو ایکنجی سیقنال سیستئمی دیر. ایکنجی سیقنال سیستئمینه گیریب گه لیشن زادلار آشاغیداکی گه لیشمه یوللارینی کچیرلر:

- ۱- سسلر ده کی کیمی، بو یئننی اؤلچوده شنیلرله نه باش وئیریر.
  - ۲- سیقنالین کومپوننتتلیرینده اولدوغو کیمی سسلرله شنیلرین آراسینداکی ایلیکیده نه باش وئیریر.
  - ۳- اونلارین یئر ده بیشمه سی نئجه باش وئیریر و اولوشور.
- بو کچید یوللاری ماراقلی و دوشوندوروجو اولمالیدی. چونکو ایچه حویدوروجو سیقنال، سس و شنیلر آراسینداکی ایلیشکیلر اینجه لنیر و سؤز ایله شنین بیرلشمه سی، دیففوز سسلرین یئری و نئجه لییی ده اؤیره نیلیر. بو یوللار اوست- اوسته وییغجام اولاراق بئله دیر:
- ۱- شنیلر یالین آیریلیقلا یاناشی بیره قارشیلشیدیر یابیلیمک گؤسترگه سی آلدہ ائتمه لی ایدی.

۲- شنیلر سسله بیر سیقنال کومپلنکسینده یئرلشدییی سورہ ده اونلارین آراسینداکی هر حانکی بیر ایلیشکیدن سؤز آچماق اولماز. چونکو

<sup>35</sup>-Formant- söz düzəldici və söz dəyişdirici əklərin hamılıq adı.

اونلار یالنیز مونولیت اولوشدورولار. ایلیشکی نین اولدوغونو او زامان اورتایا چیخارا بیلریک کی، اونلار 'یا- یا' قارشیت لیغیندا اولسونلار. هم ده قارشیت اولمالارینا باخمایارق قارشیلیق لیق آراجیلیغی ایله یئنیدن 'و-و' بیرلییی نی اولوشدورابلیسین.

دئمک سسلر وشنیلر بیر- بیریندن آیرلسا دا همین زمینده ، دورومدا اؤنجه کی کیمی بیر- بیرینی ده بیشمیشلردی. بو ایسه یئنی، داها بیر ایلیشکیه یول آچمیشدیر. دېلین گه لیشمه سینده بیر نئجه زادین بؤیوک رولو و کۆمه بی اولدوغونو دوشونوب- داشیندیقا سینتاغم(Sintaqm)<sup>۳۶</sup> سورونو دا کۆز اؤنونده دایانیر.بئله کی، سینتاغمین اورتایا چیخماسی ایله دېلین گه لیشمه سینده ایره لی آتلمیش چوخ بؤیوک بیر آدیم ایدی. سونراکی بیرچوخ ده بیسیم و بیرلشیملر(گله نکلر،آز آیریقلی سۆز، بنزرسینز اما چارپازلاشان سۆزلر،اویاکلار، دانمیلیق آرتیرماق ایله آرادان گئدن سۆزلر،...) یارانیر.بونلار حامیسی سینتاغمین کۆلگه سینده باش وئرمیشدیر.بو او دئمک دیرکی، سینتاغمین چیخیشی ایکینجی سیقنال سیستمینده سسلر وشنیلرین آراسینداکی ایلگینین گه لیشمه سینده، ایره لیلمه سینده اولدوقجا یئنی بیر آدیم و چیخیش ایدی.بو ایلگیلر آرتدیقجا و سس- سۆز بیرلشمه سی گوجلنه نیب اورتایا چیخدیقجا دېلین داها بیر قولو گوجلنمیش و داها بیر آلانی چابا کۆستریمک ایچین آچلمیشدیر.ئورنده اولان زادلارین سۆز، سس، و دیل ایله ایلیشکیسی وارلیغین و وارلیق سیستمی نین قورولوشونو و نئجه یارانماسینی دا اؤزل بیر یۇندن اینجه له میش و بو یولدا بیلیم آداملارینا بیرچوخ یاردیملار ائتمیشدیر.

<sup>36</sup>-Sintaqm- Tə'yin və tə'yinlənən iki üyənün birləşməsindən oluş-  
an birim.2- Anlam bitkinliyinə iyə ritotik söz qrupu.

## دىلېن و دانىشىغىن اۋنىمى، ساحە سى و باشقا اولايىلار ايلە باغلى دە يىشىملرى

دىلېن قورولوشو، دانىشىق كىمى توپلومدا ايشلنمە سى، سسلنمە سى و تېكى گۇسترمە سى توپلومدان واونون اىچرى سىندە ياشايان انسانلاردان ھابئە اونلارن داورانىشىندان و گۇروشلىرىندن آيرى دئىلىدىر. بوناگۇرە دە، دىلېن گۇرونوش و وارليغىنى دوشوندوكدە، توپلولوغون اوغونلوغونو ھابئە چكىجى لىيىنى دە دوشونمە لىيىك.

*دىلېن توپلومسال اۋنىمى و دە يىشىمى اونون قورولوش، سىستىم ايلكى لرى و گە لىشمە قايدا - تۇرە يە اوغونلوقلوقلارنا ائتكىسىز بىر زاد دئىلىدىر...<sup>۳۷</sup>*

بونونلا دا بىر داھادا دئمك زوروندا قاليرىق كى، دىلسىز توپلوم ھابئە توپلومسوز دىلېن آنلامى اولمامىشىدىر. بودا يالنىز دانىشىق آراجىلىغى ايلە باش وئرىر چونكو توپلومسال فكتۇرلارن دىلدە گۇرونن ائتكىسى اونو گۇستىرىر. ايلشكى و باغلاننى ھامىلىق سىستىمى قورولمادان اولاسى دئىلىدىر. چىخىش و دانىشىق وقارشىلىقلى ائتكى ھابئە ياردىم ھامىلىق سىستىمى قورولدوقدان

<sup>37</sup>-F.P.Filin.Problemi sosialnoy obuslovlennosti yazıka. "Yazık İ obşestvo.Tezisi dokladov.M.,1966,s.4.

سونرا يۇكۈنلاشپىر. دوشونجە، آنلايش و قاوارايش حامىلاشمادان اۇنجه گۇرچك لرى آچىپ گۇستىرە بىلمە بىر و يوك اولاراق داشى بىر. بو اوزدن دە آچىقچا دۇمك اولاركى، توپلوم اويە لرى اولان كىشى نىن دانىشىق چالاشما و چابالارىندا ايلگى و حامىلاشدىرما دىيالكتىك بىرلىك اولوشدورور. بونو باشلىچا قونو كىمى گۇز اۇنونه آلىب دوزگون ساندىقدا دۇمە لىيىك كى، دىلېن توپلومسال تېكى لرى اۇزو دە ايلشكى- باغلانتى و حامىلاشدىرما بىرلىيى نىن ايشلمە كىچىرلىمە سىندن باشقا بىر زاد دىيىلدىر. دىل و دانىشىق دىلچى لىك ادبىياتىندا دۇمك اولاركى، بىر- بىرىندن آيرى اولاراق دارتاشىلمىش آما بو او دۇمك دىيىل كى، اونلارنى تېكىسى و گۇرونوشو آيرىچا اورتايا چىخىمىشىدىر. اونلارنى توپلومسال گۇرونوشو ھىمىشە بىرگە و ياناشى ھە دە بىر گرە ك كىمى سونولموشدور. دانىشىق بىر آكت اولاراق بىر سىرا فكتۇر و بىرىملرى اۇزونده يىرلشدىرىر و بو آكتلار اونون ساحە لرى كىمى اوزە چىخىر:

۱- گۇند رن. ۲- آلان. ۳- كونتۇكست (Kontekst) - يازىنىن آنلامچا بىتمىش اولان بۇلومو. ۴- كود (Kod) - قىسالتىلار، بىغىمالار سىستىمى. ۵- كونتاكت (Kontakt) - توخونما، بىرلشمە يىرى، ايلگى. ۶- بىلگى. بو فكتۇرلرى گۇز اۇنونه آلاراق، اونلارى دانىشىق آكتى مودىللرى كىمى دوشونركن دىلېن آلتى ساحە سىنى گۇستىرەك اولار :

۱- ائىموتىو (Emotiv) - دانىشانىن دويغو و اىستە بىنى گۇستىرىر.  
۲- كونناتىو (Konnativ) - موداللىق ياخود دانىشىغىن گۇرچك لىك يۇنونه اولان دورومونو گۇستىرن ساحە.  
۳- رىفۇرننت (Referent) - دىش دونيا زادلارنى گۇستىرمە.

۴- دىل ايله باغلى دىل آراجىلىغى ايله دانىشماق اولومونو باغىملان-  
دىران مۇتادىل دورومو.

۵- فە تىك (Fətik) - كوناكت ياراتماق دورومو.

۶- پوانتىك (Poetik) - سۇيىسل دوروم.<sup>۳۸</sup>

دىل و اونون بىرىم ھابىلە دە بىش بۇلمە لرى ايله باغلى بىرچوخ دىلچى و دىلچى لردن سونرا فىلوسوفلار، پىسيخولوقلار و باشقالارى گنئىش سۇز آچمىشلار و اونو دارتىشمىشلاردى. او بۇلومدن ب. آ. سئرتب رننىكوو، ي. د. دىشئرى يئو، آ. آ. لىئونت يئو، و. آ. آورورين... دىلېن ساحە لرى و دە بىش بۇلمە لرى ھردن بىر بىلگىن لر ساريندان بىر داھا اينجە لنىمىش و بىردن چوخ يعنى ايكى بۇلومە بۇلونموشدور. بىرىنجى بۇلمە ايلكىن و ايلكە كىمى دوشونولوب- داشىنلىمىشدير و ايكىنجى بۇلمە سونرادان اۇيره دىلمىش ھابىلە تۇرنىمىش كىمى دە يرلندىرىلمىش دىر. بو دا دىل و اونون گە لىشمە يۇنو و يولو ايله باغلانايىلر چونكو اۇنجە دىيىمىز كىمى دىل بوتون دىرىلر كىمى دوغولور دوغور، ياشايىر و گە لىشىر. بونا اۇرنك اولاراق آلمانيا پىسيخولوقوف . كائىتس (F.Kaynts-1941) 'دىلېن فونكسىياسى' آدىلى كىتابىندا ساحە لرى 'ايلكىن' و 'تۇرە مە' آدىلى ايكى يئره بۇلموش و دىمىشدير :

'ايلكىن فونكسىيالار دىل ايچىن گرە كدىر ، آما تۇرە مە فونكسىيالار  
فاكولتوى چىخار داشى بىرلار.<sup>۳۹</sup>

<sup>38</sup> - R . Yakob son. Linguistics and poetics Stayle in lanuage :  
Nevvyork-London, 1960, s. 353-357.

<sup>39</sup> -F.Kainz.Psychologie der Sprache, Bd.I, Stuttgart, 1941, s.172.

دیلچی لیک ادبیاتیندان باشقا دیلین بیریم و ساحه لری ایله باغلی حله بیلیمسل ادبیاتدا دا داریشما باش وئرمیشدیر و انسانین دانیشما چالیشمالاری اینجه لشمیشدیر. ائله بو ساحه لر داریشیلارکن اولارین بیر- بیرلی ایله سیخ باغلی اولدوغو دا دوشونولموش و ده یرلندیریلیمیشدیر. سؤزو گئندن ده یرلند- یرمه لر آشاغیداکی کیمی سیرالانایلرلر :

- ۱- دیلین کومونیکاتیولیک (Kommunikativ) - ایلیشکی ساحه سی.
- ۲- دیلین دوزنله بیجی ساحه و بیریملری.
- ۳- دیلین کونستروکتیو (Konstruktiv) - قاورایش ساحه سی.
- ۴- دیلین انسانین توپلومسال - ایلاسیال ده نه یینه اییه لشمه یعنی (Akkumulyativ) ساحه و بیریمی.
- ۵- دیلین اولوسال - کولتورل ساحه و بیریمی.
- ۶- دیلین ائکسپرنسسیو (Ekspressiv) - ائتکی ساحه و بیریمی.
- ۷- دیلین ائستتیک (Estetik) - گؤزللیک ساحه و بیریمی.
- ۸- دیلین اینانج (Ideoloji) ساحه و بیریمی.

یوخاریدا آدلاری چکیلن فونکسییا یاخود ساحه و بیریملر هر بیرلی اؤزل اولاراق آچیقلا ندیقدا دیل و فونکسییا آنلایشی داخا دا قولایجا دوشونوله بیلر و حامی ساریندان قاورانیب اؤیره نیله بیلر (دیل ایله باغلی چالیشانلار حابئله اوغراشانلار دوشونولور). دئییلن ساحه لر بیر- بیرلری ایله هرچاغ بیرگه وایلیشکیده، باغلانتیدا اولورلار سا دا، هر بیرلی آیریجا دانیشیلمالی و قوی- گؤتور ائدیلمه لیدیر. چونکو دیلچی لیک و باشقا بیلیملر آراسینداکی ایلشکی لر و یاخینلیقلار اوزده قولای و آچیق گؤرونسه ده، بو ایلشکی لر حامی ایچین

آل وئریشلی و تئز دوشونولن و اؤیره نیلن دئیلیدیر. بو اوزدن ده اونلارین قیسا دا اولورسا آچیقلاماسی یارارلی اولاردی :

۱- **Kommunikativ**: بو فونکسییا یاخود ساحه و بیریم قوووشما، آلیشما، باغلانما و یاخینلاشما آنلامینی داشی بیر بو ایسه دانیشیق یولو ایله ایش بیرلیینه گه لیب چیخیر، بو، دیلین باشلیجا و آن اؤنملی ساحه بیریمی دیر چونکو دیلین چیخارینی و توپلومداکی انتکیسی نی گؤستریر.

۲- **Düzenleyici**: آیدندان گؤروندویو کیمی دیلچی لیک ادبیاتیندا دوزنلمه گؤره وینی اوزه رینه گؤتورور و دیلین کوممونیکاتیو یاخود دا قاوراییش فونکسییا سی ایله بیرلشیر یاخود قاریشدیریلیر. اونوتامالی کی، بونلار آیری- آیری اؤلچو و ساحه لر دیر.

۳- **Konstruktiv**: دیلین بو فونکسییا ویا ساحه سیندن سؤز آچیب دانیشارکن تپکی ایله تپکییه چاغیرماق چیخارینی بیر- بیریندن آیرماق گر- کلی دیر. بو فونکسییادا اوسال پروسسئرل داها گنیش یئر توتور. چونکو دیل توپارلانمیش و توپار دوشونجه نین گؤستریمی سی و اونون ایفاده ائدنی دئیل، دیل دوشونجه نی و آنلاغی یئتیدن یارادیر و اونو بیر داها دا گؤز اؤنونه گه تیریر (A.A.Potebnya). دئمک کیشی بو فونکسییایا سؤیکه نرکن سؤز آنلایشلاری یارادیر.

۴- **Akkumulyativ**: آچیق دیر کی، هریننی انسان سویو اؤز چالیشما و چابالارینی اوندان اؤنجه کیلرین آلدی انتدییی بیلک، اورون، تئخنیک و باشقا یؤنلرده کی اوغورلار اوزه رینده قورور. بونولا دا دئمک اولار کی، بو ساحه انسانین یاشام بویو وارلیق و اؤرن ایله دؤیوشدویو چاغ چرچیوه سینده قازاندیغی ده نه بی نین سونوجودور.

۵- *Ulusal-Kültürel*: بو ساحه و بیریم آککومولیاتو فونکسییا ایله یاخین و سیخ ایلشکیده دیر و کیشی وارلیغی نین توپلومسال-ایلیسال ده نه کلری نین حامیلیق بیریم و اویه لری ایله یاناشی ایره ایله مکده دیر یالنیز بو یاخود باشقا اولوسال کولتوره باغلی اولان ساحه لری و اویه لری ده واردیر.

۶- *Ekspressiv*: دېلین بوتون بیلگی و سوراقلارینی سؤیله بیب- یایماق و دینله یه نه ائتکی قولو و ساحه سی دیر.

۷- *Estetik*: دېلین ائکسپرئسسیو ساحه یاخود بیریمی ایله یاخیندان ایلشکیده و اونولا سیخ باغلیدیر و اؤزونو یئنی ادبیات و اینجه صنعت آلائیندا و قولوندا گؤزللیک حابئله اینجه لیک یؤنو اولاراق گؤستریر.

۸- *İdeoloji*: دېلین اؤنملی و قاباریق سوسیال ساحه لریندن بیرى دیر و ایستر بوتؤولوکده ایسترسه ده هرچانکی بیر بیریم و اویه ده گؤرونه بیلر. بونو دا دئمه لیبیک کی، بو ساحه یاخود بیریم سوسیولوژی دیلچی لیبینده وی . د . دئشئری یئو ساریندان هم ده قاباریق بیر دورومدا اؤنریمیشدیر.

بونلارین حامیسینی بیرر- بیرر اینجه له یندن سونرا بونو دا دوشونور- وک کی، دېلین بو ساحه و اویه لردن باشقا بیر سیرا آراجیلاری دا اولمالی دیر و بونلار یاردیمجی آراجیلار کیمی اوزه چیخیر. دېلین بیرچوخ ساحه لری نین اولدوغونو گؤرور و دوشونورکن، اونون گوجلو قونوشما و باغلانما و ایلشکی قورما کؤرپوسو اولدوغوندا یاردیمجیلارین و آراجیلارین کؤمه بینى حابئله وارلیغینی اونودوب اونلاردان قاقماق دا اولماز. اونلار دیل ایله و دیل اونلار ایله بوتؤولشیر و سؤزو گئدن قونولار و اونلارین بیریملری هر بیرى اؤزونه اؤزلدیر و اؤنم داشیماقادیرلار. یاردیمجی آراجیلاری قیسا و بییغجام اولاراق آشاغیداکی کیمی ساناماق و سیرالاماق اولاردی :

یازی، یادداش، دئییم گوجو، بارماق حئسابی، پلان و تاساریلار.

سیقناللار....

دیلین ساحه و فونکسییالارینی قیسا دا اولورسا آچیقلایب اؤیرندیکدن و آنلادیقدان سونرا، دانیشیغین اؤزونون ده بئله ساحه لرینی گؤزدن کئچیرمک و اینجه له مک پیس اولمازدی. ایندی ایسه دانیشیق ساحه لری آشاغیداکی کیمی هم ده بیغجام اولراق سیرالانیرلار :

۱- **ماگیک (Magik) ساحه** : بو دوشونجه ده سؤزون گوجو ایله بوتون چؤره نی ائتکیله مک، اونو ده بیشمک، ایسته دییین یؤنه چکمک اولار. حابئله بو دوشونجه توتوموندا اینانیلیر کی، کیشی نین آدینی بیللمک ایله اونا گره کن و ایسته نیلن قادالاری و باتقیلاری یوروتمک اولار. دانیشیغین ماگیک بیریم و ساحه لری اولدوقجا گنیش یاییلمیش اوغوشلار و ائل گونلر بونلاردیر :

**Amerika hinduları, Avstraliya, Okeaniyanın aborigenleri, Afrikanın ilkin oğuşları**

۲- **نومیناتیو (Nominativ) ساحه** : بورادا ایستک، دوشونجه نی بلیرلی بیر دینله یه نه چاتدیریب کیشی لر آراسیندا ایلیشکی قورماق دئییل بلکه دوشونجه نین بو یاخود باشقا اوبیئکتینی آیدینلاشدیرماقدیر.

۳- **دییاک ریتیگ (Diyakritik) ساحه** : بورادا دانیشیغین آسیلی اولمایان دوروملاری دوزلتمک یاخود بیتیرمک ایسته یی ایله قوللانیلماسینا دانیشیغین دییاک ریتیگ فونکسییاسی دئییلیر. اؤرنک : **اولورسا، منه بئش گون چاغ و سونرادان آچیلان گون ایچین بیر چاغ آبیرین - اولورسا منه بئش گون و آردی کسيلمه بن چاغ آبیرین.**

۴-سىگنال (Signal) ساھە سى : بو اۆلچو وفونكسىيا دىياك رىتىك ايله ياخىندان باغلى دىر. بونا گۆره دە اونلارنىن ايكىسى نى بىر فونكسىيا كىمى دە ايره لى سورمك اولار.

۵-اوككازىئونال (Okkazonal) ساھە : بو بىرىم وساحە دانىشىغا و دانىشىقدان آسىلى اولمايان دورومون كىرمە سىندە اورتايا چىخىر. اۆرنك :  
بىرى نىن باشسىز و آخماق اولدوغونو گۆسترمك اېچىن  
اوجوموزو آچىب پيله بىرىك.

۶-فە تىك (Fetik) ساھە : بو ساھە ياخود فونكسىيا دانىشان ايله دىنلە يە نىن آراسىندا كونتاكت ياراتماق اېچىن يارارلى دىر.

۷-اىموتىو (Emotiv) ساھە : بورادا دانىشانىن دويغو وچىخىشىنى گۆسترمك اىستە يى ايله قوللانيلان سۆزلردە و دىئىملردە ياخود دا دانىشان دىنلە يە نى بليرلى بىر ترپە نىشى ائتمە يە يۇلتىدىكە اوزە چىخىر.

۸-اىكسپرىئىسىيو (Ekspressiv) ساھە : بو فونكسىيا دىلن بوآدلى ساھە سى ايله ياخىندان ايلشكىدە دىر. بونا باخمايaraq دىلچى لىك يازىنىندا، پىسىخولوگىيايا باغلانمىش يازىندا دىلن اىكسپرىئىسىيو بىرىمى كنىش آراشدىرلدىغى بىر دورومدا دانىشىغىن بو ساھە سى چوخ اوفىاك وگوجسون آراشدىرلىمىشىدەر.

۹-اىستىتىك-پوئىتىك (Estetik-Poetik) ساھە : بو ساھە وبىرىم يالنىز دىل دىئىل، ادبىيات و شعر ايله دە باغلى دىر. بوناگۆره دە اونون آراشدىرما آلانى بىر آن كنىشىدەر. بو بىرىم ەردن دىل ەردن دە دانىشىغا باغلانىر. بو دا دىلچى لىك ادبىياتىندا اۆزونو گۆستىرەر. اىستىتىك اۆلچوسو ادبىياتدا اولدوقجا كنىش يايلىمىش و اۆزونه اۆزل دانىشىق دىئىم آراجلارى واردير.

- ۱۰- ائتنیک (Etnik) ساحه : بورادا دانیشانین اولوسال باغلی لیغی دا  
گۆسترلییر. بو اۆزۈ ده هر دن دیله، هر دن ایسه دانیشیغا یاخینلاشیر.

## دىل، دوشونجە، تفككور

انسائىن دوشونجە و تفككوروندىن سۇز آچىب دانىشىدىقا، اونو اېچ انلە بىب اينجە لە يندە اىستر- اىستىز دىلدىن يارالانىر، دىلە نئجە ونقدىر گرە بىمىز اولدوغونو دوشونوروك. بو او دۇمك دىركى، دىل انسائىن دوشونجە سى، آنلاغى و تفككورو ايله سىخ باغلى دىر. بونا باخمايلاق، دىلچى لرىن بئلە چوخو سون چاغلارا دك بو اىكىسىنى بىرى- بىرىندىن آىرى سانمىش ودارتشمالارا دا يول آچمىشلاردى.

دىل، دوشونجە و تفككور انسان توپلوموندا بىر تاپىنتى كىمى اوزە چىخىر گۇرونورسە، دۇمك اولاركى هر اوچو توپلومون و بىرگە ياشامىن گە لىشمە سى ايله ياناشى اىرە لى سورولمە لى و چىبىن- چىبىنە يورومە لىدىرلر. بىز ياتاغمىزدا، اۇزوموز ايله باش- باشا قالدىقا گوندى لىك اىشلىرىمىزى گۇتور- قولى ائتمك اىچىن گون بو يو گۇردويوموز وياپدىغمىز چالشمالارىمىزى بىر داھا دا دوشونور، گۇروشلرىمىزى، قازانجلارىمىزى، آلىش- وئرىشلىرىمىزى و باشقا اىشلىرىمىزى دوشونركن اۇزوموزە دانىشىرىق.

بىز بو سورە دە آغزىمىزى، دوداقلارىمىزى تىپتمە دن، سە سىمىزى بئلە چىخارمادان دانىشىرىق هم دە اۇزوموز اۇزوموزو دىنلە بىرىك. بئلە دىرسە، بىز نە بى، حانسى سە سى دىنلە بىرىك ؟ داھا دوغروسونو دۇسك، بىز دىنلە مە بىر، دوشونوروك، آنلايىرىق و بو دوشونجە مىزى بىنىمىزدە تفككوره دە

چئویریریک و سونوجدا دئمک اولارکی، بیز دوشونجه و آنلاغیمیزی دینله ییر وائشیدیریک. بئله لیکله ده باشا دوشولور کی، بیز دوشونجه میزی حابئله اؤز تفککوروموزو اؤیرندییمیز دیلین سس بیرلییی، سؤز بیرلشیمی و داحا سونرا تومجه قورولوشو کؤمه یی ایله اؤزوموزه و گره کیرسه باشقالارینا چاتدیریر اونلاری دوشوندوروروک.

بونا گؤره ده دیل و دوشونجه نی بیر- بیریندن آیری دوشونموش اولور، اونلاری ایکیلیکده گؤرور، آیری- آیری آراشدیرمیش اولورساق اونلارین بیر- بیرلرینه اولان یاردیملاری نجه دوشونوب و اونا حانسی آچیدان باخمیش اؤلاجاغیق؟ دیلی بیر آن بئله اونوتموش اولورساق، باشیمیز و بئینیمیز اؤزونه یوکلە دیی دوشونجه و تفککور یوکونون آلتیندا قالیر و آغیر دوروملار، چتین باساماقلار کئچیرمک زوروندا اولایلر. آما بو یوکلری دیلدن یاردیم آلارکن باشقالارینا چاتدیرماقلا هم اؤزوموز یونگول و دینچ اولور هم ده باشقالارینی اؤز دوشونجه میزله سوراقلی انتمیش اولاریق.

دانیشیلان هر بیر دیلین دوشونولن دوشونجه ایله آریا، اویغون اولدوغو بیر چاغدا ویئرده اونلارین بیرگه و یاناشی گه لیشدیکلرینی گؤستریر. اؤرنک ایچین، بیر یوکسک تحصیل آلمیش آدم، بیر بیلگین اؤز دوشونجه لرینی حابئله آنلاغینی بیر چوبانین دانیشدیغی دیل ایله آچماق و چاتدیرماق ایسته مز. هئچ بیر اؤیرنجی سورولارینا گه لدیکده، او اونلاری اؤز اوستادینا بیر چوبانین یانچیسسی، کؤمکچیسسی کیمی اونونلا اورتایا قویماز. چونکو اونلارین داشیدیی دوشونجه یوکو چوبانین داغدا- داشدا قویونلاری ایله دانیشدیغی دیل تجروبه سیندن اولدوقجا اوزاق و او دؤنمی چوخدان بری کئچیرمیشدیر.

بیلگین لرین چوخوسو دیلین ده دوشونجه کیمی بیرگنرچک و اونودولماز وارلیق اولدوغونو و انسانلارین گره یی اوزوندن دوغدوغونو سانیرلار. بئله لیکله ده دئمک اولار کی، هر حانسی بیر یئرده یاخین ایلشکی، دوشونجه آلیش - وئریشی اولورسا، او وارلیق حامی ایچین وارلیق دیر. بورادا کیشی لر مالدان بام- باشقادیر. چونکو ماللارین بسله دییی ایلشکی و یاخینلیق باشقالارینا گوره بیر وارلیق سانیمیر آما کیشی لرده بونون ترسی گورونور. بونلارا بئله باخمایاراق بئله بیر سونوجا چاتماق اولار کی، دوشونجه آن ایلکین کئچمیشدن ایندییه دک هم ده حامیلیق اولاراق بیر گنرچک کیمی اؤنده اولموشدور هم ده انسانلار دورونجا بیر وارلیق کیمی دوراجاقدیر.

بو دارتی شما و اوز- اوزه گه لمه یالنیز دیل ایله دوشونجه نین آراسیندا دیر. دیل ایله تفککورون ایلشکیسی و یاخین لیغی، باشقا یؤندن و بیرآز آیری کیمی آراشدیریمالی دیر. دیل ایله دوشونجه و دیل ایله تفککورون بیر- بیرلری ایله حانسی ایلشکینی قوروب- قورمادیقلارینی اؤیرنمه دن دوشونجه نین و تفککورون نه اولدوغونو، اونلارین اوز- اوزه گه لیدکده اوست- اوسته بئله دوشوب- دوشمه دیکلرینی اؤیرنمک داها یاخشی اولاردی. چونکو اونلارین اؤیره نیلمه سی سونراکی اینجه لمه لرده ( دیل و دوشونجه نین اوز- اوزه گه تیریلمه سینده ) یارارلی اولاردی. دوشونجه ایله تفککورون ایچسل ایلشکیلری و قارشیلیقلی باغلانتیلاری بیر چوخ یئرده اولدوقجا آچیق گورونمکده دیر.

بونو یالنیز دیلچیلیک و فیلولوگییا بیلیملری دئیل، فلسفه، منطیق حابئله پیسیخولوژی بیلیم داللاری دا گؤستریمکده دیر. دوشونجه نین باشلیجا آنلامی انسان باشی نین- بئینی نین گؤستردییی تپکیلرله و بو سیستمین بوتون اولوم و دورملار حابئله ترپه نیشلر قارشیسیندا اورتایا چیخاردیغی تپکیلر ایله بوتؤو

بیر دوروما گه لیر. آما تفککور گه لیدکده، او، ماددی وارلیغین اولایلاری و باش وئرہ سی ایشلرین آراسینداکی ایلشکی و یاخین لیقلا رین کیشی بئینینده یؤنلشمیش، حامیلیق دوروما گه لمیش بیر اولوشومودور.<sup>۴۰</sup>

بو مؤوضویا فیلسوفلارین بسله دییی دوشونجه و گؤروشلرده سؤزو کئدن آچیقلامادان باشقا بیر زاد دئییلدیر و اونا یاخین بیر آچیقلاما حابئله اینجه لمه دیر. بورادا اورتام بیر باخیش و گؤروش اوزہ چیخیرسا، او ایسه تفککورون تپکی پروسسسی نین- کئدیشی نین گؤسترگه سی و دوشونجه نین چوخ گئنیش بیر چئوره یی ایچینه آلدیغینی و چوخ یونلو اولدوغونو گؤستریر. هم ده تفککور دوشونجه نین ترسینه اولاراق منطق چرچیوه سینده ایره لی سورولور.

"دوشونجه" و "تفککور" قیسا دا اولورسا آچیقلا ندی و اونلارین نئجه و حانسی دورومدا، یؤنده، قاتدا و بؤله جه ده ایلشکیده اولدوقلاری دا اوزہ چیخدی. او دا بودور کی، "تفککور" دوشونجه "نین قوروموندا ایچینده یئر توتور. باشقا سؤزله دسک، تفککور دوشونجه نین چالیشماسیندان باشقا هئچ بیر زاد دئییلدیر. بونو دا دئمک گرہ کیر کی، ماددی آچونون یالنیز تفککور فورماسی دئییل، انستتیک، اؤزایستر(ارادی)، دویومسال،... فورمالاری دا بئله دوشونجه نین ایچینده یئرلشیر. بئله لیکه ده "دوشونجه" نین نئجه گئنیش و اؤنملی اولدوغو بیر داخا دا آیدینلاشیر. بیر ده کی، ماددی وارلیغی هم ده منطق چرچیوه سینده آچیقلا یان و گؤسترن تفککور، دوشونجه نین ایشینی و گؤره وینی اؤز اوزہ رینه گؤتوره بیلمز آما اونون ایچینده کیلردن بیر کیمی چیخیش انده بیلر.

<sup>40</sup>-M.Mehərremov.Pisixologiya.Bakı,1968,s.149.

دوشونجه ایچین بورادا گئندن آنلام و آچیقلاما اونون بیره جک آنلامی دئییل، بلکه او، "آنلاق"، "گوروش"، "اینام"، "باخیش" ایفاده سسی کیمی ده اؤزونو گؤستمکده دیر. دوشونجه و تفککور هر اوزده انسان بئینی نین اؤز اورو، و وئرمی دیر و انسان اؤزو ده اونلار ایله بیرلیکده گه لیشیر وگونو- گوندن بوتؤو و دولاشیق- بوروشوق بیر وارلیغا چئوریلیر. بونولا دا بئله بیر سونوجا گه لیب چیخماق اولار کی، دوشونجه و تفککور هر ایکسیسی انسانین بئیین وباش وئرمی حابئله اوروندورسه، انسانین بئینی و اؤزو ده دوغانین وئرمی و قالان ایلشکیلرله قارشیت دئییل، اویغوندور.<sup>۴۱</sup>

---

<sup>41</sup>-Anti-Dürinq.Bakı,1953,s.34.

## دیلدن اۇنجه کی تفککور سورونو

دیلچیلیک بیلیمینده "دیل" و "دوشونجه" سورونو گره بینجه وگنیش اولاراق آراشدیریلما میشدیر. چونکو بو ایشلم اولدوقجا اوزدن ایشلنمیش و اۇزل اولاراق "دیل" و "تفککور" کیمی اینجه لنمه یه و دارتیشیلما یا باشلان- میشدیر. آما بیز بوندان اۇنجه دندیک کی، "تفککور ماددی وارلیغین اۇزو و منطق" توتوموندا تپکیسی و گۇستریجی سیدیر و دوشونجه نین توتدوغو چئوره ده یئرلشیر .

انله بونا گۆره ده دیلین و دیلچی لیبین اۇیره نیلمه یه و اۇیره دیلمه یه باشلامادان اۇنجه چاغیندا و سوره سینده "دوشونجه" سورونو یوخدور کیمی گۇرونور و اونو بیر بیلیم دالینین هنج بیر آشاماسیندا گۆره بیلیمیریک. دیلدن اۇنجه کی دوشونجه سورونو و مؤوضوسو "دیل" و "تفککور" چرچیوه سینده و اوندان آیری دئییلدیر کیمی اورتایا چیخمیشدیر.<sup>۴۲</sup>

انله بونو آراشدیرارکن بئله بیر سورو دا اورتایا چیخمیشدیر کی، *دیل یوخسا، تفککور اۇنجه یارانمیشدیر؟ بواکیسی نین بیر-بیرینه گۇستردیکلری تپکی و ائتکی نه کیمی اوزه چیخمیش و حانسی ندنلردن دولایی اولموشدور؟*

<sup>42</sup>-Obşee yazıkóznanie. Formı suşestvovaniy, funksii, istoriyka. M., 1970, s.30-39.

بوراداكى باخيشلار و گۇروشلىرىن چوخوسو بنزر و بىر يۇنلودورلر و بىلىم آداملارنىن بىرچوخو اونلارنىن ەر ايکىسى نىن دە بىردن وبىر چاغدا و سورە دە ياراندىقلارنى اىرە لى سورموشلردى. اونلار دىل ايله تفککور و ەنچ آيرىلماز و قىرىلماز اىلىشكىدە دوشونموش و ەنچ بىر تفککور و دىلسىز و ەنچ بىر دىلى تفککورسوز دويامامىشلاردى. و.ز. پان فىلوف (V.Z.Panfilov) ون دوشونجە سىنچە دۇسک، دوشونجە ماددە يە گۇرە ايکىنچى دىر. بونا گۇرە كى، تفککور باشىن- بىنىن ماددى و فىزىولوژى تپكى و گندىشلىرى ايله قىرىلماز باغلانتىدا دىر. بونو دا دمک گرە كىر كى، و.ز. پان فىلوفون بو گۇروشو يالنىز ماددى باخىمدان اورتايا چىخمىشىدەر.

اۇنملى دوروم بوراسىدىر كى، اىستر ماددى- فىزىولوژى، اىسترسە دە ترسىنە اولور اولسون ەر اوزدە بىنىندە- باشدا گندن گندىش و پروسئس اۇزو دىلدىن يارارلاناراق ايشلمە دۇنور و توپلوما كۇچورولور و بورادا بىزە دىلدىن توتدوغو يئر، داشىدىغى يوك و اوستە لندىبى گۇرە و اۇنملى دىر. اۇنچە كى سۇيله دىبىمىز باخىشىن و گۇروشون چرچيوە سىندە گۇتور- قوى ائتمە يى سۇچدىكە دئمە لىبىك كى، دوشونجە سىز تفککور و تفککورسوز دوشونجە آنلاشىلماز بىر زادىر. بونلار اۇزلرىنە اۇزل قوروم و قورولوشلارىندا اولاركن بىر- بىرىندن آيرىلمازلاردى. چونكو اۇنچە دىبىمىز كىمى تفککور اۇزو گوجلو منطقە سۇيكە نرکن و اونونلا اورتايا چىخاركن دوشونجە نىن گئنىش آلانىندا يئر آلەر.

بونو پان فىلوف دا سۇيله مىشىدەر.<sup>۲۳</sup>

<sup>43</sup>-V.Z.Panfilov.K voprosu o sootnoşeni yazıka ĩ Mışleniya, sb.

"Mışlenie ĩ yazıka".M.,1957,s.118.

کیشى نین اؤزل تفککورو بوتؤولوکده دوشونجه سی دیلین گه لیشمه و دولغونلاشماسی و بو گونکو گؤزل لییی ایله یاناشی و بیرلیکده ایره لیله میش وگه لیشمیش دیر. هم دیل هم ده تفککور آمک، چالیشما و گونده لیک تالاشلار سونوجوندا اورتایا چیخمیشدیر. دیل ایله تفککورون بیرلشمه سی، اونلارین یارانیب وگه لیشمه سی بیرچوخ دیلچی و باشقا بیلیم آداملارینین بو ساحه ده ایره لی سوردوکلری دوشونجه و باخیشلاردا اوزه چیخیر.

**و.ق. کولشاتسکی (V.Q.Kolşatski) وای.م. سیچن اوو (I.M.Seçenov)**

بو بؤلومدن دیلر. انسانلارین گونده لیک دوشونجه و تفککورلری نین سوردویو چاغ بیر آن دا اولورسا دیل اوندان آیریلا بیلیمیر، بوتون دویغولار، پیچیلتی و ایچسل گؤتور- قویلار دوداقلاری و بوغازین سس تلکلرینی بئله ترپتمه دن دیله سؤیکه نیر. دیل و تفککور بیر- بیرینه ائله باغلانیر، بیرلشیر، یاناشیر و دوغما گؤرونور کی، آنا ایله بالانین ایلیشکی سینی دوشوندورور و آنلادیر. هرکسین هم ده تورلو چاغلاردا و یاشلاردا قوردوغو "دوش" دونیاسیندا دیلین سه سسیزجه آما چوخ آخارلی و شیرین گه زیشدییی آچیق- آیدین اوزه چیخیر و گؤرونور.

دیلسیز دوشلر و رؤیالار قورخولو آما دیلی و دانیشیقلی دوشلر دادلی، اونودولماز و دوغال اولور. اویغولارداکی گؤروشلر آز- چوخ دیل و دیلین کؤکو و باشلانغیجی اولان گؤسترگه لر ایله آنلاشیلیر هم ده بو دیل بؤلومونده هرکسین اؤزوندن آسیلی اولمایاراق هر نه بین دوزونو گؤستیریر یاخود دئیر. بورادا بؤیوک فیزیولوگ ای. م. سیچن اوو ون چارپیجی، دوشوندوروجو و اولدوقجا ماراقلی گؤروشلری واردیر:

" اوشاق دوشونورکن، ائله بوچاغ سورہ سینده او، کسین دانیشیر. بئش یاشلی اوشاقلاردا دوشونجه و فیکیر سۆزلرله و پیچیلتی لی دئییم حابئله دانیشیقلار یاخود دا آن آزی دیلین و دوداقلارین ترپه نیشی ایله اوزه چیخیر. بو، یوکسک دورودا و درجه ده یاشلی کیمسه لرده ده باش وئیر. آن آزی من اؤزومدن بیلیرم کی، مه نیم فیکیریم لاپ چوخ چاغ بئله اؤرتولو و ترپه نیشسیز آغیزدا لال دانیشیقلار، یعنی آغیز بوشلوغوندا دیل آزیله لری نین ترپه نیشلری ایله یولا دوشور. بوتون دوروملاردا دا باشقالارینا هرکانسی فیکیری چاتدیرماق ایسته دیکده، اونو اؤنجه کسین پیچیلداییرام. حله منه ائله گه لیر کی، من هئچ بیرچاغ آراجی سیز سۆزلر فیکیرلشمیره م، من هرچاغ فیکیرلریمی دانیشیق کیمی کؤمک لشیب یولا سالان آزیله دویوملاری ایله دوشونوره م".<sup>۳۳</sup>

گۆروندویو کیمی بیزیم اؤنجه دئییمیز دیل و تفککور ایلیشکیلری بیلگین لرین بو یۇنده کی چیخیش و سۆیلنتی لرینده ده گه لمیشدیر. بو دئییلنلر حامی نین باشینا گله بیلر یالنین هرکس اونو آبیرد ائده مز چونکو بو چوخ اینجه هم ده درین بیر سوروندور. بونلارین حامیسینا باخمایاراق، بیر سیرا بیلگین لر و آراشدیریحیلار تفککورون دیلدن اؤنجه یاراندیغینی ایره لی سوررکن اؤنجه کی آنلاق و دوشونجه یه قارشى چیخیمیشلاردی و تفککورون دیلدن چوخ اؤنجه اولدوغونو و هرنه بین آمکن یاراندیغینی سؤیله میشلردی. آما هر بیر آمه بین اؤزو تفککور سونوجوندا اورتایا چیخماسی دوشونولور. اؤنجه آمه بین سونرا ایسه آیدین و آنلاشیلان دانیشیق بؤلمه سی نین ایره لی سورولمه

سورونو بئین لرین (انسان و حیوان) بنزریلی و گه لیشمه سینی ده اورتایا چکیر. انسانین اؤزونو ده آمک یاراتمیشدیر دئینلر بو سؤزون اوزه رینده بئله دایانارکن اؤنجه کی دوشونجه و گؤروش قارشى دورموشلاردى. آیدین نطق، دانیشیق و آمک ایکی اؤنملی دایاق و ایلکه اولاراق تانینماقدا اولورسا، بئین لرین آن-آن هم ده بو ایکی اؤنملی ایلکه نین ائتکیسی آلتیندا گه لیشمه، گه لیشیم ایله ده بیشمه سی گنرچه یه دوغرو یورومکده اولاجاقدیر.

دیلین تفککوردن اؤنجه یارانماسی سورونونا آنجاج باشقا بیلیملرده دئیل بیلیمسل ادبیاتدا توش گه لمک اولار. چونکو دیل ایلکین ویالین یاشام و گنچیم ایچین گرہ کلی اولدوقدا، تفککور گرگین، بیرلشیک، بوروشوق و چوخ یؤنلو بیر دوشونجه نین وئریمی و اورونودور. دیلین تفککوردن اؤنجه یارانماسینا اینانانلاردان بیرى ده ب. ف. پورشن ائو (B.F.Porşnev) دیر:

”... بلکه ده سؤز فیکیرین وئریمی دئیل، ترسینه دیر؟ بیز بوگون بیلیریک کی، انسان بئینینده فیکیر بؤلگه سی یوخدور، اما دانیشیق بؤلگه وساحه لری گنرچکن واردير- سول یاریم کوره ده، آشاغی و یوخاری آلین بؤلگه سینده، گیجگاهدا، بو سونونجونون آمگک و آنسه ایله بیرلش دییی یئرده.”<sup>۲۵</sup>

گؤرونویو کیمی انسان بئینینده نطق- دانیشیق ایچین اؤزل هم ده بوگون بیلیم آداملاری ایچین تانینمیش بیر بؤلگه و بؤلوم یئر آیریلیمیش دیر. همین بؤلگه دن بوراخیلان سیقنال و سیقنالارین تورو، چنشىدی دیلین اؤزه بینده، نه اولدوغوندا، گه لیشمه و یئنی لشمه سینده اؤنملی نندلردن بیرى دیر. اورن گؤرونولری انسان بئینینده تورلو تپکی و سیقنالارا ندن اولور. بو تپکیلر اؤزو

سونوجدا دیلدن و اونون ایچ اوزوندن - اؤزه بیندن یارارلاناراق اورتایا چیخیر بونو دا دئمه لیبیک کی، بونلار دوشونجه چرچیوه سینده باش وئریر. چونکو اوزه چیخان تپکیلر، وئرلین جاوابلار هرکسین اؤزل دوشونجه و آنلاغی ایله سیخ باغلیدیر.

هربیر آراجین، نسنه نین دوزه لیب چالیشمالاردا قوللانیماسی و اونون یارارلی اولوب- اولماماسی بوتؤولوکجه تفکوردن آسیلی دیر. یعنی اونسوز دوزگون بیر آراجی و آل وئریشلی بیر نسنه نی دوشونمک چتین اولاردی. بئله لیکه ده ب. آ. سیرب رئننیک اوو (B.A.Serebrennikov) حاقلی گؤرونور. بئله اولورسا، آراج ونسنه دوزلتیمی دیلدن اؤنجه باش وئرمیشدیر. بو او دئمک دیر کی، انسان هر بیر ایشی وچالیشمانی باشلامادان او ایشین و ایشله مین سونوجونو، آخیرینی، وئریمینی وباتقی سینی دریندن و دوزگون دوشونور. دئمک ایشین اؤن گؤرونومو و گه لیر- چیخاری اؤنجه دن انسان دوشونجه سینده توپارلانیر. بونو پیسیخولوق ای. و. کوپنین (I.V.Kopnin) ده دئمیش و آچیقلامیشدیر. چونکو اونون بو قونودا یازدیغی آچیق دیر.<sup>۲۶</sup>

بونو دا دئمک گره کیر کی، بو دوشونجه و دوشونوم یالنیز انسان دئییل، بوتون بئینی اولان دیریلرده باش وئرہ بیلر آما اونون توتومو، گئنیش لیبی و نتجه لیبی آیریملی اولابیلر. دولایسیلا آیریملی و آیریقلی سونوجلار دا دوغورا بیلر. بو دا بئیین لرین بؤیوک- کیچیک لیکریندن آسیلی دیر. چونکو دیریلر و اونلارین بئینلری بیر اؤلچو ده گه لیشمه میش و دولغون دوروما گه لمه میش دیر. بونولا دا اینانماق اولار کی، اونلارین دوشونجه گوجو و بئیین چالیشما و

<sup>46</sup>-I.V.Kopnin.Formı mışlenya i ix rol v poznani,dokt.diss.avtofer-  
erati.M,1955,s.22.

چابالاری بیر توتومدا و اۆلچوده اولمایاچاقدیر. ماللارین بیرچوخو بئیین چابا وچالیشمالاری نین سونوجوندا اۆز لریندن تپکی گؤستیریر و اۆز لرینه قازانان داورانیشدا بولونورلار.

اۆرنک ایچین بوینوزلو بۆجک لرین بوینوزلاری بیر زادا توخوندوقدا اۆز بوینوزونو و باشینی گیزله دیر. آما بونلاری و بۆیله داورانیشلاری هئچ ایلکین وباشلانغیج تفککور بئله سانماق اولماز. بو، چئوره ده کی و اوندان گلن، دوغان ترپه نیشین ایچ اورقانیزم ده کی تپکیسی دیر. گۆز، قولاق کیمی گؤوده اویه لری اورتایا چیخان باغیملی یعنی شرطی سیقناللاری بئیینه چاتدیراندان سونرا اونلارین تورلو و گۆرکملی تپکیلری بئیینده یارانیر. ماللارین، بۆجک وچولرین داورانیشلاری، ترپه نیشلری و چئوره ایله باغلی تپکیلری ایکی آیری بۆلومه بۆلونور :

۱- اۆز و ده بیلمه دن باش وئرن ترپه نیشلر، داورانیشلار و تپکی لر.

بونلار حامیسی آنادان گلمه و ماشین کیمی اولور.

۲- دورومدان، بۆلگه دن و یاشام یئریندن آسیلی اولاراق باش وئرن

اولای و داورانیشلار.

ایکینجی تور داویر دئمک اولار کی هرمالین و بۆجه یین ایچسل چیخار و باجاریغینی و دوغولاندان سونرا اۆیرنمه باجاریغینی حابئله ایسته یینی، گره یینی گؤستیریر. چئوره ده کی اولایلاری و یاشام ایچین گره کلی اولان داویر و ترپه نیشلری اۆیرنمک و اونا تپکی گؤسترمک دوشونجه، چیخار، اوس و بئیین چالیشمالاریندان باشقا هئچ بیرزاد اولایلمز. بونونلا باغلی ای . م . س . سچن اوو ون دا دوشونجه و باخیشی اؤنملی دیر. او یازیر :

" ماللاردا بلیرلی تریپه نیشلری آنادان کلمه هم ده ماشین کیمی یئرینه یئتیرمک و اولوشدورماق باجاریغیندان باشقا تئز- تئز همین آنین حابئله دورومون نئجه لیییندن، چئوره نین اولوموندان یارارلانماقدا کؤرونور. بونو مالین اوسو و دوشونجه سیندن باشقا تور آچیقلاماق اولماز." ۳۷

بودا گؤستیریر کی، دوشونجه باجاریغی یالینز انسانلاردا دئییل، ماللاردا دا واردیر. بو اؤرنک و ده نکلردن چیخارا بیلدیمیز سونوج بئله اولایلر کی، ماللارداکی تپکی وداویر یالینز ماددی وارلیغین انٹکیسی و بو انٹکیه قارشسی گؤستریلن داورائیش وترپه نیشدیر و تفککور ایله هئچ بیر باغلیلیغی، ایلگیسی یوخدور. دئمک بیلیمین چوخ اؤنجه دئییبی کیمی دوشونوروک کی، دوشونجه ساحه سینده انسان و ماللار آراسیندا بنزریلیک و هر دن یاخینلیق اورتایا بئله چیخابیلر آما بونا وارمالییق کی، دوشونجه و اوس چالیشماسی تفککور چابا وچالیشماسی دئییل دیر وانسانلار ایله ماللارین آنجاق بئین و دوشونجه چابا وچالیشمالاریندا بنزر دوروملاری اولایلر. ائله بونا کؤره ده بیر داها دا اؤنجه کی دوشونجه یه یعنی "انسان یارانمیشلارین اوستونودور" دئییم حابئله تاپشیریغینا دؤنمه لی اولوروق.

بونلارا باخمایاراق یئنه ده تفککور و دیلین یارانما سؤرونو و اونون قارشیتلی دوشونجه و باخیشلار ایله دارتیشیلماسی سورمکده دیر. حامیلیق دیلچی لیکه دیل و تفککور بؤلمه لری اونلارین آیری- آیری چاغلاردا تاپیلیب یارانماسیندان سؤز کئدیرسه، باشقا بیلگین لر و دیلچی لر اونلارین بیر چاغدا

47-İ.M.Seçenov.İzbrannı flosofski i psixoloqiçeski proizvedenia M.,1947,s.417.

اورتایا چیخماسیندان سۆز آپمیشلاردی. هر اوزده دیل و تفککور و اونلارین ایلشیکسی قارشیلیقلی اولاراق کۆتور- قوی ائدیلمه لی و سونوجدا اورتاق بیر دوروما و کۆروشه واریمالی دیر. باخمایاراق کی هر گون یئنی سورولار و سورولار اورتایا چیخایلیر. بو دا دوغالدیر، چونکو بیلیم و وارلیق گه لیشمه یوللاریندا بیر آن بئله دورمادان ایره ليله مکده دیر.

قارشیلیقلی سورولاری، باخیشلاری سالیب- چیخماق ایچین گره کلی سورولار بلیرنمه لی و اورتایا چیخان سورولارین یانیتی- جاوابی اینجه لنمه لی و قانیتلانمالی دیر. بو یؤنده و ساحه ده آشاغیداکی کیمی سورولار دورور:  
۱- دیل ایله تفککورون آراسیندا تام یاناشی لیق گؤزه چارپماقدا دیرمی؟

۲- دیلسیز تفککور اولاسی دیرمی؟

۳- دیلین وارلیق سیستمی تفککورون وارلیق سیستمی ایله آریبا دیرمی؟

۴- دیلین اویه لرینین حامیسی تفککوره کۆرونورمو؟

۵- دیله اولان هر بیر زاد تفککور ایله باغلی دیرمی؟

۶- دیل ایله تفککوره کی باغلیلیق آنادان گلمه یوخسا چئوره دن

اؤیرنمه ترپه نیش و داورانیشلاردان آسیلی دیر؟

دیلسیز تفککورون اورتایا چیخایلمه دییی دؤنه - دؤنه دارتیشیلیب و دوشونولموشدور. بونا باخمایاراق یئنه ده قاریشدیریلان دوروملار دا دورور:  
آ- تفککورون تاپیلیب اورتایا چیخماسیندا دیل نه کیمی اؤنمی اؤزو ایله داشیمیش دیر؟

ب- فیکرین یاخینلیق و دانیشیق ایلیشکیلری ایله باغلی اؤزگور

سؤزلو چیخیشی نندن اولوشموشدور؟

بیرجی سینی کسین ساناراق ایکنجی سینی آچیق ایفاده لی اولدوغونون  
گره کلی بینی ایره لی سورورلردی. دئمک اولار کی، بو بیر حاقسیزلیق دیر.  
بیرنجی سنین کسین لیبی، اؤنمی ایکنجی سینی ده یردن سالمامالی دیر.  
بونو باشقا یئرلرده ده گؤروروک.<sup>۲۸</sup>

پسیخولوقلار دیلدن اؤنجه کی تفکوردن سؤز آچیب دانیشاندان آراجی  
سین اولاراق ماللاردان اؤرنک کتیررکن مؤوضونو کسین لشدیرمه یه چالیشیر  
و انسانین أسکی سویونو اونلارین هر دن بیرینه بنزه دیرلر. آما بو اولدومک  
دنییل کی، بوتون دیلچی لر ویلیم آداملاری بونا بویون آیر، اؤیله سینه باخیب  
دوشونورلر یوخ، بیرچوخ بیلیم آداملاری گه لیشیمه اینانارکن، انسانین انسان  
کیمی (آدم) یارانديغینی دوشونور، اونون گه لیشیدی نی ایره لی سورموشلردی  
باخمایاراق کی بیر سیرا دیلچی لر پسیخولوقلارین بو قانیتینا قانیخیرلار.  
اوست- اوسته ماللاردا تفکوردن وارلیغینی دوشونمک و اونا اینانماق حابله  
بیر گنرچک کیمی باخماق اولارمی؟

اگر انسانلاردا "آهک" دیل یارادیرسا و دیلی ایلیشکی حابله یاخینلیق  
آراجی سانیریق سا، ماللارداکی یاخینلیق و ایلیشکی آراجی نه اولابیلر؟  
بوراسی بیر آز گرگین و قولایجا آنلاشیلان دنییل دیر. چونکو انسانلاردا اولان  
"آهک" ماللارداکی آمکن بام- باشقادیر. حله اوسته لیک ماللارین تفکوردلری  
قوشقو دوغوران دیر. ماللارین باجاریق و قاورایش چیخارلاری اؤزو آیریجا

<sup>48</sup>-Obşee yazıkonznanie. Formı suşestvovanya, funksi. istoria yazıka  
M., 1970, s.384.

دارتیشیلیمالی و قارشیلیقلى اولاراق اینجه لنمه لی دیر. ماللار اؤز اونودوش و یانلیشلارینی دؤنه-دؤنه یاپیر، تکرار ائدیرلر. اونلاردا تفککور اولسایدی هر بیر ایشلمین اؤزونه او یغون تپکی و داویر سنچرلردی، پیشیک لر ائو و آنبارین، ایش یئرلری نین سیچانلارینی اولایارکن، ائو-آنبار اییه سینه یاخیشیلیق و قوللوق ائندیکلرینی دوشونمورلر. کۆپک سویا دوشن بیر زادی چیخاردیقا، قوخلارکن گیزلی بیر زادی تاپدیقا نه کیمی یارارلی بیر ایش گۆردویونو بئله دوشونمور.

بونونلا دا اولارین تفککور اییه سی اولدوغونا اینانماق چوخ چتین دیر. بونو بیر چوخ آراشدیریجی لار او بؤلومدن پ. پ. بلونسکی (P.P.Blonski) اؤز آراشدیرمالاریندا گۆستریمیش، تفککورون آنجاق انسانا اؤزل اولدوغونو سؤیله میشلردی. تفککور، دوشونجه، آنلاق، ایستک، کیملیک دانیشیغین بئله بیرلیشیک تۆره مه لری دیرلر و دانیشیق سیز نه تفککور نه ده دوشونجه اولاسی دیر. بونو ب. ف. پورشن /ئو (B.F.Porşev) دئمیشدیر. فیکیر ایله دېلین ایلیشکیمی و اولناردان حانسی بیرى نین اؤنجه گه لمه سی، یارانماسی یاخود بیرلیکده یارانیب ایره ایله مه سی دیلچی لرین و منطیقچی لرین ماراغینی چکمیش، دارتیشما آلانی آچمیشدیر. بو دارتیشما سوره سینده قارشیلیقلى توتوشدورمالار، آیریملى سونوجلار و بنزر دوروملار اورتایا چیخسا دا بئله حامیلار ایچین آیدینلاشمیش دیر کی، هم دیلسیز هم ده دیلدن اؤنجه تفکوردن سؤز آچماق بوشونا چالیشماق دیر.<sup>۴۹</sup>

بونونلا دا دئمک اولار کی، تفککور اؤزو ده دانیشیق ده بییشیمیندن حابئله کمییتیندن تۇرنمیش دیر. تفککور دانیشیغین اورونو و وئرمی کیمی ده یر-

<sup>49</sup>-B.F.Porşev. O naçale çeloveçeskyo istori. s. 149.

لندیریلسہ، دیلدن اؤنجه اولایلمز. چونکو دانیشیق اؤزو دیلدیر و دیل ایله ده آنلاشیلیر. کیشی نین فیزیکسل، پیسیخولوژیکی و باشقا داویرلاری حامیسی دانیشیق دندییمیز بیر قاینقادان آسیلی اولاراق دورور. اونسوز هنج بیر زادی اورتایا چیخاریب آغارتماق اولمور کی، اولمور. بورادا گؤده اولاراق گؤرونن و آنلاشیلان زاد دیل ، باشقالاری ایسه اونون یئمیشی و قول-بوداقلاری دیر. بونلاری گؤز اؤنونه آلاراق دئمک اولار کی :

۱- کیشی نین بوتون فیزیکی ، عالی پیسیخی جابا و چالیشمالاری  
حتتروگئن دئییل (Heterogen).<sup>۵۰</sup>

۲- کیشی نین فیزیکی- پیسیخی جابالاری حوموگئن دیر.<sup>۵۱</sup>

۳- جابالار حامیسی گؤده سی و کؤکو دانیشیق اولان بیر آغاجین  
بوداقلاری و اورونلری دیر.<sup>۵۲</sup>

بئله لیکله ده یاشامین اؤزل لیکله کیشی یاشامی نین بوتون قوللارینی و یؤنلرینی اؤز کؤلگه سینه و ایچینه آلان دیلین نئجه ده یرلی و اؤنملی اولدوغو حامیلار ایچین آیدینلاشایلیر. دیل بیر اونجا دا اؤنملی دئییل دئین کیمسه لره آن گؤزل و توتوملو جاواب اولاراق آرخادا بوراخیغیمیز بیرنئجه اؤرنک حابئله بیلیمس قانیتلامالار یئترلی اولاردی. ایستر پورشن ائوین ایسترسه ده باشقا دیلچی و فیلسوفلارین دیله و اونونلا باغلی بیلیمه وئردیکلری ده یر، یاپمیش اولموشلاری اینجه لمه لر هرگون اؤتدوکجه داها چوخ بلیرلنیر و وارلیغیمیزین

<sup>50</sup>-Heterogen : Homogen sistemi çox olanğ

<sup>51</sup>-Bir çeşit öyələrdən oluşan sistem.

<sup>52</sup>-B.F.Porşnev. O naçale çeloveçesкой istori, s. 151.

بوتۇۋونو، اينانجىمىزى، دويغولاريمىزى، سئوگى و آجىلاريمىزى دوشونوب- دوشوندىرمكده ياردىمچى اولان دىل چىخارىنى و اۋزە يىنى آچىقجا كۆزلەر اۋنونه سىرىر.

ماددى وارىغىن بوتون ائتكىلىرى و بىنىن تېكى حابىئە سىقناللارى تفكوره دە اوستونلوك ائدن دوشونجه نىن چالاشماسى و باشىن يوۋار چابالارىنىن سونجۇندا اورتايا چىخىر. بو سىستىمىن بونجا بىرلشىك، گرگىن، بوروشوق آما دوزىلى اولدوغو ھركسى شاشغىن بىر دورومدا بوراخاركن يارادىجىلىق سىستىم و قورولوشونون دوزگون، گوجلۇ، گە لىشمىش و اوزون سورن بىر قورولوش اولدوغونۇ آيىرد ائدىر. انسان بونجا باجارى وچىخارىن قارشىسىندا اۋىرنىكن، آنلاماقدان و بو يارانشا ساغول! دىمكىن باشقا نە ائندە بىلركى ؟ بلکہ دە دوزو بودور كى، اۋرە نىن ماددى بۇلوموندىن دولايى كىشى دوشونجه و آنلايىشى نىن تېكى و داۋىرىندان سۇز آچىب دانىشاق ؟ بئله اولورسا، دىلدىن اۋنجه كى تفككور قونوسو دا قاپادىلمىش اولور و اۋز- اۋزونه اورتادان بئله قالدىرىلىر.

بو او دىمكىدىر كى، دىلدىن اۋنجه ھىچ بىر، ھىچ تورلو تفككور يوخموش. بو يوخموش سۇزونو ائله بئله و يالىن آل و دىل ايله دىئىل، قانىخدىرىجى قانىتلار ايله ايره لى سورمك گرە كدىر. گرە كىن قانىتلار ايسە دىل ايله باغلى بىلىم لىر سارىندان يۇنلتىلە بىلر. پىسىخى آلزىلىق باش وئردىكده، انسانىن دانىشما حابىئە قونوشما باجارىسى وچىخارى دىئىل، قانىتسال(منطقى)، يارغىسال(قضاوت) و دوشونجه دن آسىلى اولان يۇنلرى پوزولور. دىمكى دىل دورور، ياشايىر يالنىز نە بىن قوللوغۇندا اولدوغو مارق دوغورور. اگر تفككور دىلدىن اۋنجه يارانمىش و اولموش اولسايدى، دىئىلدىن آلزىلىق سونجۇندا پوزولمامالىيدى. چونكو دىلى

و دانىشىغى اونون تۇره مه سى كىمى تانىدىقدا، دىل و دانىشىق دا پوزولمالى ايدى. آما دانىشىغىن و دىلېن پوزولماماسى گۇستىرير كى، مۇوضو سۇيلىندىيى كىمى دىئىل ده، اولدوغو كىمى دىر. يعنى تفككور بىرىنجى دىئىل دىر.

بىز حامىمىز بىلىرىك كى، انسانلار يىتكىن لىك دۇنمىنه چاتمادان يعنى اوشاقتلىق چاغلارىندا بىرچوخ سۇزلرىن، دانىشىقلارىن، ماحنىلارىن آنلامىنا و دوزگون اولوب- اولماماسىنا و ارمادان اونلارى آغزىنا آلىب دانىشىر ياخود دا اوخويور. بورادا بىله بىر سورون و سورغو اورتايا چىخابىلر كى، اگر تفككور دىلدىن اۇنجه و ارمىش ندىن بو يانلىش داويرىن و آنلامسىز سۇزلرىن اۇنونو آلمامىش و انسانى بۇيله جه بىر ايچى بوشلوقا بوراخمىش دىر ؟

گۇرونور كى، تفككورون اولمادىغى و چالشمادىغى يۇرده دىل و دانىشىق كه لىشمىش، دولغون و آنلايشلى بىر دوروما و ارمىش و انسانىن گونده لىك چالشمالارىندا اۇزل يۇر توتموشدور. او بىرىسى ياندىن، باشدا دىل- دوشونجه ايله ايلگىلى بىرچوخ بۇلگه بولونموش و تانىمىش دىر. بو بۇلگه لىر بىئىنىن هر ايكى يارىم كوره سىنده يۇرلىشىر. آما تفككور بۇلگه سى اولمامىشدىر. بونو دا دىنمه لىيىك كى، دىلدىن اۇنجه بىلىرلى بىر اۇلچوده دوشونجه و ارمىش و اونونلا باغلى سۇز آچىب دانىشماق اولار. آما بو يۇنده كى قونوشما و دارتىشما دىل- دىلچىلىك بىلىم دالىنا دىئىل، پىسىخولوگىا بىلىم داللىرى ايله داخا آرتىق ايلگى و ايليشكىده گۇرونمكده دىر.

ايندىكى چاغدا بوتون كىشى لرىن و اۇزل اولاراق بلىم آدمالارى نىن بىله دىلدىن دوشمه يىن تفككور سۇزو و اونون هر زادى كۇلگه له يىن كۇركمى دىلدىن و دانىشىقدان سونرا دوشورسه، دىل و دانىشىق سورونو داخا دا درىن بىر دوروما كه لىر و داخا اوزاق بىر ايلايا ايبه اولور. بونونلا دا دوشونمك

اولار كى، دىل و دىلچىلىك بىلىم دالى بىر خىلىك بوندان اۋنجه (۱۸ يوز ايلدن اۋنجه) اۋزل بىلىم دالى كىمى اۋىره نىلمە لى ايمىش. بۇىلە اولسايدى بوگون اولدوغوندان آرتىق اىره لىلە مىش اولاردىق. بونا باخماياراق، يىننە دە گوج دىئىل دىر وانسانلار يوغون چالىشمالار سونوجوندا دىلېن بىر بۇيوك اوكيان و كنىش وارلىق اولاراق ائنگىن لىيىنە، درىن لىيىنە واراركن اونون نئجه ونقدر توپلوم قوللوغوندا اولدوغوندان سوراق توتموش اولاجاق دىر.

## دیل و دوشونجه

ماددی وارلیغین بوتونو انسانین دوشونجه گوجونده یئرلشیر بو گوجون قانادلاریندا ایسه ایسته نیلن یؤنه، گره کن دوروما داشینیر و کۆچورولور. بئله لیکله ماددی وارلیغین تپکیسی دوشونجه سیز و دوشونجه نین گئیش قانادی، زنگین قاتلاری و درین آنلامی اولمادان آنلاشیلماز کیمی گۆرونمکده دیر. ماددی وارلیقدان سۆز گئدیرسه، معنوی وارلیغی یوخدور کیمی یاخود ایکنجی حابئله اوچونجو باسامادا دورموش کیمی ده یرلندیرمک ایسته میریک بلکه اونون اۆز گۆتور- قوی و دارتیشما سیراسینی آیریجا اولاراق دوشونوروک.

بوتون بو تپکی لر و دوشونوملر حامیسی باشقالارینا چاتدیریلماق حابئله گره کن بیلگینی و یاراری وئرمک ایچین بیرباشا و حامی نین گۆزو اؤنونده دیل کۆرپوسوندن کئچمه لی اولور. ائله بونا گۆره ده بیر سیرا بیلگین لر دیلی دوشونجه آدلاندیرمیش و کیشی وارلیغینی اۆز ایچینه آلان دانیلماز گئرچک لییین دوشونجه یه چئوریلیمیش دیل کۆرپوسو اوزه رینده آددیملادیغینی بئله سؤیله میشلردی. سۆزو گئدن گۆروش قارشى چیخانلار دا اولسا بئله، اوندا یئرلشن گئرچک لیک لری ده دانماق اولماز و دیل ایله ماددی وارلیغین سیخ ایلیشکیسی قاچیلماز دیر. کیشینی چئوره له ین و اۆز ایچینه آلان گئرچک لییی دۆرد آیریجا بؤلمه یه بؤلمک اولار :

۱- دوغا بۇلمە سى.

۲- توپلوم بۇلمە سى.

۳- دوشونجە بۇلمە سى.

۴- دىل بۇلمە سى.

بونلارېن اېچرىسىندە "دوغا" بۇلمە سى ەر باخىمدان بىرىنچى ھابىلە اىلكېن دىر. اونا كۆرە كى، توپلوم، دوشونجە و دىل اۆزۈ بىلە اولمادان، ماددى و ارلىق و دوغا اولموش و بىزى اۆز اېچىنە آلمىشىدېر. كۆرۈشلېرىنى ماددى يۇندە آچىقلاماغا چالېشانلار "ماددە" نى بىرىنچى و اىلكېن، دوشونجە نى ايسە اىكېنچى اولراق كۈندە مە كىتېرسە لىر دە، اونلارنى بىرگە، ياناشى و بىر دورومدا ھابىلە اولومدا ياراندىقلارېنى اورتايا قويانلار دا اولموشدور. بىرىنچى و اىلكېن سانىلان ماددى و ارلىغېن اوندان سونرا اورتايا چىخان دىلە نە كىمى و نە اۆلچۈدە گرە بى و ارمىش مۇوضوسو دا آىرىجا آراشدىرما كۆزلە بىر.

ماددى و ارلىغى و اونون قارشىلىقلى تېكىسىنى اىستىر دىلدىن اۆنچە، اىستىر سە دە سونرا دوشونمك دىلېن دورومونو و دە يىرىنى ائندىرېمك كۈچۈندە بىلە دىئىلدىر. چۈنكو ەر اوزدە سۇيلە دىك كى، بو و ارلىق دوشونجە سىقناللارنى سونجۇندا دوشونولور و دوشونجە اۆزۈ دە دىل كۆرپوسو اىلە توپلوما كىرېر و اوندا دولاشىر. بونولا دا دىمك اولار كى، دىل كۈچلو بىر ياپى ھابىلە قورولوش ھە دە آلت قوروم اولراق اىلك كۆرە وى اوستە لىنېر ھرگۈن بو كۆرە وىن كىنىش لىبى داھا آرتىق باشا دوشولور. بىر دە كى، بوندىن اۆنچە سۆزونو دانىشدىغىمىز "مەك" انسان ياشامىندا و توپلوملارېن گە لىشمە و اىرە لىلە مە سىندە اونجا اۆنملى يىز توتموشدور كى، انسانىن اۆزونو، اونون دىلى و دوشونجە سىنى "مەك" ياراتمىشىدېر دىئە بىلرېك.

بوسانىمى و دويمو بىر گنرچك اولاراق كۇز اۋنونه آلمىش اولورساق،  
دئمە لىپىك كى :

*اۋنجه آمك و سونرا اونونلا ياناشى آيدىن و آچىق دانىشلىق ايكى  
اۋنملى و آن باشلىجا ندىن اولموش و بونلاردين ائتكىسى آلتىندا ايندىكى گە  
لىشمىش و ايرى توتوملو انسان بئىنى اولوشموشدور.*

آما بو اۋزۇ دە ماددى كۇرۇشدور. چونكو بو كۇرۇش انسانى سوندىن  
ھم دە آز-آز يارانمىش بىر وارلىق كىمى كۇسترمكده دىر. بئله بىر كۇرۇش و  
يوزوم بىرچوخ بىلگىن لر و بىلیم آدمالارى ساريندان قىراغا قويلموش  
وانسان اولدوغو كىمى بوتۇ، دوزگون و انسان اولاراق ھم دە تانزىننن اۋز  
ساريندان و اۋزۇ گوجو ايله يعنى "آدم ايله حاووادان" يارانمىشىدور. بىزه  
كۇرە، دىلین انسان و انسان وارلىغى ايله ايلگىسى، اۋنمى و توپلوما كتىردىيى  
كوجلو وئرىم داھا اۋنملى دىر و انسانين سوپونو اورايا-بورايا سوروكله بىب  
آشاغىلاماق، ائندىرەك و انسانلىق دە يرینه حاېئله كىشى لىك كىملىپىنه توخو-  
نماق بىزى بىريانا چىخارماياچاق دىر. اونو ائتنوقرافلار و سوچولار ھم دە  
بىرىندن يانا اولمادان آراشدىر سالار بئى دىر.

دىل و دوشونجه هرچاغ ھم دە قارشىلىقلى ايليشكىده اولموشلار. بو  
ايليشكى توپلومون اولوشوموندا و گە لىشىمىندە بۇيوك اۋنم داشىمىش، بو  
گونكو كوجلو ياشام چنۇره سىنى بىزه آرمان ائتمىشىدور. دىل انسان ياشام و  
دىرىلى بىندە دوشونجه ايله ياناشى كىشى چاباسىنى يۇندىر، فورمالاشدىرير  
و سونوجلاندىرير. بو او دئمك دىر كى، دىل اۋزۇ دە تالاش و چابا كىمى اوزە  
چىخىر و بو چىخىشىن سونوندا دوشونجه نىن اۋزۇنو دە دوشوندورور حاېئله  
فورمالاشدىرير. چونكو بوندىن اۋنجه سۇيله دىبىمىز كىمى، دىل دوشونجه دىر،

دوشونجه ایسه دیل دیر. دوشونجه یه گۆره دیل حانسی بیریملری و نئجه  
لیک لری داشی بیر؟ تفککوره گۆره نه کیمی گۆسترگه لر و بیریملر دیله  
یئرلشیر؟ دیله گۆره تفککور حانسی بیریملری و نئجه لیک لری داشی  
بیر؟ و بو کیمی سورولار دیلچیلیک بیلیمی نین گۆتور- قوی انده بیله جه یی  
وگره کن سورونلاری چۆزه بیله جه یی اومولور.

سۆز و گئدن قارشیلیقلاری، ایلیشکی لری و یاناشمالاری بئله آچیقلاماق  
اولار کی، دیل گنرچکدن دوشونجه دیر و اونون گنرچک لشمه سینی اولوشد-  
ورور و دیل ده دوشونجه کیمی گره کلردن، املکردن و باشقالاری ایله  
ایلیشکی گره بیندن دوغولور. دوزدور، دیل دوشونجه آکت و گنرچکلرینی  
چنشیلتی قوللاردا دوزنله بیر و اونلارین دوزه نینده اؤنملی آپاریجی لیغیا اییه  
اولور. دوشونجه ده کی آکتلار اؤزلویونده کیشی یه بیر زاد وئره بیلمه بیر  
یالنین دیل ایله ایلیشکیه کیرندن سونرا گنرچک لشیر.

دیل دوشونجه نین گۆسترگه و چیخیش آراجی دیر. چونکو دیلین ایلیکین  
بیریمیندن و ده بیسیمیندن اونون ایکنجی گۆرونوشو و بیریمی اورتایا چیخیر  
دوشونجه چابا و چالیشمالاری اوسال چالیشمادیر. بونولا دا دئمک اولار کی،  
دیل بئینده کی اوسال چالیشمالارین فورمالاشماسی نین باغیمی و آراجی دیر.  
بو باغلانتیلار و بیرگه چالیشمالار بیر آز بوروشوق، دولاشیق یاخود دا چتین  
گۆرونورسه ده، دئمک اولار کی، دوشوندوروجو، قاوراما اویغون، بیلیمسل و  
قانیلتی بیر بیلیم ساحه سی دیر وهر بیر دیل- دوشونجه آراشدیرمالارینین  
ورغونو اونو سئوه بیلر و آنلاماغی باچارار.

بوندان اؤنجه دوشونجه نین و دیلین املکدن یارارلاندیغینی و ائتکی لندی  
بینی اؤیره نیب دئدیگ کی، انسانلارین چالیشمالاری و اورتایا قویدوغو املک و

دوفا ايله ووروش دىلېن تاپىلىپ گە لىشمە سىندە اۋنملى يئر توتور. دىل امكن دوغورسا و دىل دوشونجە كىمى دوشونولورسە، اوندا كىشى دوشونجە سى نىن فورمالاشىپ گە لىشمە سىندە دىل امكن سونرا ايكىنچى گوج و آزاجى دىر و بونو دىل ايله دوشونجە نىن ايلىشكى سىندن دويماق اولار.

دوشونجە و اونون ايلكە لرى آنجاق انسانلاردا دئىيل، بىر سىرا ماللار دا دا گۇرورتموش و گۇرونمكە دىر. بېچى لر بو سىرانىن اۋنوندە و ايلكىندە يئر توتورلار. اونلارداكى دوشونجە ايلكە لرى ايلكىن و گوجسوز فورمادا، دورومدا اولسا دا، دوشونجە دىر و اونو دانماق ياخود دا كىشىنى داھا چوخ آبارتماق اىچىن اورتاداكى كىرچكەن قاچماق دوزگون گۇرونمىزدى. ماللاردا گۇرونن دوشونجە ايلكە لرى دونوق دوردوقدا، كىشى دە كى دوشونجە قايناقلارى ەر آن اىرە ليله مىش، گوجلنمىش و فىكىرە چنوريلمىش دىر. انسانلار ايله مالين دا قابارىق آيرىلىغى بوراسى دىر.

بونو دا بىلمە لىيىك كى، دىل ايله دوشونجە بىريانلى دئىيل، قارشىلىقلى و آريا اولاراق باغلانتي قورموشلاردى. اكر دىل دوشونجە نىن فورمالاشىپ، بوتۇلە شىب گە لىشمە سىندە اۋنملى و قاچىلماز رول اوينايىبىسا، دوشونجە ايسە دىلى دوزنلە بىب، قاندىتسال اندىب گوجلندىر مىشىدىر. دئىيلن قارشىلىقلى ائتكى ەر ايكى مؤوضونو قول- قولا، آددىم- آددىما يوروتموش و يانى سىرا انسان توپلومونون زنگىن لشمە سىنە ندىن اولموشدور. بونلارن حامىسىنا بئله باخماياراق، بو قارشىلىقلى ايلىشكى و باغلانتي گرە بىنجه آراشدىرلمايمىش و بىلگىن لرىن او بۇلومدىن پىسيخولوقلارن سورونو چۇزە سى بىر دورومدا قوى- گۇتور اندىب اينجە لمە لرىنى گۇزلە بىر. دوشونجە نىن چاليشماسى ەر زاددان اۋنچە دىلېن لئكسىك- سئمانتيك سىستئمىندە گە لىشمە نىن باشلىجا و

قالبارىق نىنلرىنىدىن ۋە شىرلەرنىدىن دىر. دوشونجە نىن دىلە گۇستردىيى تېكى ۋە اونون اوزە رىندە بوراخدىغى انتكى يالىن ۋە اۋزل دىيىل دە، توپلومسال بىر دوشونجە آراجىلىغى باش ۋىرمكە دىر. بوراسى دا دوشوندوروجو ۋە اۋنملى دىر كى، دوشونجە نىن قىبول ائتمە دىكلرى ۋە اوستە لىنمە دىكلرى دىلېن لىكسىك سىماتىك سىستىمىنە انتكى ۋە تېكى گۇستىرە بىلمىر. يعنى دوشونجە ھەر بىر سۇزو، دىيىمى، دويمو ۋە آنلامى اىچىنە آلمايىر بلكە دىلە كى آسكىلىك لىرى، كىرلە مېش آنلاملارى كىرىدە بوراخىر ۋە اونون يىنى، چاغداش، آنلايىشلى، قانىتسال ۋە گوندىمە يىر آنلان سۇپلم لىر اىلە اولوشماسىنى ساغلايىر.

دوشونجە نىن دىل اىلە اىلىشكىدە ياراتدىغى اولوملار ۋە يوروتدويو چابا ۋە چالىشمالاردان باشقا يارارلى ۋە گۇركملى ايشلىرى دە وار دىر. بىلە كى، دوشو- نجە دىلېن تۇرە سل يۇنلرىنە دە يول تاپىر ۋە بو يۇندە آنلاملى سۇزلرىن اورتايا چىخماسىنا ياردىم ائدىر. دوشونجە نىن بو يۇندە كى چالىشمالارى دىمك اولار كى اۋزوموزدن آسىلى دىيىلدىر ۋە اونو يويىنلە مك دە بىزىم آلىمىز- دن چىخمىش كىمى داھا دوغروسو بىزىم آلىمىزدە دىيىلمىش كىمى گۇرونور ۋە دويولور. دوشونجە نىن تۇرە سل سۇزلرىن يارانماسىندا كى اۋنمى ۋە اونون بو دە يىرلى گۇرە وىنى "اۋز چابا" ياخود دا "اۋزگور چابا" آدلاندىريرساق يانىلما مېشىق.

تۇرە سل سۇزلرىن بىرچوخونو اۋزوموز دە بىلە سالىب- چىخمادان، نىجە قورولدوغونا ۋە قوشولدوغونا ورمادان آغىمىزا آلىر، دوز يازىر حابىلە اونون گرە بىنى دوشونوروك. بىزە ۋە دىلېمىزە بو قوللوغو، دوشونجە نىن اۋز چابا بۇلومو ائتمىشىدىر. بونونلا دا دوشونمك ۋە دىمك اولار كى، دىلېن حابىلە دانىشىغىن قورولوشو ۋە ياپىمى اۋز- اۋزونە دىيىل، دوشونجە نىن چاباسى

سونجوندا گوجلۇ دانىشىق بۇلمە سىنە چنورلىير و اۋزونون آپارىجى اوزونو و گوجونو گۇستىرير.

"آنلام"، "آچىقلاما"، "چىخار"، "اىچ اوز"، "... كىمى سۇزلىرى دىلە كتىردىكە ايسە دوشونجە نىن اۋزونو و "اۋز چابا" نى يوروتمە يە و بو يور- وشو ائىمىزە آلماغا چالیشىرىق. دانىشىغىن قورولوشو و بو قورولوشون اىچرىسىندە يئر آلان سۇزلىر ەرچاغلىق و دە يىشمز اولمور. اونلار دوشونجە نىن چابا فورما و تىپلىرى دە يىشىدىكە دە يىشمە بىلر. بو اودۇمك دىر كى، بلىرلى ياخود بلىرسىز بىر يۇنون و يولون اوزە رىندە گە لىشىر، اىرە لىلە بىرسە دە، او گە لىشمە و اىرە لىلە مە دوشونجە نىن اۋزونە اۋزل گۇستىرگە دوزە نى و مودىلى دىر.

بورادا آچىقجا دويماق و دوشونمك اولار كى، دىلېن اۋلچو و دوزنلرىنىن دوشونجە سارىندان فورمالاشماسى، دوشونجە نىن آن اۋنملى ساحە لرىندىن بىرىنى اوزە چىخارىر. آيدىنجا آنلاشىلىر كى، توپلومسال دىل و دانىشىق اۋزو دوشونجە نىن دە يىشن يۇنلرىندىن و بۇلوملرىندىن آسىلى اولاراق اۋز دە يىشمە لرىنى و گە لىشمە لرىنى دوزنلە بىر و بو قارشىلىقلى اىلىشكى ەران سورور. دىلى اىلە دوشونجە سى بىرلشن كىشى لر باشقالارىنا كۇرە بوتون تىپە نىش و داورانىشلارى تىز- تىز قاورايبىر و دىئىم- دويمونو ائلە دوزنلە بىر كى، ەر دىنلە بىجى ياخود قونوشوجو اىلە اۋز آراسىندا ەنچ بىر آيرىلىق كۇرونمە بىر. آما دوشونجە سى اىلە دىلېنى بىرلشدىرە بىلمە ين كىمسە لر گوجلۇ و بىلىمسىل چىخىشلارى، دانىشىقلارى يۇرىندە و چاغىندا دوشونوب، آلا بىلمە بىر و بئلە لىكلە كئرى دوشور.

بىر دىلدە دائىشان و گۇروشن ايكى كىمسە نىن آنلاشا بىلدىكلرى دە ( بو دىل باخىمىندان دوشونولور) اتلە بونا گۇرە دىر. چونكو دىل- دوشونجە چاتىشمازلىغى و آيرىلغى سۇزو گۇدن گۇرى لىيە و دالى ليغاندن اولور. انسانىن اۇز دىلىنى بىلمە سى، يالين اولارق دائىشماسى يىترلى دىيىل دىر، اونو باشقالارىنى حىزلى و گوجلۇ دائىشاركن دوشونە جە يى اۇلچودە وردىش ائتمە لى و اۇز قاورايش آلانىنى گىنىش لىندىرە لىدىر. دوشونجە نىن گوجونو دوشونمە دن و اوندان اولان دوزلتمە، دوزنلە مە، يۇنلتمە و باجارى وئرن قولو، بۇلمە نى آيىرد اندىب يىرىندە و چاغىندا قوللانمادان، دىللىمىز گوندمە كى دىل گە لىشمە لرىندن خىلىك گىرىدە دورايلر. بو ايسە گوندمە لىك چالاشمالارىمىزى حىزدان سالاركن توپلومو اوچوروما و آنلامسال يوخلوغا سوروكلە يە بىلر.

دوشونجە نىن گۇرە وى، دە يىرى، توتدوغو يىر و داشىدىغى اۇنم بونونلا دا بىتمە بىر. او- دوشونجە اىستر قانىتسال، اىسترسە دە پوزوق دورودا بۇلە اولان بوتون داویر وترپە نىشلرە، آنلامجا گىرچك اولان دىيىم- دويوملارا دا ائتكى گۇستىرير و آپارىجى حابىلە يۇنلدىجى گۇرە و داشى بىر. بوندان اۇنچە دە گۇستردىيىمىز كىمى، دىلچىلىك دە "دىل و تفككور" آراشدىرماسى حابىلە اينچە لمە سى "دىل و دوشونجە" قونوسونون يىرىنە كىچمىشىدى آما بو او دىمك دىيىل كى، دىل و دوشونجە ايكىنچى دوروملو و باساماقلى آراشدىرما مؤوضوسودور. چونكو دوشونجە تفككورون اۇزونو دە اىچىنە آلىر.

بونا باخماياراق، دىمە لىيىك كى، دىل و تفككور دىل و دوشونجە ايلە اۇز يىرىنى دە بىشىدىيى اوزوندن سۇزون آنلامى نىن اۇزە يى و ايچ اوزو قونوسو دا بىلىم دونياسىندا بىر يانلى ايشىقلاندىرىلمىش و دىمك اولار كى، ايشىن بىر يارىسى ەم دە چوخ اۇنملى بىر بۇلومو يىردە قالمىشىدىر. دوشونجە نىن اۇز

چالیشماسیندا آنلاییشدان باشقا هنج بیر زاد یوخدور دئمیشلر، بو او دئمک دیر کی، سۆزون قورولوشوندا و وارلیغیندا بیلکدن باشقا هنج بیر آنلام یوخدور. بویانلیشدیر. "دیل و تفککور" آنلاییشی "دیل و دوشونجه" آنلاییشی ایله ده بيشدیریلیب آراشدیریلیرسا داھا دوزگون، داھا گنیش سونوجلار بئله آلدھ ائتمک اولار.

بو ایستر فلسفه، ایسترسه ده دیلچیلیکده دوشونجه گنیشی نین بؤیوک بیر بؤلومو کیمی اؤزونو گؤستره بیلر. تفککور بیر گنرچک اولاراق ماددی وارلیغین کیشی بئینینده آنلاییش، بویروق فورماسینا دئییلیر و بو، یانسیما پروسئسینه قاییدیر. سۆز و گنن پروسئس یالین اولاراق دئییل ده، سۆزلرین، تومجه لرین و سۆز بیرلشمه لری نین ایچریسینده و یانی سیرا ایره لی سورولور.

## فهرست

زبان.....	۳
ماهیت زبان.....	۸
نطق و فعالیت.....	۲۰
تلاش، جمعیت، زبان.....	۲۶
کلمه - شیء.....	۳۱
اهمیت، کمیت و واحدهای زبان و بیان و تغییرات آنها.....	۴۰
زبان، شعور، تفکر.....	۴۸
مسئله تفکر پیش از زبان.....	۵۲
زبان و شعور.....	۶۴

## ایچینده کیلر

دیل.....	۷۳
دیلین ایچ اوزو.....	۷۷
دانشیق و چالیشما.....	۹۱
أمک، توپلوم و دیل.....	۹۸
سؤز - شئی.....	۱۰۳
دیلین و دانیشیقین اؤنمی، ساحه سی و باشقا اولایلار ایله باغلی ده بییشملری.....	۱۱۲
دیل، دوشونجه، تفککور.....	۱۲۱
دیلدن اؤنجه کی تفککور سورونو.....	۱۲۴
دیل و دوشونجه.....	۱۴۱

## دیگر آثار مؤلف / یازارین باشقا یازیلاری :

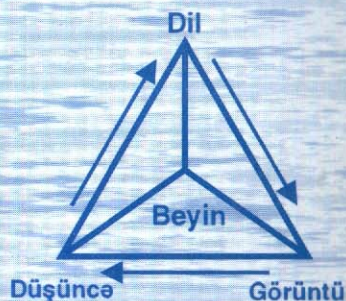
- ۱- آنا نیسگیلی - سۇى توپلوسو.
- ۲- قارچیچه یی - سۇى توپلوسو.
- ۳- كۆلگه - سۇى توپلوسو.
- ۴- گونئیده گونوم - سۇى توپلوسو.
- ۵- سحر آغاجی - سۇى و دوز یازی توپلوسو.
- ۶- آلیشیق - سۇى و دوز یازی توپلوسو.
- ۷- قوشمالار - سۇى توپلوسو.
- ۸- گوز گوللری - سۇى توپلوسو.
- ۹- چیچک - اوشاق سۇیو توپلوسو.
- ۱۰- یازیشما - یازی اؤیره نیمى.
- ۱۱- دیل و دیچلیک - بیلیمسل یاپیت.
- ۱۲- ده ده قورقود و یئنی توپلوم - آراشدیرما.
- ۱۳- کند گه لینی - اؤیکو.
- ۱۴- ائلئکترونیک اؤیره نیشى - تئخنیکی درسلیک.
- ۱۵- تورکجه - تورکجه سۇزلوک (۵۳۵ ص.)
- ۱۶- فارسجا - تورکجه سۇزلوک (۸۰۰ ص.)
- ۱۷- اینگیلیزجه - تورکجه - فارسجا سۇزلوک (۱۶۰۰ ص.)
- ۱۸- تورکجه - فارسجا سۇزلوک (۸۶۰ ص.)
- ۱۹- تورکجه - تورکجه - فارسجا گئنئل سۇزلوک (۳۰۰۰ ص.)
- ۲۰- تورکجه - فارسجا گونده لیک دانیشیق.

- ۲۱- فارسجا- توركجه گونده ليك دانىشىق.
- ۲۲- آنادولو توركجه سى- آذربايجان توركجه سى و فارسجا دانىشىق.
- ۲۳- آنادولو توركجه سى و فارسجا دانىشىق.
- ۲۴- آتام ايله مه نيم ناغىلاريم- اۆيكو(چنويرمه) ج. ۱.
- ۲۵- آتام ايله مه نيم ناغىلاريم- اۆيكو(چنويرمه)- ج. ۲.
- ۲۶- آتام ايله مه نيم ناغىلاريم- اۆيكو(چنويرمه)- ج. ۳.
- ۲۷- آذربايجان خالق ماھنىلارى- كۆچورمه و دوزنله مه.
- ۲۸- آذربايجان عائله اوزره- ائنتىك آراشديرما.
- ۲۹- نىظامى نين دونيا شۆھرتى - چنويرمه.
- ۳۰- بۇشيك نغمه سى- اوشاق سۆيو(چنويرمه).
- ۳۱- ادبى سىكلر- درسلىك(كۆچوروب دوزنله مه).
- ۳۲- بابك- ايلالسال رومان(كۆچوروب دوزنله مه).
- ۳۳- تورك دىلى و ادبىياتى - درسلىك(۵ جيلد).
- ۳۴- سئوگىنين سونو- سۆى توپلوسو.
- ۳۵- پاييزدان پاييزا- سۆى توپلوسو.
- ۳۶- توركجه- اينگىليزجه- فارسجا دانىشىق.
- ۳۷- قىسالتمالار سۆزلويو.
- ۳۸- قان ياداشى.
- ۳۹- آذربايجان- توركييه ديپلوماتىك ايلشكىلرى (چنويرمه).
- ۴۰- هديه- اۆيكو(كۆچورمه).
- ۴۱- آتا يادىگارى- اۆيكو(كۆچورمه).
- ۴۲-.....

# ƏLİ DAŞKIN

- Güney Az.-nın Ucan bölgəsinin Xalaç köyündə doğulmuşdur(1955).
- Yazar,şair,çevirmən,düzəltmə.
- Az.yazarlar birliyinin üzəsi.
- ULUSLARARASI BASIN FONDUNUN
- yönetim kurulu üzəsi.
- Türkoloji və dilçilik bilim dalları üzrə doktor.
- Türk dili və ədəbiyatı öyrətmenliyi için Nizami adına ədəbiyat və Nəsimi adına dilçilik institutlarından yetkili.
- 70-dən çox bilimsəl-yazınsal yapıtın və şer,roman kitablarının yazarı.
- Təbriz,Urmu,Xoy və Suldüz şəhərləri universitet və bilim ocaqlarının Türk dili və ədəbiyatı öyrətmeni.
- Yapıtları və yaşamı Türkiyənin Atatürk və İranın Azad-İslami universitetlərində Doktorluq və oxu bitirmə tezi olaraq, yazılıb incələnməmişdir.
- İlk dönə olaraq,Təbrizdə Dədə Qorqud Qurultayını keçirmişdir(1999).
- Təbrizin Şəhryar adına ədəbi dərneyi və yazarlar birliyinin yönetim kurulu üzəsi(1990-1993).
- 30-dan çox şeri ölkə içində və ölkə dışında mahnı,şarkı və türkü olaraq bəstələnilib,oxunub yayınlanmışdır. (Soldurdu xəzan,Babək,El bağçası, Azərbaycan,dünya,laçın,Ədalət,...).

# DİLİN İÇ ÜZÜ



شیراز

شماره: ۶۶۴-۶۷۵۶-۸۶-۷

ISBN: 964-6756-86-7